



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مرحوم علامه مجلسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشکاه الانوار مجلسی

نویسنده:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مشکات الانوار
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	به عنوان پیشگفتار
۲۱	[مقدمه مؤلف]
۲۵	تنویر اول: در بیان فضیلت قرآن و حامل آن
۲۵	اشاره
۲۸	کوکب اول: «در بیان فضیلت قرآن»
۳۱	کوکب دوم: «در بیان فضیلت حامل قرآن است»
۳۴	کوکب سوم: «در بیان صفات قُرّاء قرآن و اصناف ایشان است»
۴۶	کوکب چهارم: «در بیان آداب خواندن قرآن است»
۵۶	کوکب پنجم: «در کیفیت ختم قرآن است»
۵۸	کوکب ششم: «در ثواب تعلیم و تعلّم و حفظ قرآن است»
۶۱	کوکب هفتم: «در ثواب قرائت قرآن»
۶۶	کوکب هشتم: «در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاه داشتن قرآن»
۶۸	کوکب نهم: «در بیان فضایل و فواید بعضی از آیات و سور کریمه قرآنی»
۱۴۲	تنویر دوم: در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن است
۱۴۲	اشاره
۱۴۴	نجم اول: «در بیان فضیلت دعا و فوائد آن است»
۱۵۰	نجم دوم: «در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا»
۱۷۶	نجم سوم: «در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها»
۱۹۰	تنویر سوم: در ذکر بعضی از اذکار و دعوات و تعقیبات
۱۹۰	اشاره

۱۹۲	باب اول : در بیان فضیلت اذکار است و آن مشتمل است بر چند فصل
۱۹۲	فصل اول : در فضیلت تسبیحات اربع است
۱۹۶	فصل دوم: «در ثواب تهلیل است و ثواب انواع آن»
۲۰۳	فصل سوم: «در فضیلت تسبیح است»
۲۰۶	فصل چهارم: «در فضیلت تحمید و انواع محامد است»
۲۰۸	فصل پنجم: «در فضیلت استغفار است»
۲۱۱	فصل ششم: «در فضیلت اذکار متفرقه است»
۲۱۷	باب دوم: «در بیان اذکاری که مخصوص وقتی چندند»
۲۱۷	اشاره
۲۱۷	فصل اول: در تعقیب نماز صبح و شام است و اذکاری که در صبح و شام باید خوانند
۲۲۷	فصل دوم: در اذکار و ادعیه‌ای که در عقب هر نماز باید خوانند
۲۳۲	فصل سوم: در تعقیب مخصوص نماز ظهر است
۲۳۳	فصل چهارم: در بیان تعقیب مخصوص نماز عصر است
۲۳۴	فصل پنجم: در بیان تعقیب مخصوص نماز خفتن است
۲۳۵	فصل ششم: در بیان سجده شکر است
۲۴۰	فصل هفتم: در بیان اذکاری است که در هنگام خواب باید خوانند
۲۴۸	درباره مرکز

سرشناسه : مجلسی محمدباقرین محمدتقی ق ۱۱۱۱ - ۱۰۳۷

عنوان و نام پدیدآور : مشکات الانوار در فضائل و آداب قرائت قرآن محمدباقر مجلسی تحقیق و ویرایش واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران) ، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری : ص ۲۴۰

شابک : ۹۶۴-۶۷۰۵-۴۸-۰۸۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۶۷۰۵-۴۸-۰۸۰۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع : قرآن -- سوره ها و آیه ها، خواص موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۲

شناسه افزوده : مسجد جمکران شناسه افزوده : مسجد جمکران واحد تحقیقات رده بندی کنگره : BP۷۱/۹ م ۳ م ۵ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۷

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۷۲۱۶

ص : ۱

اشاره

مشكلات الانوار

در فضائل و آداب قرائت قرآن

مرحوم علامه محمد باقر مجلسی

ص: ۲

فهرست

۷.....	به عنوان پیشگفتار.....
۱۵.....	مقدمه مؤلف.....
تنویر اول: در بیان فضیلت قرآن و حامل آن / ۱۹	
۲۱.....	کوکب اول: در بیان فضیلت قرآن.....
۲۴.....	کوکب دوم: در بیان فضیلت حامل قرآن است.....
۲۷.....	کوکب سوم: در بیان صفات قُرّاء قرآن و اصناف ایشان است.....
۳۹.....	کوکب چهارم: در بیان آداب خواندن قرآن است.....
۴۹.....	کوکب پنجم: در کیفیت ختم قرآن است.....
۵۱.....	کوکب ششم: در ثواب تعلیم و تعلّم و حفظ قرآن است.....
۵۴.....	کوکب هفتم: در ثواب قرائت قرآن.....
۵۹.....	کوکب هشتم: در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاه داشتن قرآن.....
۶۱.....	کوکب نهم: در بیان فضایل و فواید بعضی از آیات و سور کریمه قرآنی.....
تنویر دوم: در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن / ۱۳۵	
۱۳۷.....	نجم اول: در بیان فضیلت دعا و فوائد آن است.....
۱۴۳.....	نجم دوم: در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا.....
۱۶۹.....	نجم سوم: در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها.....

تنویر سوّم: در ذکر بعضی از اذکار و دعوات و تعقیبات / ۱۸۳**باب اول: در بیان فضیلت اذکار است / ۱۸۵**

- فصل اول: در فضیلت تسبیحات اربع است ۱۸۵
- فصل دوم: در ثواب تهلیل است و ثواب انواع آن ۱۸۹
- فصل سوم: در فضیلت تسبیح است ۱۹۶
- فصل چهارم: در فضیلت تحمید و انواع محامد است ۱۹۹
- فصل پنجم: در فضیلت استغفار است ۲۰۱
- فصل ششم: در فضیلت اذکار متفرقه است ۲۰۴

باب دوّم: در بیان اذکاری که مخصوص وقتی چندند / ۲۱۰

- فصل اول: در تعقیب نماز صبح و شام است و اذکاری که در صبح و شام باید خواند ۲۱۰
- فصل دوم: در اذکار و ادعیه‌ای که در عقب هر نماز باید خواند ۲۲۰
- فصل سوّم: در تعقیب مخصوص نماز ظهر است ۲۲۵
- فصل چهارم: در بیان تعقیب مخصوص نماز عصر است ۲۲۶
- فصل پنجم: در بیان تعقیب مخصوص نماز خفتن است ۲۲۷
- فصل ششم: در بیان سجده شکر است ۲۲۸
- فصل هفتم: در بیان اذکاری است که در هنگام خواب باید خواند ۲۳۳

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا صاحب الزمان ادرکنا»

آیا هنگام آن نرسیده است که انسان ها در هر جای زمین قرآن را بشناسند(۱)، مفاهیم والای آن را دریابند، و دستورات سعادت آفرین آن را برنامه زندگی خویش قرار دهند؟

آیا هنگام آن نرسیده است که بشریت به نور قرآن از ظلمات جهل و ضلالت بگریزد(۲)، و سرگشتگی های خویش را با ره جویی به طریقت نورانی قرآن پایان بخشد؟

آیا هنگام آن نرسیده است که دردمندان جامعه بشری به دوی الهی قرآن دست یابند، و ناتوانی های فکری، افسردگی های روحی، نابسامانی های رفتاری و از هم پاشیدگی روابط اخلاقی و اجتماعی خود را با داروی معجزه گر قرآن شفا دهند؟(۳)

آیا هنگام آن نرسیده است که به جای همه مسالک دنیا گرایانه و مکاتب انسان مدارانه، شریعت خدا محورانه قرآن، در جوامع بشری حاکمیت یابد؟(۴)

ص: ۷

۱- أنزل فيه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان. بقره / ۱۸۵.

۲- کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور. ابراهیم / ۱.

۳- و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین. اسراء / ۸۲.

۴- هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه. توبه / ۳۳.

آیا هنگام آن نرسیده است که حداقل ما مسلمانان به خود آییم، این گنجینه بی نظیر علوم و معارف را قدر بشناسیم، چراغ روشن آیاتش را روشنگر راه زندگی قرار دهیم، و مضامین زندگی سازش را به عنوان آیین نامه سعادت فرد و جامعه خویش بپذیریم؟ (۱)

آیا هنگام آن نرسیده است که به جای رفع عطش از مرداب های عفونت گرفته اندیشه غربیان و غرب پرستان، به چشمه زلال و همیشه جوشان معارف قرآن روی آوریم (۲) و در دریای پر فیض آیاتش اندیشه و جان خویش را از همه زنگار های جهالت و غفلت و رذیلت شستشو دهیم؟

چرا در قرآن نمی اندیشیم؟ (۳)

چرا در قرآن تدبّر نمی کنیم؟ (۴)

چرا قرآن را از محجوریت نجات نمی دهیم؟ (۵)

چرا قرآن نمی خوانیم؟ (۶)

ص: ۸

-
- ۱- انّ هذا القرآن یهدی للّتی هی اقوم. اسراء / ۹. هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمه لقوم یؤمنون. اعراف / ۲۰۳.
 - ۲- فیه ربیع القلب و ینابیع العلم و ما للقب جلاء غیره. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.
 - ۳- افلا تتفکرون. انعام / ۵۰. کذلک ینبئ الله لکم الآیات لعلکم تتفکرون. بقره / ۲۶۶.
 - ۴- افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها. محمد / ۲۴.
 - ۵- و قال الرسول یا ربّ انّ قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً. فرقان / ۳۰.
 - ۶- فاقروا ما تیسر من القرآن. مزمل / ۲۰.

خدا ما را به خواندن(۱) و اندیشیدن(۲) و عمل به قرآن(۳) فرمان داده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ما را از دوری قرآن بر حذر داشته(۴) و به گرفتن و تمسک جستن به آن(۵)، و همواره همراه آن بودن(۶)، توصیه فرموده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام ما را به فهم قرآن(۷) و اندرز خواهی(۸) و طلب شفا از آن نصیحت فرموده(۹)، و از این که مبادا دیگران در عمل به دستورات آن از ما پیشی گیرند، هشدار مان داده است(۱۰).

امام صادق علیه السلام آن را عهد الهی شمرده، و ما را به رعایت این عهدنامه، و قرائت پنجاه آیه از آن در هر روز، فرا خوانده است(۱۱).

هر کدام از ائمه بزرگوار اسلام علیهم السلام و هر یک از عالمان وارسته و عالی

ص: ۹

-
- ۱- فاقروا ما تیسر منه. مزمل / ۲۰.
 - ۲- افلا یتدبرون القرآن. نساء / ۸۲.
 - ۳- و نعم اجر العاملین. آل عمران / ۱۳۶. قرآناً عربیاً غیر ذی عوج لعلهم یتقون. زمر / ۲۸.
 - ۴- اقرؤا القرآن و لا تجفوا عنه. نهج الفصاحه، ص ۸۰، رقم ۴۲۵.
 - ۵- فخذوا بکتاب الله تعالی و استمسکوا به. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم. نهج الفصاحه، ص ۱۰۷، رقم ۵۳۷.
 - ۶- دوروا مع کتاب الله حیثما دار. نهج الفصاحه، ص ۳۳۰، رقم ۱۵۷۸.
 - ۷- تفقهوا فیہ فانه ربیع القلوب. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.
 - ۸- و استنصحوه علی انفسکم. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.
 - ۹- و استشفوا بنوره. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.
 - ۱۰- الله الله فی القرآن، لا یسبقنکم بالعمل به غیرکم. نهج البلاغه، نامه ۴۷.
 - ۱۱- القرآن عهد الله الی خلقه، فقد ینبغی للمسلم ان ینظر فی عهده و ان یقرأ منه فی کل یوم خمسین آیه. امام صادق علیه السلام، اصول کافی با ترجمه، ج ۴، ص ۴۱۲.

مقام، ما را به اهتمام همیشگی نسبت به قرآن تذکر داده اند.

علامه مجلسی رحمه الله یکی از سرشناس ترین شخصیت های تاریخ اسلام است که در کتاب شریف «مشکات الانوار» با بهره گیری از فیض کلام معصومین علیهم السلام، به گونه های مختلف کوشیده است تا با طرح ابواب مختلف پیرامون فضیلت قرآن، فضایل حاملان قرآن - قرآن های حقیقی که اهل بیت پیامبرند -، اصناف و صفات قاریان، آداب و صفات قرائت، کیفیت ختم، ارزش تعلیم و فواید برخی آیات و سور کریمه قرآنی، زمینه ای قوی برای رویکرد مسلمانان به این امانت عظیم الهی فراهم آورد.

او خود در مقدمه کتاب می فرماید:

«به دلالت آیات بینات و هدایت روایات واضحہ الدلالات، چنین معلوم گردیده که «نماز» و «تلاوت قرآن» و «دعا» از اعظم عبادات بدئیّه اند و چون شرایط و آداب و اسرار نماز در رساله «ترجمه الصلوه» بیان شده، چنین به خاطر فاطر رسید که رساله ای در بیان فضیلت قرآن مجید و فضایل سور کریمه آن - که از طریق اهل بیت علیهم السلام منقول گردیده باشد - و شرایط و آداب تلاوت و فضیلت دعا و شرایط و آداب و وظایف قلبیه و بعضی از اسرار آن، و ذکر فضیلت بعضی از اذکار ضروریّه و ادعیه و تعقیبات مختصره - که به اسانید معتبره منقول گردیده - نوشته شود».

چنانکه از همین بخش مقدمه مؤلف پیدا است، این کتاب سه قسمت

ص: ۱۰

دارد که با عنوان تنویر اول تا سوم به ترتیب درباره قرآن، دعا و برخی اذکار و تعقیبات است.

«تنویر» در لغت به معنای نورانی ساختن، نور بخشیدن، روشن کردن و آشکار گردانیدن است.

در تنویر اول، نُه مبحث متفاوت قرآنی با تمثیلی زیبا و متناسب، تحت عنوان کواکب اول تا نهم، آسمان اندیشه قرآنیان را روشن ساخته اند.

در تنویر دوم، سه مقاله پیرامون دعا، با عنوان نجم اول تا سوم، ستارگان فروزان شب های عارفان گشته اند.

در تنویر سوم، باب اول با شش فصل و باب دوم با هفت فصل، درهایی از معرفت به روی حق جویان گشوده، دل و جان خدا شناسان را به تفرّج باغ همیشه بهار مناجات و یاد یار حقیقی رهنمون شده اند.

به راستی اگر نوراتیت «نماز»، «قرآن»، و «دعا» را دریابیم و در روشنای ذکر و یاد خدا، که روح نماز و قرآن و دعا است، تنفّس کنیم زندگانی جاودانه خویش و حرکت و پویایی و کمال جامعه خود را تضمین کرده ایم.

بدون نماز، معراج انسان میسر نیست.

بدون قرآن، نجات از ضلالت مقدور نیست.

بدون دعا، گشوده شدن درهای رحمت پروردگار ممکن نیست.

«مشکات الانوار» چراغ دان نور الهی است. چراغ دانی که با بهره گیری از نور آیات قرآن و کلام اهل بیت علیهم السلام به دست حکیم فرزانه و محقق عارف، مولی محمد باقر مجلسی فراهم آمده است.

بی مناسبت نیست که طیّ سطورى چند درباره شخص گرامی و

شخصیت والای آن بزرگ مرد، نکاتی مختصر را یادآور شویم:

۱ - ولادت او در اصفهان و به تاریخ ۱۰۳۷ هجری قمری صورت گرفت. - یک سال قبل از مرگ شاه عباس کبیر -.

۲ - تاریخ ولادت او با عدد ابجدی عبارت «جامع کتاب بحارالانوار» مطابقت دارد، که خود علامه آن را از غرایب روزگار می داند.

۳ - پدر بزرگوار او «محمد تقی مجلسی» فرزند «مقصود علی» از بزرگ ترین علمای شیعه و از پرهیزگار ترین شخصیت های تاریخ تشیع است که ظاهراً در جبل عامل لبنان متولّد گشت و از شاگردان «شیخ بهایی» و محقق ثانی - شیخ علی کزکی - بود. تألیفات متعددی در فقه و رجال و حدیث داشت و اولین کسی بود که احادیث شیعه را بعد از ظهور دولت صفوی در همه جا گسترش داد - متوفی به سال ۱۰۷۰ ه ق -.

۴ - مادر گرامی او زنی دانش اندوخته و حدیث شناس، از نزدیکان عالم بزرگوار شیخ عبداللّه بن جابر جبل عاملی بود.

۵ - در اولین سال ولادت او پدر بزرگوارش به عتبات عالیات مشرف شد و با شروع زمستان قصد اقامه ای طولانی در نجف اشرف داشت که شبی مولا امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید که از مردن شاه عباس و جانشینی شاه صفی صفوی به او خبر دادند و فرمودند:

«در سرزمین شما فتنه هایی شدید رخ می دهد و خدا می خواهد که تو در اصفهان باشی و در راه هدایت مردم مجاهدت نمایی. پس به اصفهان برگرد!».

۶ - در یکی از شب ها که پدر بزرگوار علامه در دل شب به تهجد و نماز شب مشغول بود، حالتی معنوی و جذبه ای عرفانی در خود یافت که یقین به استجاب دعایش پیدا کرد. در همین حال صدای گریه «محمد باقر» را از

درون گهواره شنید و از خدا خواست که او را خادم شریعت و احیاگر ولایت قرار دهد. خدا دعایش را مستجاب فرمود!

۷- علامه محمّد باقر مجلسی از همان آغاز جوانی با کسب فیض از پدر بزرگوار و علمای ارزشمندی همچون: مولا محمّد صالح مازندرانی، امیر محمد مؤمن استرآبادی، ملا محسن فیض کاشانی، سید میرزا جزائری و شیخ عبداللّه بن جابر عاملی به درجه عالی اجتهاد دست یافت. و کرسی درس و بحث او در همه جا مشهور گشت.

۸- او سیزده عنوان کتاب و رساله به زبان عربی نوشت که تنها کتاب «مرآة العقول» - که شرح بر کتاب کافی است -، دوازده مجلد را تشکیل می دهد و «بحارالانوار» که مجموعه ای بی نظیر از احادیث شیعه است، بیست و شش مجلد چاپ سنگی است که در دهه های اخیر به تعداد یکصد و ده جلد به قطع وزیری چاپ شده است.

۹- او علاوه بر کتب عربی، حدود شصت کتاب و رساله به زبان فارسی نگاشته است که مشهورترین آن ها «عین الحیاه»، «حلیه المتقین»، «حیاه القلوب»، و «مشکات الانوار» است. و «حقّ الیقین» آخرین کتاب او است.

۱۰- او با استفاده از نفوذ خویش در دربار صفویان در ترویج فرهنگ تشیع، اداره امور شیعیان و راهبری های سیاسی آنان نیز موفقیت های بی نظیری یافت.

۱۱- او در یک برخورد سیاسی حساب شده، طرفداران «صوفیه» را در اصفهان محصور و تحرّکات انحراف آمیز آنان را تحت مراقبت قرار داد.

۱۲- او صدها شاگرد نخبه و ممتاز پرورش داد و ده ها تن از علمای برجسته و مؤلّفین صاحب نام را اجازه روایت عنایت کرد.

۱۳ - عاقبت در ۲۷ رمضان سال (۱۱۱۱ ه ق) به سن ۷۳ سالگی دیده از جهان فرو بست و پس از عمری سراسر تلاش و مجاهدت، به دیدار حق شتافت. در کتاب «روضات» سال وفات او را ۱۱۱۰ نوشته اند. در تاریخ وفاتش به حساب ابجدی سروده اند: «مقتدای جهان ز پا افتاد».

۱۴ - آرامگاه او در اصفهان، کنار مدفن پدر بزرگوارش، در مدخل جامع عتیق زیارتگاه عاشقان ولایت و شیفتگان علم و حکمت است.

«مشکات الانوار» که برخی آن را خلاصه کتاب دیگر علامه مجلسی به نام «عین الحیاه» می دانند، اگرچه تا کنون چاپ های متعددی داشته است، لکن چاپ کنونی امتیازاتی ویژه دارد که از آن جمله است:

۱ - برای آن که عبارت های کتاب روان گردد، سعی شده است تا آنجا که به مطلب و نثر کتاب خللی وارد نشود، ویرایش و علامت گذاری گردد.

۲ - در مواردی که کلمه ای اضافه شده: با علامت [مشخص گردیده است.

۳ - مصادر آیات و روایات تحقیق، در پاورقی ذکر شده است.

با امید به ظهور حجت حق، «حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف -» که «شریک القرآن» و «روح دعا» است، حاصل این تلاش ناچیز را به همه علاقه مندان و منتظران حضرتش تقدیم می داریم.

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

تابستان ۱۳۷۹

ص: ۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

«مشکات الانوار»

حمدی به سان نعمتهای بخشنده وجود، و تحیات بی انتها، و سپاسی چون رحمت های مفیضِ جمیع خیرات و کمالاتِ بیرون از حدِّ احصا، سزاوار معبود بی نیاز، و خالق بنده نوازی است که به لطف کامل و احسان شامل خویش، این تهیدستان خاکی نژاد و فرومایگان نیستی بنیاد را، از خاک مذلت برگرفته، به سجده آستان عبودیتش، تارک مطیعان را به عرش رفعت رسانید، و به غبار درگاه مفیض انوارش، جبین مخلصان را مطلع شوارق انوار «سیماهم فی جوههم» گردانید، و دریوزه گران سرای امکان را راه عرض نیاز و حاجت داده، بر بساط قرب نشانید و خوان الوان نعمتهای روحانی برای عارفان اسرار ربّانی در کتاب مستطاب خود، گسترانید.

و صلوات نامیات و تحیات زاکیات، بر مرقد مطهر و ضریح منور رفیع القدری باد که هیچ مرغ روحی از بیابان عدم به سوی آشیان بدن، بدون شفاعت او پرواز نداشته و هیچ مخلوقی از دروازه نیستی، بی پروانه رخصت او، پا به معموره هستی نگذاشته [است]. فرش خاک و سقف افلاک، خانه پستی است که برای منزلگاه ملازمانش ساخته اند، و از سطح زمین تا عرش برین، میدان تنگی است که برای جولانگاه بیکرانش پرداخته اند؛ اَعْنَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ فخر العالمين وَ شفيع المذنبين وَ رحمه الله على الأولين والآخرين محمد بن عبدالله خاتم النبیین.

و درود متواتر الورد بر آل اطهار و اهل بیت اخیار او، که به نور تولّای شان قنادیل (۱) دل های محبّان روشنی بخش زمین و آسمان گردیده و از شمشعه خورشید محبّت شان، صُبح صادق یقین و ایمان از جبین شیعیان دمیده، خصوصاً سید اوصیا، و امام اتقیا، و فریاد رس روز جزا، و محرم سرادق لو کشف الغطا، باب مدینه علم، و لنگر سفینه حلم، اعنی ولیّ الله المرتضی و سیف الله المنتضی، امیرالمؤمنین، و یعسوب المسلمین، اسدالله الغالب، و شهاب الله الثاقب، سید الوصیین علی بن ابی طالب، صلوات الله علیهم اجمعین و لعنه الله علی اعدائهم ابد الابدین.

امّا بعد چنین گوید فقیر خاکسار و ذرّه بی مقدار، محمد باقر بن محمد تقی - حشرهما الله مع الائمّه الابرار - که چون به دلالت آیات بینات و هدایت روایات واضحہ الدلالات، چنین معلوم گردیده که نماز و تلاوت قرآن و دعا از اعظم عبادات بدنیّه اند و چون شرایط و آداب و اسرار نماز در رساله «ترجمه الصلوه» بیان شده، چنین به خاطر فاتر رسید که رساله ای در بیان فضیلت قرآن مجید و فضایل سور کریمه آن - که از طریق اهل بیت علیهم السلام منقول گردیده باشد - و شرایط و آداب تلاوت و فضیلت دعا و شرایط و آداب و وظایف قلبیه و بعضی از اسرار آن و ذکر فضیلت بعضی از اذکار ضروریّه و ادعیّه و تعقیبات مختصره - که به اسانید معتبره منقول گردیده - نوشته شود.

و بحمدالله به مساعدت تأییدات ربّانی و تقویت توفیقات سبحانی به اتمام رسید، مأمول از الطاف فیاض بی منت و وهّاب بی ضنّت (۲) آن که

ص: ۱۶

۱- قنادیل جمع قندیل یعنی چراغها، فانوسها (به نقل از فرهنگ نوین).

۲- بدون بخل، بی دریغ (به نقل از فرهنگ نوین ماده ضنن).

کافه مؤمنان را از این رساله فرومایه منتفع گرداند و بهره ای از ثواب ایشان به این مجرم تبهکار برساند.

و چون بعد از غروب خورشید رسالت در افق عالم بقاء، و اختفاء اقمار امامت در سحائب ظلم اهل جفا، تا هنگام ظهور تباشیر صبح سعادت نشان دولت سلاطین صفویّه، انار الله برهانهم، به سبب استیلاء ائمه ضلال و سلاطین خسران مآل، اهل حق که فرقه ناجیه اثنا عشریّه اند، از اظهار مراسم دین و اعلاّی معالم شریعت سید المرسلین، و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین عاجز بودند و پیوسته در پرده خفا لباس تقیّه، مذهب حق را اظهار می نمودند و اکنون از برکات این دولت ابد قرین، بحمد الله سالهاست که کافه شیعیان در مهد امن و امانند و علمای ملت بیضاء، در نشر علوم اهل بیت رسالت و قلع مبانی بدعت و ضلالت مساعی جمیله به تقدیم میرسانند.

پس دعای خلود دولت این دودمان ابد توامان بر کافه شیعیان متحتم و شکر نعمت ایشان بر ذمه عامه مؤمنان واجب و لازم است. علی الخصوص پادشاه آگاه، والا- جاه، دین پناه، ملایک سپاه، گردون بارگاه، مهبط تجلیات ربّانی و مورد فیوض سبحانی، محیی مراسم ملت و رونق افزای شرع مبین، دلنواز درویشان مسکنت قرین، خجسته اخلاقی که پیوسته خلوت زاویه نشینان به مصباح دعایش روشن است و مجالس دانشوران از ریاحین ثنایش گلشن است. حدیقه دل گشایش دل اصحاب فضل و عرفان، و مسکن و مأوایش سینه حق شناسان و خدا پرستان، به یمن تربیتش بساتین شریعت غرّا خزّم و سیر آب، و به رشحات سحاب مکرمتش حدائق ملت بیضاء سرسبز و شاداب.

فرع شجره و غصن دوحه کریمه امامت و خلافت اعنی السلطان الاعظم الخاقان الافخم الاکرم، مروج مذهب آبائه الطاهرین حامی حوزة الاسلام والمسلمین، محرز ممالک الدنیا، مظهر کلمات العلیه سلطان السلاطین فی الافاق، ملاذ الخواقین بالاستحقاق السلطان بن السلطان بن السلطان، و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، سلیمان خان الموسوی الصفوی بهادر خان مدّ الله ضلال جلاله و افضاله و رأفته و معدلته علی مفارق أهل الایمان.

که به پادشاهت صورت و معنی از سلاطین جهان ممتاز است و به اطاعت فرمان: انّ الله یأمُر بالعدل والاحسان سرافراز است و پیوسته عنان عزم همایونش به جانب احیای مراسم دین و ملت و پیروی دقایق احکام شریعت مصروف و معطوف است، لهذا این تحفه محقر را هدیه مجلس سامی آن اعلی حضرت گردانید، و این رساله فرومایه را به عزّ عرض رسانید، اگر مرضی طبع منیر و مقبول ضمیر کیمیا تأثیر گردد از مراجع شاهانه و عواطف خسروانه خواهد بود، امید که از برکات توجّهات ظلّ اللّهی مشهور اصقاع، و مقبول اطباع گردیده، ثوابش به روزگار فرخنده آثار عاید گردد. انّه علی کل شیء قدير.

و این رساله مشتمل است بر سه «تنویر» و لهذا مسمی گردید به «مشکات الانوار».

تنوير اول: در بيان فضيلت قرآن و حامل آن

اشاره

تصوير

تنویر اول

در بیان فضیلت قرآن و حامل آن

و بعضی از فضایل آیات و سور است و این مشتمل است بر چند کوب:

- ❁ کوب اوّل: در فضیلت قرآن است
- ❁ کوب دوم: در بیان فضیلت حامل قرآن است
- ❁ کوب سوّم: در بیان صفات قُرّاء قرآن و اصناف ایشان است
- ❁ کوب چهارم: در بیان آداب خواندن قرآن است و آن مشتمل است بر شرایط بسیار
- ❁ کوب پنجم: در کیفیت ختم قرآن است
- ❁ کوب ششم: در ثواب تعلیم و تعلّم و حفظ قرآن است
- ❁ کوب هفتم: در ثواب قرائت قرآن است
- ❁ کوب هشتم: در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاه داشتن قرآن است
- ❁ کوب نهم: در بیان فضایل و فواید بعضی از آیات و سور کریمه قرآنی است

کوکب اول: «در بیان فضیلت قرآن»

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرگاه ملتبس و مشتبه شود بر شما فتنه ها مانند پاره های شب تار، پس بر شما باد به قرآن؛ به درستی که قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعتش را قبول می کنند، و با هر که مجادله نماید و حجت بر او تمام کند تصدیقش می نمایند، و هر که آن را پیشوای خود گرداند او را به بهشت می رساند، و هر که آن را به پشت سر اندازد و به آن عمل ننماید، او را به سوی جهنم می راند. و راهنمایی است که به بهترین راهها دلالت می کند، و کتابی است که در آن تفصیل و تبیان جمیع احکام است، آن را ظاهری است و باطنی، ظاهرش احکام الهی است و باطنش علوم نامتناهی است، ظاهرش خوشایند ه است و باطنش عمیق است.

آن را نجوم و کواکبی هست که برای احکام الهی دلیلند و بر آن نجوم، نجوم دیگر هستند که مردم را به آن احکام می رسانند - یعنی ائمه معصومین علیهم السلام که علم قرآن نزد ایشان است -.

عجایب قرآن را احصا نمی توان نمود و غرایب آن هرگز کهنه نمی شود و در آن چراغهای هدایت افروخته است و انوار حکمت از آن ظاهر است.

راهنما است به سوی آمرزش گناهان، کسی را که از آن بیابد اوصاف

آمزش را، پس باید که هر کس دیده خود را در قرآن به جولان درآورد و دیده دل خود را برای مطالعه انوار آن بگشاید تا از هلاکت نجات یابد و از ورطه های ضلالت خلاص شود، به درستی که تفکر نمودن موجب زندگانی دل‌های بینا است و در تاریکی های جهالت، نور تفکر راهنما است، پس نیکو خود را خلاص کنید و در فتنه ها خود را مگذارید» (۱).

در حدیث دیگر فرمود که: «قرآن هادی است در ضلالت، بیان کننده است در کوری جهالت، و دست گیرنده است در لغزش ها، و نور است در ظلمتها، و ظاهر کننده بدعتها است، و نگاه دارنده از مهالک است، و در گمراهی ها راهنما است، و بیان کننده فتنه ها است و رساننده است از دنیا به آخرت و کمال دین شما در قرآن است و هیچ کس از آن عدول ننمود مگر به سوی آتش» (۲).

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «خداوند عزیز جبار، کتاب خود را به سوی شما فرستاده است؛ راستگویی است که به وعده های خود وفا می نماید و مشتمل است بر احوال و اخبار شما و اخبار گذشته ها و اخبار آینده ها و اخبار آسمان و زمین. اگر آن کسی که علمش را می داند شما را خبر دهد به آنچه در قرآن است از اخبار غیب و علوم بی انتها، تعجب خواهید کرد» (۳).

و به اسانید متواتره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمود: «از میان شما می روم و دو چیز عظیم در میان شما می گذارم؛ یکی کتاب خدا

ص: ۲۲

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۹۹، باب اول، قسمت دوم، ح ۲.

۲- همان، ص ۶۰۰، باب اول، قسمت دوم، ح ۸.

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۹۹، باب اول، ح ۳.

که ریسمانی است آویخته از آسمان به زمین، و دیگری عترت و اهل بیت من، پس ببینید که با ایشان چگونه سلوک خواهید کرد و حرمت ایشان را چون خواهید داشت»^(۱).

ص: ۲۳

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸، ب ۷، ح ۱۲. به نقل از کتاب مخطوط شافعی و ج ۹۲، ص ۱۳، باب ۱، ح ۲. به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۳۱، باب ۳۱، ح ۴۰.

کوکب دوم: «در بیان فضیلت حامل قرآن است»

به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «دیوان ها که در قیامت حساب می کنند سه دیوان است؛ دیوان نعمتها و دیوان حسنات و دیوان گناهان.

پس چون دیوان نعمت ها و دیوان حَسَنَات را برابر کنند، نعمتها تمام حسنات را فراگیرد و دیوان گناهان باقی ماند، پس فرزند آدم را طلبند که گناهانش را حساب کنند و در این حال، قرآن به بهترین صورتهای بیاید و در پیش آن مرد روان شود و گوید:

خداوندا! منم قرآن و این بنده مؤمن تو است که خود را به تعب می انداخت به تلاوت من و در درازای شب، مرا به ترتیل می خواند و چون مرا در تهجد می خواند آب از دیده اش جاری می شد، خداوندا! او را راضی کن چنانکه مرا راضی کرده، پس خداوند عزیز جبار فرماید: ای بنده من! دست راست را بگشا، پس پر کند حق تعالی آن را از رضا و خشنودی خود و دست چپش را پر کند از رحمت خود، پس به او گوید که: اینک بهشت از برای تو مباح است؛ قرآن بخوان و بالا برو، پس هر یک آیه که بخواند یک درجه بالا رود» (۱).

ص: ۲۴

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۲، باب اول، ح ۱۲.

و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی به قرآن خطاب فرماید که: به عزت و جلال خودم سوگند که امروز گرامی دارم هر که تو را گرامی داشته و خوار کنم هر که تو را خوار کرده».(۱)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمود: «قرآن را یاد گیرید، به درستی که قرآن در قیامت می آید به نزد حامل خود به صورت جوان خوشرو و می گوید: منم آن قرآن که به سبب من شبها بیدار می بودی و در روزها به سبب روزه، خود را تشنه می داشتی و به سبب کثرت تلاوت من دهانت خشک می شد و آب دیده ات جاری می شد، امروز با توام هر جا که می روی؛ و هر که تجارتی کرده، امروز از پی تجارت خود می رود و من به عوض تجارت جمیع تاجرانم برای تو، بشارت باد تو را که به زودی کرامت الهی به تو می رسد. پس تاجی می آورند و بر سرش می گذارند و نامه امان از عذاب را به دست راستش می دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را به دست چپش می دهند و دو حله بر او می پوشانند و به او می گویند: قرآن بخوان و بالا رو و به عدد هر آیه به درجه ای بالا می رود و پدر و مادرش را دو حله می پوشانند اگر مؤمن باشند و می گویند به ایشان: این برای آن است که به فرزند خود تعلیم قرآن کردید».(۲)

و حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: «بر شما باد به قرآن، به درستی که حق تعالی بهشت را یک خشت از طلا و یک خشت از نقره خلق فرموده و به جای گل، مشک خوشبو و به عوض خاک، زعفران و به جای سنگریزه،

ص: ۲۵

۱- همان، ص ۶۰۲، باب اول، ذیل حدیث ۱۴.

۲- همان، ج ۲، ص ۶۰۳، باب دوم فضل حامل القرآن، ح ۳.

مروارید در آن مقرر گردانید و درجاتش را به عدد آیات قرآن گردانید؛ پس کسی که قرآن خوانده باشد به او می گویند: بخوان و بالا رو، و هیچ کس در بهشت درجه اش از او بالاتر نیست مگر پیغمبران و صدیقان» (۱).

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «اشراف و بزرگان امت من حاملان قرآنند و جمعی که در شب عبادت می کنند» (۲).

و در حدیث دیگر فرمود که: «حاملان قرآن، بزرگان اهل بهشتند» (۳).

و فرمود که: «خدا عذاب نمی فرماید دلی را که قرآن را حفظ نماید» (۴).

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «اهل قرآن در اعلائی درجات بهشتند بعد از پیغمبران، پس ضعیف و حقیر بشمارید اهل قرآن را و حق ایشان را سهل بدانید که ایشان را نزد حق تعالی منزلت رفیع است» (۵).

ص: ۲۶

۱- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۹۸، باب ۳۳ ح ۸. به نقل از تفسیر قمی.

۲- همان، ص ۱۷۷، باب ۱۹، ح ۲. به نقل از خصال، ص ۷، ح ۲۱.

۳- همان، ح ۳. به نقل از خصال ص ۲۸، ح ۱۰۰.

۴- همان، ص ۱۷۸، باب ۱۹، ح ۶. به نقل از امالی طوسی، ص ۷ مجلس ۱ ح ۷.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۰۳، باب دوّم، فضل حامل القرآن ح ۱.

کوکب سوم: «در بیان صفات قراء قرآن و اصناف ایشان است»

بدان که حامل قرآن را بر چند معنی اطلاق می کنند و چند قسم می باشند.

اول:

آن است که لفظ قرآن را درست یاد گیرد و این اول مراتب حاملان قرآن است و در این مرتبه، تفاضل به زیادتی علم قرآنی است و دانستن آداب و محسنات قرائت می باشد و زیادتی حفظ کردن و در خاطر داشتن سور و آیات قرآنی.

دوم:

دانستن معانی قرآن است، و در زمان سابق چنین مقرر بوده است که قاریان قرآن، تعلیم معانی آن نیز می نموده اند، و این مرتبه، از دانستن لفظ بالاتر است و تفاضل در این مرتبه، بر زیادتی و نقصان فهم معانی قرآن از ظهور و بطون می باشد.

سوم:

عمل نمودن به احکام قرآن و متخلق شدن به اخلاقی است که قرآن بر مدح آنها دلالت دارد و خالی شدن از صفاتی است که بر مذمت آنها دلالت دارد.

ص: ۲۷

پس حامل حقیقی قرآن کسی است که حامل الفاظ و معانی قرآن گردیده باشد و به صفات حسنه آن، خود را آراسته باشد.

و بدان که قرآن، خوان احسان معنوی خداوندِ رحمن است - چنانچه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «الْقُرْآنُ مَأْدِبُهُ اللَّهُ» (۱) یعنی قرآن، خوان نعمت خدا است - و خوان کریمان، جامع می باشد و در خور هر کس، نعمت در آن می باشد. سبزی و تره می دارد، و الوان حلوا و نفایس می دارد، لهذا هیچ کس نیست که از قرآن بهره نداشته باشد. جمعی کثیر از راه کتابت لفظش بهره های دنیوی و اخروی می برند، حتی آن کسی که مُرکبش را به عمل می آورد و آن کسی که کاغذش را می سازد و آن کاتبی که می نویسد و کار فرمایی که مزد می دهد و غیر ایشان از جماعتی که در کتابت قرآن دخیل می باشند، اگر از برای خدا کنند، بهره دنیا و آخرت می برند و اگر از برای دنیا کنند بهره دنیوی می برند، و جمعی از تعلیم و تعلّم لفظش، بهره های دنیوی و اخروی می برند.

و صاحبان هر علم از علوم نامتناهی را بهره از قرآن هست چنانچه صرفی، از وجوه تصاریف و اشتقاقاتش استنباط می نماید و نحوی، از انحاء تراکیش استشهاد می نماید و معانی بیانی (۲)، از نکات غریبه اش فایده مند می شود و اصحاب بلاها، از برکات آیات کریمه اش به تلاوت کردن و نوشتن نفع می یابند و ارباب مطالب دنیوی و اخروی به آیات و سورش پناه می برند و مطالب خود را می یابند.

ص: ۲۸

۱- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۶، ابواب قرائه القرآن، باب ۱، ح ۱۳. به نقل از مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۵، فن ۶، فی فضل القرآن.

۲- معانی بیانی یعنی عالم علم بیان که یکی از مهم ترین علوم ادبی است.

و یک راه اعجاز قرآن، تأثیرات غریبه آیات و سور آن است و ارباب تکسیر (۱) و اصحاب عدد (۲) و غیر ایشان، همه به قرآن پناه می‌برند و از معانی غریبه اش، جمیع صاحبان علوم مختلفه منتفع می‌شوند از متکلم و حکیم و فقیه و اصحاب ریاضی و صاحبان علوم اخلاق و طبیبان و اصحاب اکسیر و منشیان و شعرا و ادبا و غیر ایشان از جماعتی که از ظاهر قرآن بهره دارند.

و از هر بطنی از بطون قرآن، جمعی که قابل آن هستند از اصحاب عرفان و ارباب ایقان، فواید و حکم و معارف نامتناهی می‌یابند. پس حامل کامل قرآن مجید، جمعی اند که جمیع بهره‌های قرآن را بر وجه کمال داشته باشند و ایشان، حضرت رسول و اهل بیت کرام او - صلوات الله علیهم اجمعین - اند، زیرا که معلوم است به احادیث متواتره که، لفظ قرآن مخصوص ایشان است و قرآن تمام کامل، نزد ایشان است و علوم قرآنی که در میان است، همه به اتفاق به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منسوب است.

و ایضاً احادیث متواتره (۳) وارد است که معانی قرآن را کسی بغیر ایشان نمی‌داند، و علم ماکان و مایکون تا روز قیامت و جمیع شرایع و احکام در

ص: ۲۹

۱- تکسیر به اصطلاح تعویذ نویسان، تقسیم کردن اعداد اسم بر خانه‌های تعویذ به نهجی که از هر طرف شمار برابر افتد (قیاس اللغات).

۲- علم عدد نزد قدما از شعب ریاضی است و موضوع آن معرفت اعداد و خواص آنهاست (فرهنگ معین).

۳- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۸۸ به بعد، ب ۱۰. به نقل از تاویل الایات و تفسیر عیاشی و تفسیر قمی.

قرآن هست و علمش نزد ایشان مخزون است و قرآن را هفت بطن تا هفتاد بطن است و علم جمیع آن بطون نزد ایشان است و همچنین عمل نمودن به جمیع احکام و شرایع قرآن مخصوص ایشان است، چون از جمیع خطاها معصومند و به جمیع کمالات بشری متّصف اند.

و ایضاً اکثر قرآن در مدح ایشان و مذمت مخالفان ایشان است، چنانچه وارد شده است که: «ثلث قرآن در شأن ما است و ثلث آن در مذمت دشمنان ما و ثلث دیگر فرایض و احکام است»^(۱). و این معنی نیز ظاهر است که مدح هر صفت کمالی که در قرآن واقع است به مدح صاحب آن صفت برمی گردد و صاحب آن صفت بوجه کمال ایشانند و مذمت هر صفت نقصی که وارد شده است به مذمت صاحبان آن صفت بر می گردد که دشمنان ایشانند.

و چون قرآن شخصی نیست قائم به ذات، بلکه عرضی است که در محالّ مختلفه، ظهورات مختلفه می دارد، چنانچه پیوسته در علم واجب الوجود بوده و از آنجا در لوح ظاهر گردیده و از آنجا به روح حضرت جبرئیل منتقل گردید [ه و از جانب خدا بلاواسطه و به واسطه جبرئیل در نفس مقدس نبوی صلی الله علیه و آله وسلم ظاهر گردیده و از آنجا به قلوب اوصیا و مؤمنان درآمده و در صورت کتابتی ظهور نموده [است].

پس اصل قرآن را حرمتی است، و به سبب آن، در هر جا که ظهور کرده آن محل را حرمتی بخشیده و در هر جا که ظهورش زیاده است موجب حرمت آن چیز بیشتر گردیده؛ پس هرگاه آن نقشهای مرگب و لوح و

ص: ۳۰

کاغذی که بر آن نقش بسته و جلدی که مجاور آنها گردیده - با این که پست ترین ظهورات است - آن قدر حرمت به آنها بخشیده باشد که اگر کسی خلاف آدابی نسبت به آنها به عمل آورد، کافر می شود، پس قلب مؤمنی که حامل قرآن گردیده، حرمتش زیاده از نقش و کاغذ قرآن خواهد بود، چنانچه وارد شده است که: «مؤمن حرمتش از قرآن بیشتر است».

و از مضامین و اخلاق حسنه قرآن، هر چه در مؤمن بیشتر ظهور کرده موجب احترام او زیاده گردیده و هر چه خلاف آن اوصاف از نقایص و معاصی و اخلاق ذمیمه ظهور کرده، موجب نقصان ظهور قرآن و نقص حرمت گردیده، پس این مراتب ظهورات قرآن و اوصاف آن زیاده می گردد تا چون به مرتبه جناب با رفعت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت کرام اوعلیهم السلام می رسد مرتبه ظهورش به نهایت می رسد. چنانچه در وصف حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وارد شده است که «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ» (۱) یعنی خُلق آن حضرت قرآن بود، بلکه اگر به حقیقت نظر کنی قرآن حقیقی، ایشانند که محلّ لفظ قرآن و معنی قرآن و اخلاق قرآنند. چنانچه دانستی که قرآن، چیزی را می گویند که نقش قرآن در آن باشد و نقش کامل قرآن - به حسب معنی و لفظ - در قلوب مطهر ایشان حاصل است.

چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار می فرمودند که «منم کلام الله ناطق» (۲) و این است معنی آن حدیث که حضرت باقرعلیه السلام فرمود در حدیث طولانی که: «قرآن به صورت نیکویی به صحرای محشر خواهد آمد و

ص: ۳۱

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰، باب ۹، به نقل از مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۰۰، در تفسیر آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ»، (سوره قلم، آیه ۵).

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۰، باب ۵، ح ۱۲.

شفاعت حاملان خود خواهد کرد. راوی پرسید که آیا قرآن سخن می تواند گفت؟ حضرت تبسم نمود و فرمود: خدا رحم کند ضعیفان شیعیان ما را، که آنچه از ما می شنوند تسلیم می کنند و اذعان می نمایند. بعد از آن فرمود که نماز، شخص است و صورتی دارد و خلقی دارد و امر و نهی می کند. راوی گوید که صورت من متغیر شد و گفتم این سخن را در میان مردم نقل نمی توانم کرد.

حضرت فرمود: «هر که ما را به نماز نشناسد حق ما را نشناخته و انکار حق ما کرده، بعد از آن فرمود: می خواهی سخن قرآن را به تو بگویم. گفتم: بلی، فرمود: در قرآن است که نماز نهی می کند از فحشا و منکر، و ذکر خدا بزرگتر است. حضرت فرمود: چون نماز نهی می کند پس سخن می گوید و فحشا و منکر، مردی چندند و ما میم ذکر خدا و ما بزرگتریم» (۱). چون این مطلب در حلّ اخبار اهل بیت علیهم السلام بسیار دخیل است زیاده از این توضیح نمایم اَصَوَّب است.

بدان که هر چیزی را صورتی و معنی و جسدی و روحی هست خواه اخلاق و خواه عبادات و خواه غیر اینها، و جمعی که حشویّه اند به ظاهرها دست زده اند و پا از آن به در نمی گذارند و خود را از بسیاری از حقایق محروم گردانیده اند، و جمعی به بواطن و معانی چسبیده اند و از ظواهر دست برداشته اند و به سبب این، ملحد شده اند، و صاحب دین آن است که هر دو را به سمع یقین بشنود و هر دو را اذعان نماید. مثل آن که بهشت را صورتی است که عبارت از در و دیوار و درخت و آنهار و حور و قصور است، و

ص: ۳۲

معنی بهشت، کمالات و معارف و قرب و لذات معنوی است که در بهشت صوری می باشد.

حشوی می گوید: در بهشت به غیر لذت خوردن و آشامیدن و جماع کردن معنی ندارد. ملحد می گوید: بهشت در دیوار و درختی ندارد، همان لذت‌های معنوی را به این عبارات تعبیر کرده اند و به این سبب، منکر ضروری دین گردیده و کافر شده است.

امّا صاحب یقین می داند که هر دو حق است و در ضمن لذت‌های صوری، لذت‌های معنوی حاصل می شود، چنانچه در اول کتاب، اشاره به این معنی کردیم.

و همچنین در باب صراط واقع شده است که «صراط، دین حق است» و واقع شده است که «اهل بیت، صراط مستقیم اند» و وارد شده است که «صراط، محبت علی بن ابی طالب علیه السلام است». (۱) و واقع شده است که «صراط، جبری است» (۲) بر روی جهنم». (۳) همه حق است، زیرا صراط آخرت، نمونه صراط دنیا است و در دنیا فرموده اند که: «بر صراط دین حق و ولایت اهل بیت مستقیم می باید بود و از چپ و راست شعبه های بسیار از مذاهب مختلفه و گناهان کبیره هست که هر که متوجه آنها می شود از این صراط بدر می رود و این صراط، راهی است در نهایت باریکی و دقت و نازکی، و کمینگاه ها دارد که شیاطین بر آن رخنه ها در کمین نشسته اند، و

ص: ۳۳

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، سوره حمد، ص ۲۰ به بعد به نقل از تفسیر عیاشی و مجمع البیان، و تفسیر قمی.

۲- جسر: پُل.

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۰ به بعد.

عقبه‌ها از عبادات شاقه و ترک معاصی دارد که بسیار کسان از آن عقبه‌ها راه را گم کرده‌اند و نمونه این صراط، بعینه صراط آخرت است که در نهایت باریکی و دقت و دشواری است و بر روی جهنم می‌گذارند».

پس کسی که پیوسته در این صراط مستقیم بوده، در آن صراط، راست به بهشت می‌رود و هر که به سبب اعتقاد فاسدی یا کبیره هلاک‌کننده‌ای از این صراط به در رفته، به همان عقبه و کمینگاه که می‌رسد پایش از آن صراط می‌لغزد و به جهنم می‌افتد.

و همچنین مارها و عقرب‌های دوزخ، صورت اخلاق ذمیمه است و درختها و حور و قصور، صورت و ثمره افعال حسنه است و همچنین نماز را در دنیا، روحی و بدنی هست؛ بدن نماز آن افعال مخصوصه است و روح نماز، ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد اوست و کار روح، آن است که جسد را باقی می‌دارد و منشأ حرکات و آثار بدن می‌گردد.

پس نماز بی ولایت، چون موجب کمالی نمی‌گردد و باعث قرب نمی‌شود و از عذاب نجات نمی‌بخشد، مانند بدن مرده است. پس ولایت، روح آن است، و چون نماز کامل از ایشان [اهل بیت علیهم السلام] صادر می‌شود و اگر از دیگری صادر شود به برکت ایشان می‌شود، پس بقای نماز به ایشان است. به این سبب، خود روح نمازند و چون وصف نماز در ایشان کامل گردیده و خُلق ایشان شده، گویا با نماز متحدند. پس همچنان که لفظ انسان را بر بدن آدمی و بر روح و بر روح با بدن، هر سه اطلاق می‌نمایند همچنین نماز را بر آن افعال و بر این ذوات مقدسه و بر آن ذوات با اتّصاف به این صفت، اطلاق می‌نمایند.

پس نماز [ی] که در قرآن واقع می‌شود ظاهرش که این افعال است مراد

است و باطنش که ولایت است مراد است و منافات با یکدیگر ندارد و جمعی از ملاحده اسماعیلیه به سبب این که این احادیث را نفهمیده اند، انکار عبادات کرده و کافر شده اند و می گویند: نماز، کنایه از شخصی است و روزه، کنایه از شخصی است و این اعمال در کار نیست. و جمعی از حشویه به جانب تفریط افتاده، انکار این احادیث کرده و رد کرده اند.

و همچنین ایمان، چون به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کامل گردیده و آن حضرت بر وجه کمال به آن متّصف است و بقای ایمان به برکت آن حضرت است و ولایتش رکن اعظم ایمان است و ایمان در جمیع اعضا و جوارحش سرایت کرده و پیوسته از آثار و افعالش انوار ایمان مشاهده می شود، اگر ایمان بر آن حضرت اطلاق کنند در بطن قرآن بعید نیست، و همچنین مخالفان اینان در باب کفر و معاصی چنینند. پس روح و معنی و محلّ حقیقی صلات و ایمان و زکات و غیر اینها از عبادات علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان اویند، و روح و معنی و محلّ حقیقی فحشا و منکر و فسوق و عصیان ابوبکر و عمر و عثمان و سایر دشمنان ایشانند که به سبب ایشان کفر و معاصی باقیمانده و در ایشان کامل بوده. و همچنین کعبه را حرمت داده اند برای این که محلّ فیوض الهی و معبد دوستان خداست.

و دلهای ائمه معصومین علیهم السلام و دوستان ایشان که محلّ معرفت و محبت یاد خداست، از کعبه اشرف است، و کعبه حقیقی، ایشانند، اما نباید کسی انکار حرمت آن کعبه ظاهر کند، یا انکار حج کند تا کافر شود بلکه می باید اول به کعبه ظاهر رود و بعد از آن به کعبه باطن رود و از انوار هر دو بهره مند شود.

چنانچه به اسناد معتبر از حضرت امام جعفر صادق و امام محمد باقر

صلوات الله علیهما منقول است که فرمودند: «این سنگها را برای این بنا کرده اند که مردم بیایند به طواف، و به وسیله این طواف، به خدمت ما برسند و معالم دین خود را از ما یاد گیرند، و ولایت خود را بر ما عرض نمایند».^(۱)

و زیاده از این معنی را در این مقام نمی توان بسط داد. اما اگر ادراک این معنی درست نمودی بسیاری از مشکلات اخبار بر تو ظاهر می گردد و معنی نهی کردن نماز را می فهمی که هم نماز، خودش در کسی که کامل شد موجب قرب می شود و از معاصی و متابعت ارباب معاصی نهی می فرماید و منع می کند، و هم ائمه معصومین علیهم السلام که روح نمازند نهی می کنند بلکه همان معنی نمازی که در ایشان کامل گردیده و موجب اعلائی مراتب قرب ایشان گردیده، به زبان ایشان متکلم است و تو را منع می نماید.

زیاده از این سخن در این مقامات نازک گفتن، موهیم معانی کفر آمیز می شود. رجوع می کنیم به نقل اخباری که در وصف حاملان قرآن وارد شده است.

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «قاریان قرآن بر سه قسم اند:

یکی شخصی است که قرآن خوانده و آن را سرمایه دنیای خود و وسیله جلب فواید و اموال از پادشاهان گردانیده است، و به قرآن بر مردم استتاله و زیادتی و فخر می کند.

ص: ۳۶

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۲، باب ۲، ح ۱ به نقل از فقیه، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۳۰۱، ح ۲.

و شخصی دیگر آن است که قرآن را خوانده است، و حروف آنرا حفظ و ضبط نموده، و حدود و احکامش را ضایع ساخته است، و همین در راست کردن لفظش سعی می نماید، خدا این جماعت را در میان حاملان قرآن بسیار نکند.

و شخص دیگر آن است که قرآن خوانده، و دوی قرآن را بر دردهای دل خود گذاشته، و شب هایش را به قرآن بیدار داشته، و به سبب قرآن روزها تشنه مانده به روزه داشتن، و به قرآن بر پا ایستاده است در مساجد و جاهای نماز، و در شبها پهلوی از رختخواب تهی کرده است به سبب قرآن. پس به برکت این جماعت خداوند عزیز جبار رفع می نماید بلاها را، و به این جماعت غلبه می دهد مسلمانان را بر دشمنان، و به این جماعت حق تعالی باران از آسمان می فرستد؛ و الله! که این جماعت در میان قاریان کمترینند از گوگرد احمر» (۱).

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «سزاوارترین مردم به تَخَشُّع و تَضَرُّع در آشکار و نهان، حامل قرآن است، و سزاوارترین مردم در پنهان و آشکار به نماز و روزه حامل قرآن است. بعد از آن به آواز بلند ندا فرمودند: ای حامل قرآن به سبب قرآن تواضع و فروتنی کن تا خدا تو را بلند مرتبه گرداند، و به قرآن طلب عزت از مردم مکن که خدا تو را ذلیل می گرداند، و مُتَزَّيِّن شو به قرآن از برای خدا، تا خدا تو را زینت بخشد، و آن را برای مردم زینت مکن که خدا تو را معیوب و بد نما گرداند.

به درستی که هر که قرآن را ختم نماید چنان است که گویا پیغمبری را

ص: ۳۷

در میان دو پهلوی او جا داده اند، بدون آن که وحی به او بیاید؛ و کسی که تمام قرآن را خوانده باشد از برای او سزاوار آن است که با جاهلان جهالت نکند، و در میان جمعی که به غضب می آیند به غضب نیاید، و زود از جا به در نرود. بلکه باید عفو کند، و بیوشاند، و در گذرد، و حلم کند، از برای تعظیم قرآن. و کسی را [که] به او قرآن عطا کرده باشند، گمان کند که خدا به کسی از خلق چیزی بهتر از آنچه به او کرامت فرموده داده است از اموال و اسباب دنیا، پس به تحقیق که عظیم شمرده است چیزهایی را که خدا حقیر شمرده و حقیر دانسته چیزی را که خدا عظیم گردانیده است»^(۱).

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که قرآن را بخواند و با خواندن قرآن حرامی بیاشامد یا محبت دنیا و زینت های آن را بر قرآن اختیار کند مستوجب غضب الهی گردد، مگر آن که توبه کند و اگر بی توبه بمیرد، در قیامت قرآن بر او حجت خود را تمام کند که او را عذری نماند»^(۲).

ص: ۳۸

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۴، باب ۲، فضل حامل القرآن ح ۵.

۲- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۰، ب ۱۹ ح ۱۳. به نقل از امالی صدوق، ص ۳۴۸، مجلس ۶۶، ضمن ح ۱.

کوکب چهارم: «در بیان آداب خواندن قرآن است»

و آن مشتمل است بر شرایط بسیار

اول

ترتیل در قرآن است

چنانچه حق تعالی می فرماید: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» (۱) ترتیل کن در قرائت قرآن، ترتیل کردنی. و ترتیل، قدری از آن واجب است و قدری مستحب، ترتیل واجب به حسب مشهور آن است که حروف را از مخارج ادا نماید، و حفظ احکام وقف و وصل بکند که اگر دو کلمه را متصل به یکدیگر خواند و فاصله در میان به قطع نفس یا سکت طویل نکند، کلمه اول را ساکن نخواند، بلکه آخرش را به اول کلمه لاحق وصل کند؛ و اگر وقف کند بر کلمه، وقف به حرکت نکند.

چنانچه منقول است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال نمودند از معنی ترتیل؟ فرمود: «ترتیل حفظ وقف ها و ادا نمودن حرفها است از مخارج». (۲)

ص: ۳۹

۱- سوره مزمل، آیه ۴.

۲- بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۸ در ضمن بیان مجلسی.

و ترتیل مستحب، شمرده خواندن و به تأنی خواندن قرآن است به حیثیتی که حروف در یکدیگر داخل نشوند که خوب ممتاز نشود و بسیار هم پاشان نخواند، که حروف از هم پیاشد، و اتصال کلام از هم برطرف شود با رعایت صفات حروف و مدّها و اقسام وقف ها که از کتب قرائت، تفصیل آنها معلوم می شود، و این معانی را نیز داخل در آنچه حضرت فرموده اند می توان کرد.

و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که از تفسیر ترتیل پرسیدند؟ فرمود: «حروف را خوب ظاهر گردان و تند مخوان به نحوی که عربان شعر را می خوانند، و از هم مپاش حرفها را مانند ریگی که پیاشد، ولیکن به فزع و خوف آورید یا بکوبید به خواندن قرآن دلهای سخت را، و چنان نباشد که همت بر آخر سوره گمارید و تند بخوانید که زود تمام شود» (۱).

دوم

به تدبّر و تفکّر خواندن و متوجه معانی آن گردیدن

و به رقت و خشوع خواندن است

و باید که از مواعظ قرآن متذکر شود و از احوال گذشتگان عبرت گیرد. چون به آیه رحمتی رسد از خدا بطلبد، و چون به آیه عذابی رسد استعاذه نماید.

چنانچه به اسناد بسیار از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه هدی

ص: ۴۰

صلوات الله عليهم اجمعين منقول است که: «خیری نباشد در قرائتی که در آن تدبیر نباشد».(۱)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که «قرآن به حزن نازل شده است، آن را به حزن بخوانید».(۲)

و از حفص منقول است که «حضرت امام موسی علیه السلام از شخصی پرسیدند: بقای دو دنیا را می خواهی؟ گفت: بلی. فرمود: چرا؟ گفت: از برای خواندن قل هو الله احد. حضرت بعد از زمانی فرمودند: «ای حفص! هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن نداند، حق تعالی او را در قبر تعلیم قرآن می فرماید، تا درجات او را بلند گردانند. زیرا درجات بهشت به قدر آیات قرآن است. به قاری می گویند: بخوان و بالا-رو. پس هر آیه که بخواند، یک درجه بالا رود. حفص گفت: کسی را ندیدم که خوفش یا امیدش زیاده از آن حضرت باشد؛ و چون قرآن می خواند به حزن و اندوه می خواند، و به نحوی می خواند که گویا به مشافهه با کسی خطاب می کند».(۳)

و از رجاء بن ضحاک منقول است که، «حضرت امام رضا علیه السلام در راه خراسان چون به میان رختخواب می رفتند تلاوت بسیار می فرمودند، و چون به آیه ای می رسیدند که در آن ذکر بهشت یا دوزخ بود، می گریستند و از خدا سؤال بهشت و استعاده از جهنم می نمودند؛ و چون در نماز سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ می خواندند بعد از احد آهسته می گفتند: «اللَّهُ أَحَدٌ». و چون سوره

ص: ۴۱

-
- ۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۰ و ۲۱۱، باب ۲۶، ح ۴. به نقل از معانی الاخبار، ص ۲۲۶، باب معنی الفقیه، ح ۱.
 - ۲- کافی، ج ۲، ص ۶۱۴. باب ترتیل القرآن، ح ۲.
 - ۳- همان، ص ۶۰۶، باب ۱ فضل القرآن، ح ۱۰.

را تمام می کردند سه مرتبه می گفتند: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».

و چون سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» می خواندند بعد از لفظ کافرون آهسته می گفتند «یا ایها الکافرون»، و چون از سوره فارغ می شدند سه مرتبه می فرمودند: «رَبِّيَ اللَّهُ وَ دِينِيَ الْإِسْلَامُ» و چون از سوره «وَالَّذِينَ وَالَّذِينَ» فارغ می شدند می خواندند: «بَلِي وَأَنَا عَلَى ذَلِكِ مِنَ الشَّاهِدِينَ» و چون سوره «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ» می خواندند بعد از فراغ می فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلِي».

و چون از سوره فاتحه فارغ می شدند می فرمودند: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ چون سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى می خواندند، بعد از اَعْلَى آهسته می فرمودند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»، و در هر جای قرآن که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» می خواندند، آهسته می فرمودند: «لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هرگاه یکی از مُسَبِّحات را خواندید بگویید «سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى وَ مُسَبِّحات، چند سوره اند که در اولشان یُسَبِّحُ یا سَبَّحَ یا سَبَّحَ است».

و چون بخوانید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»، صلوات بفرستید خواه در نماز باشد و خواه در غیر نماز و چون بخوانید: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ» بگویید: «آمَنَّا بِاللَّهِ» و تتمه آیه را بخوانید تا مسلمین»^(۲).

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «حضرت امام رضا علیه السلام در هر سه

ص: ۴۲

۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۸، باب ۲۷، ح ۲؛ به نقل از عیون اخبار، ج ۲، ص ۱۸۳، باب ۴۴، ح ۵.

۲- همان، ص ۲۱۷، باب ۲۷، ح ۱. به نقل از خصال، ج ۲، ص ۶۲۹ در ضمن حدیث اربعماه امیرالمؤمنین علیه السلام، ح ۱۰.

روز یک ختم قرآن می فرمودند و می گفتند: اگر خواهم در کمتر از سه روز ختم می توانم کرد ولیکن به هیچ آیه نمی گذرم هرگز، مگر آن که در معنی آیه تفکر می نمایم، و در سبب نزولش تأمل می کنم، و به یاد می آورم که در چه وقت نازل گردیده. بنابر این در هر سه روز یک ختم می کنم. (۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که «چون سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» می خوانند، بعد از «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» می گفتند: «أَعْبُدُ رَبِّي» و بعد از اتمام سوره می فرمودند: «دینی الاسلامُ عَلَيْهِ أَحْيَا وَعَلَيْهِ أَمُوتُ إِنْشَاءَ اللَّهِ». (۲)

و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سزاوار است کسی که قرآن می خواند چون بگذرد به آیه ای که در آن سؤال یا بیمی باشد باید سؤال کند از خدا بهترین آنچه امید دارد و سؤال کند عافیت از آتش جهنم و عذاب را». (۳)

و در موثق دیگر از آن حضرت منقول است که: «چون کسی سوره والشمس بخواند، چون تمام کند بگوید: «صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ»، و چون بخواند: «اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ»، بگوید: «اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ أَكْبَرُ»، و چون بخواند «ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ»، بگوید: «كذب العادلون بالله» و چون بخواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا تَا وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا» سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ». راوی سؤال کرد که اگر چیزی از اینها نگوید چون

ص: ۴۳

-
- ۱- همان، ص ۲۰۴، باب ۲۴، ح ۱، به نقل از خصال، ج ۲، ص ۱۸۰، باب ۴۴، ح ۴.
 - ۲- همان، ص ۳۳۹، باب ۱۲۱، ح ۱، به نقل از قرب الاسناد، ص ۴۵، ح ۱۴۴.
 - ۳- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۷، ح ۸، در تفسیر سوره مزمل. به نقل از کافی، ج ۲، ص ۶۱۷، باب فی کم یقرء القرآن، ح ۲.

است؟ فرمود: که برای او چیزی نیست»^(۱).

و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که: «آیات قرآنی خزینه های حکمت ربّانی است؛ پس در هر خزانه را که می‌گشایی باید که در آن نظر نمایی»^(۲). به تفکر، جواهر معانی و حکمتها را بیرون آوری.

و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که فرمود: «اگر هر که در ما بین مشرق و مغرب است بمیرد بعد از آن که قرآن با من باشد وحشت به هم نمی‌رسانم؛ و چون آن حضرت «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» را می‌خواندند، تکرار می‌فرمودند به حدّی که نزدیک بود هلاک شوند»^(۳).

و الحق چگونه وحشت به هم برساند کسی که انیس او خداوند عالمیان باشد، و چون خواهد سخن بگوید با خداوند خود سخن گوید و مناجات کند و راز بگوید، و اگر خواهد کسی با او سخن بگوید قرآن بخواند. گاهی که خدا به او خطاب فرماید و خود را مخاطب به آن خطاب‌ها دانسته «لَبَّيْكَ» در جواب گوید.

و گاهی پیغمبران با او سخن گویند و خطاب‌های ایشان را چنان داند که از ایشان می‌شنود، بلکه آن جماعت که پیغمبران با ایشان سخن می‌گفته‌اند کور و کوری چند بوده‌اند، و کسی که آگاه است مخاطب به خطاب‌های ایشان بیشتر است، زیرا خطاب‌های ایشان برای جمیع عالمیان است.

و گاهی حق تعالی برای او قصّه می‌خواند، و احوال گذشتگان را برای او

ص: ۴۴

۱- همان، ص ۵۸۵، ح ۱، در تفسیر سوره شمس. به نقل از تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۹۷، باب ۱۵، ح ۵۱.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، باب فی قرائته، ح ۲.

۳- همان، ص ۶۰۲، باب ۱ فضل القرآن، ح ۱۳.

نقل می کند، و از شادی این کرامت، نزدیک است که قالب تهی کند، و گاهی خوان نعمتهای بهشت از برایش می کشد، و آن که عارف است چون از نعمتهای بهشت برای این لذت می برد که از دوست به او می رسد، و از وعده اش نیز همان لذت [می برد] بلکه بیشتر؛ و محبان، نشئه شراب طهور بهشت را در این نشئه بیشتر می یابند و گاهی اوصاف خود را برای او بیان می فرماید و او را در گلستان های صفات کمالیه خود، به سیر[وا] می دارد.

گاهی در گلستان رحمانیت تکلیف سیر می کند که چه خوان ها مملوّ از الوان نعمت برای کافر و مسلمان کشیده و چه نعمتهای خفی و جلی بر عاصیان گناهکاران دارد، و گاهی به سیر گلستان رحیمیت می فرستد که چه لطف های خاص و شفقت های بی اندازه نسبت به دوستان خود فرموده.

و گاهی به سیر بوستان رزاقیت می برد او را، که هیچ برگ و گیاهی نیست که بهره خاصی از خوان رزاقیت او نداشته باشد، حتی آن برگ ضعیفی که در منتهای درخت است قدری از روزی برای آن مقدر است از ریشه ای که ده گز در زمین فرورفته، و دهن گشاده، از آب و خاک به دهان خود می کشد چه قدر به آن برسد و زیاده و کم نرسد.

و گاهی به سیر گلستان قدرتهای نامتناهی می برد، و گاهی درهای گنجهای علوم و معارف نامتناهی بر رویش می گشاید، از انواع جواهر حقایق آنچه دیده اش تاب آورد، بر او عرض می نماید و همچنین در صفات جلال و جمال و رفعت و کمال.

و گاهی احوال دوستان خود و کمالات ایشان را برای او نقل می کند، و از بنده نوازی های خود امیدوار می گرداند که دوستان چندین هزار سال گذشته را احوال ایشان را به چه مهربانی نقل می فرماید، و نعمتها که خود به ایشان

عطا فرموده، ایشان را به آنها می ستاید و بیان شکیبایی ایشان و مشقت ها که در راه او کشیده اند، می فرماید.

و بعد از آن بیان تدارک فرمودن خود می نماید، و از بیان فرمودن وسعت حلم و مزید کرمهای خود نسبت به گذشته ها، دستگاه امید را وسیع می گرداند.

زهی پروردگار کریم که با غایت لطف و مدارا، مانند پدر مشفق و ادیب مهربان، برای تکمیل بندگان، گاهی به وعده حور و قصور و طعام و شراب تطمیع می نماید؛ و گاهی به وعید انواع زجر و عذاب، تهدید می فرماید.

پس کسی که از روی تبتّه و آگاهی و تفکر، قرآن خواند و درهای گلستان های فیض نامتناهی یزدانی بر روی عقل او مفتوح گردیده باشد، و دیده دلش را نور ادراک معارف داده باشند؛ در هر صفحه ای از صفحات قرآن که نظر می فرماید، گلستانی از شقایق حقایق برایش مرتب ساخته اند؛ و چراغانی از الوان انوار معارف و هدایت برایش مهیا کرده اند، و محفلی مملو از دوستان و برگزیدگان خدا برای انس و الفت او نشانیده اند، و انواع نعمتهای روحانی و اصناف لذتهای عقلانی برایش حاضر ساخته اند، و قدح های مرد از ما از شراب طهور لطف و محبت برایش پر کرده اند [و] میزبانان خداوند مهربان است، و مصاحبانش پیغمبران و اوصیا و صدیقان؛ در چنین بزمی، اگر کسی از شادی نمیرد، وحشت چرا گیرد؟!

سوم: با طهارت بودن است در هنگام تلاوت

چنانچه از محمد بن الفضیل منقول است که به خدمت حضرت امام

رضاعلیه السلام عرض نمود که: «من قرآن می خوانم و مرا بول می گیرد، بر میخیزم و بول و استنجا می کنم، بر می گردم و شروع به تلاوت می کنم. حضرت فرمود: مکن تا وضو نسازی. (۱) و این شرط بر سبیل استحباب است.

بلکه ظاهر احادیث معتبر آن است که جنب و حیاض را نیز تلاوت غیر سوره های سجده مستحب است، و بعضی زیاده از هفت آیه را مکروه دانسته اند، و زیاده از هفتاد آیه گفته اند که کراهتش بیشتر است؛ ولیکن احادیث صحیح دلالت دارد بر این که هر چقدر از قرآن که خواهد می تواند خواند، به غیر از سوره های سجده؛ و تلاوت سوره های سجده واجب، برایشان حرام است.

چهارم: استعاذه است

و خلافی نیست در این که در هر وقت که شروع به قرائت کند استعاذه مستحب است، و در کیفیت آن میان قراء خلافی هست، و مشهور میان علمای شیعه یکی از دو صورت است:

اول: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و این میان سنی و شیعه مشهورتر است.

دوم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». و در بعضی از روایات شیعه بعد از این، «وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ» وارد شده است.

ص: ۴۷

۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۰، باب ۲۶، ح ۲. به نقل از قرب الاسناد ص ۳۹۵، ح ۱۳۸۶، احادیث متفرقه.

و در بعضی از روایات «أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، تنها وارد شده و در بعضی با «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» وارد شده است.

و در بعضی به جای «أَسْتَعِيذُ»، «أَعُوذُ» وارد شده است و در بعضی «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ» وارد شده است؛ و آن دو وجه اوّل اشهر و اولی است. (۱)

پنجم: رو به قبله بودن است

چنانچه منقول است که بهترین مجالس آن است که آدمی رو به قبله باشد و بعضی دیگر از آداب در کتب تفسیر و قرائت مذکور است و ذکر آنها در این مقام موجب تطویل می گردد.

ص: ۴۸

به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمود که: من در یک شب قرآن را ختم می کنم حضرت فرمود: مرا خوش نمی آید که در کمتر از یک ماه ختم کنی.» (۱)

و به سند معتبر منقول است که، «ابوبصیر به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که: من قرآن را در یک شب ختم کنم؟ فرمود: نه، گفت در دو شب؟ فرمود: نه، تا به شش شب رسانید، حضرت اشاره فرمودند: بلی.

بعد از آن فرمودند: جمعی که پیش از شما بودند قرآن را در یک ماه و کمتر ختم می کردند. به درستی که قرآن را تند نمی باید خوانند به نحوی که حروفش گم شوند در یکدیگر، ولیکن به ترتیل می باید خوانند؛ و چون به آیه ای گذری که در آن یاد بهشت باشد توقف کن، و از خدا بهشت را سؤال کن؛ و چون به آیه ای گذری که در آن ذکر آتش باشد توقف کن و استعاذ ه کن به خدا از آتش جهنم؛ پس ابوبصیر پرسید که در ماه رمضان در یک شب ختم بکنم؟ فرمود: نه پرسید که در دو شب ختم بکنم؟ فرمود: نه، پرسید که در سه شب ختم بکنم؟ اشاره فرمود: بلی. ماه رمضان را حق و

ص: ۴۹

حرمت دیگر هست که ماههای دیگر به آن شباهت ندارند و در آن نماز بسیار بکن» (۱).

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «از آن حضرت سؤال نمودند که در چند روز قرآن را ختم کنم؟ فرمود که: پنج قسمت کنید یا هفت قسمت، و نزد من قرآنی هست که دوازده قسمت کرده اند» (۲).

و علی بن المغیره به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود: «پدرم از جدّت سؤال نموده بود از ختم کردن قرآن در هر شب، حضرت فرموده بودند: بلی؛ پدرم در ماه مبارک رمضان چهل ختم می کرد و من گاهی ختم می کنم و گاهی زیاد و گاهی کمتر به قدر آنچه فراغ و مجال داشته باشم. پس چون روز فطر می شود یک ختم از برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم قرار می دهم و یکی را از برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و یکی را از برای حضرت فاطمه علیها السلام و دیگر از برای هر یک از ائمه علیهم السلام یکی، و یکی از برای شما؛ تا حال پیوسته چنین کرده ام. چه ثواب از برای من خواهد بود به سبب این عمل؟ آن حضرت فرمود: خدا به سبب این عمل چنین خواهد کرد که در قیامت تو با ایشان باشی.

راوی گفت: الله اکبر! چنین ثوابی برای من خواهد بود؟! حضرت سه مرتبه فرمود که: بلی (۳).

ص: ۵۰

۱- همان، ص ۶۱۸، باب کم یقرأ القرآن، ح ۵.

۲- همان، ح ۳.

۳- همان، ص ۶۱۸، باب کم یقرأ القرآن، ح ۴.

کوکب ششم: «در ثواب تعلیم و تعلم و حفظ قرآن است»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که حافظه اش کم باشد و قرآن را به مشقت حفظ کند، حق تعالی دو اجر به او کرامت فرماید.» (۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «سزاوار نیست که مؤمن بمیرد، مگر آن که قرآن را یاد گرفته باشد یا مشغول یاد گرفتن باشد.» (۲) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که یاد گرفتن قرآن بر او دشوار باشد و به مشقت یاد گیرد، او را دو اجر است.» (۳)

و به سند معتبر از یعقوب احمر منقول است که: «به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمودم: مرا غمها رو داده که آنچه در خاطر داشتم فراموش کرده ام، حتی بسیاری از قرآن را نیز فراموش کرده ام. چون نام قرآن را بردم، حضرت را فزعی و خوفی حاصل شد و فرمود: به درستی که شخصی که فراموش کرده است سوره ای از قرآن را، آن سوره در قیامت درجه بلندی از درجات بهشت بر او مشرف می شود و می گوید: «السلام علیک» او در جواب

ص: ۵۱

-
- ۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۶، باب من يتعلم القرآن، ح ۱.
 - ۲- همان، ص ۶۰۷، باب من يتعلم القرآن، ح ۳.
 - ۳- همان، ص ۶۰۷، باب من يتعلم القرآن، ح ۲.

می گوید: «و علیک السلام» تو کیستی؟ می گوید که من فلان سوره ام که مرا ضایع کردی و ترک نمودی؛ اگر به من متمسک می شدی و مرا ازدست نمی دادی امروز تو را به این درجه می رسانیدم، بعد از آن فرمود: بر شما باد به یاد گرفتن قرآن، به درستی که جمعی قرآن را یاد می گیرند که ایشان را قاری گویند، و جمعی قرآن را یاد می گیرند که با آواز خوش بخوانند تا مردم بگویند خوش آوازند، و در این دو طایفه خیری نیست؛ و جمعی قرآن را یاد می گیرند که شب و روز در نمازها بخوانند و پروا ندارند که کسی بداند یا نداند» (۱).

و احادیث بسیار موافق این حدیث در مذمت فراموش کردن قرآن واقع شده است و ظاهر بعضی فراموش کردن لفظ است و ظاهر بعضی ترک عمل نمودن به معانی آن، و معنی دوم ظاهر است که بد است. و اول، اگر از روی بی اعتنایی باشد بد است، و اگر بی اختیار به سبب ضعف حافظه از خاطرش محو شود قصور ندارد؛ و بعضی احادیث که وارد شده است که قصور ندارد، بر این معنی محمول است.

چنانچه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که قرآن را یاد گیرد عمداً فراموش کند، چون به محشر درآید دستش در گردنش باشد، و خدا به عدد هر آیه ماری بر او مسلط گرداند که در آتش جهنم قرین او باشند، مگر آن که خدا او را بیامرزد» (۲) و فرمود که: «نیکان شما گروهی اند

ص: ۵۲

۱- همان، ص ۶۰۹، باب من حفظ القرآن، ح ۶.

۲- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۷، باب ۲۰، ح ۵. به نقل از امالی صدوق، ص ۳۴۸، مجلس ۶۶، ح ۱.

که قرآن یاد گیرند و یاد دهند».(۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حق تعالی گاهی هست که قصد می فرماید عذاب اهل زمین را، که یکی از ایشان را استثنا نفرماید به سبب بسیاری گناهان ایشان؛ پس چون نظر می فرماید به پیران که قدم برمی دارند به سوی نمازها، و اطفال که قرآن یاد می گیرند، ایشان را رحم می فرماید و عذاب را از ایشان تأخیر می نماید».(۲)

ص: ۵۳

۱- همان، ص ۱۸۶، باب ۲۰، ح ۲. به نقل از امالی طوسی، ص ۳۵۷، مجلس ۱۲ ح ۷۹ و ۸۰.

۲- همان، ص ۱۸۵، باب ۲۰، ح ۱. به نقل از علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۱، باب ۲۹۸، ح ۲.

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «قرآن عهد نامه الهی است به سوی بندگان، پس سزاوار این است که هر مسلمانی در فرمان الهی نظر نماید و هر روز پنجاه آیه بخواند».^(۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «خانه ای که در آن قرآن خوانده می شود و یاد خدا در آن می شود برکت در آن خانه بسیار می شود و ملائکه در آن خانه، حاضر می شوند و شیاطین از آن خانه دور می شوند و روشنی می دهد آن خانه، اهل آسمان را چنانچه کواکب روشنی می دهند اهل زمین را، و خانه ای که در آن قرآن خوانده نمی شود و یاد خدا نمی کنند، برکت آن خانه کم است و ملائکه دوری می کنند و شیاطین در آن خانه حاضر می باشند».^(۲)

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «خانه ای که در آن مسلمانی قرآن خواند، اهل سماوات، آن خانه را به یکدیگر می نمایند؛ چنانچه اهل دنیا ستاره های روشن را به یکدیگر می نمایند».^(۳)

ص: ۵۴

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، باب فی قرائته، ح ۱.

۲- همان، ص ۶۱۰، باب البیوت التي یقرأ فیها القرآن، ح ۳.

۳- همان، ح ۲.

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که ایستاده در نماز، قرآن بخواند حق تعالی به عدد هر حرفی صد حسنه در نامه عملش بنویسد، و اگر نشسته در نماز [قرآن] بخواند، به هر حرفی پنجاه حسنه از برایش بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند، به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد».^(۱)

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که فرمود: «چه چیز مانع می شود تاجران شما را - که مشغولند در بازار - از این که چون به خانه برگردند نخوانند تا سوره ای از قرآن بخوانند تا حق تعالی بجای هر آیه، ده حسنه از برای ایشان بنویسد و ده گناه از ایشان محو نماید».^(۲)

و از بشر بن غالب منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: «هر که آیه ای از کتاب خدا را ایستاده [در حال نماز] بخواند، حق تعالی به هر حرفی صد حسنه از برای او بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند، به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد و اگر گوش دهد قرآن را، به هر حرفی حسنه ای از برایش بنویسد و اگر در شب، قرآن را ختم نماید ملائکه تا صبح بر او صلوات فرستند و اگر در روز [قرآن را] ختم کند ملائکه کاتبان اعمال، تا شام بر او صلوات فرستند و البته بعد از ختم قرآن، یک دعای مستجاب از برای او هست و ختم قرآن از برای او بهتر است از مابین آسمان و زمین که پر از ثواب باشد. راوی عرض نمود: که اگر قرآن نخوانده باشد چه کند؟ فرمود: حق تعالی بخشنده و کریم است، اگر هر چه می داند

ص: ۵۵

۱- همان، ص ۶۱۱، باب ثواب قرائه القرآن، ح ۱.

۲- همان، ح ۲.

بخواند، خدا او را از این ثواب می دهد»^(۱).

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در مکه ختم کند قرآن را، از جمعه تا جمعه یا بیشتر یا کمتر، و ختمش در روز جمعه باشد حق تعالی اجر و ثواب از برای او بنویسد از اول جمعه که در دنیا بوده است تا آخر جمعه که خواهد بود، و همچنین اگر در روزهای دیگر ختم نماید»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که در شبی ده آیه بخواند او را از غافلان بنویسند، و اگر در شبی پنجاه آیه بخواند او را از ذاکران بنویسند، و اگر صد آیه بخواند او را از قانتان بنویسند، و اگر دویست آیه بخواند او را از خاشعان بنویسند، و اگر سیصد آیه بخواند او را از رستگاران و فایزان بنویسند، و اگر پانصد آیه بخواند او را از جماعتی بنویسند که سعی بسیار در عبادت کرده باشند، و اگر هزار آیه بخواند برای او قنطاری از نیکی بنویسند که هر قنطاری پانزده هزار مثقال از طلا باشد و هر مثقال بیست و چهار قیراط و قیراط کوچکش مثل کوه اُحد باشد و قیراط بزرگش مثل مابین زمین و آسمان»^(۳).

و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقول است که: «هر که حرفی از کتاب خدا را گوش دهد بی آن که بخواند، حق تعالی برای او حسنه ای بنویسد و گناهی از او محو نماید و درجه ای برای او بلند گرداند؛ و کسی که حرفی از قرآن را یاد گیرد، حق تعالی ده حسنه برای او بنویسد و ده سیئه از او محو نماید و ده درجه برای او بلند گرداند و فرمود که: نمی گویم به هر آیه

ص: ۵۶

۱- همان، ح ۳.

۲- همان، ج ۲، ص ۶۱۲، ح ۴.

۳- همان، ج ۲، ص ۶۱۲، باب ثواب قرائه القرآن، ح ۵.

به او این ثواب می دهند، بلکه به هر حرفی مانند «با» و «تا».

و هر که حرفی از قرآن را نشسته در نماز بخواند، خداوند عالمیان پنجاه حسنه بر او ثبت نماید و پنجاه گناه از او محو کند و پنجاه درجه از برای او بلند گرداند؛ و هر که حرفی را ایستاده در نماز بخواند، حق تعالی صد حسنه برای او ثبت نماید و صد سیئه از او محو و صد درجه برای او بلند کند؛ و کسی که قرآن را ختم کند، حق تعالی به او یک دعای مستجاب عطا کند از برای دنیا یا آخرت»^(۱).

و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: «اگر کسی به آیه قرآن پناه برد از شرّ دشمنان، اگر از مشرق تا مغرب دشمن او باشند از شرّ همه ایمن گردد، اگر به یقین و اعتقاد بخواند»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «شخصی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شکایت کرد درد سینه خود را، حضرت فرمود: بخوان قرآن و طلب شفا کن؛ زیرا حق تعالی می فرماید: قرآن شفای دردهایی است که در سینه ها است»^(۳).

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که صد آیه بخواند از هر جای قرآن که باشد و بعد از آن هفت مرتبه یا الله بگوید، اگر بر سنگی دعا کند خدا آن را بشکافد»^(۴).

ص: ۵۷

۱- همان، ص ۶۱۲، باب ثواب قرائه القرآن، ح ۶.

۲- همان، ص ۶۲۳، باب فضل القرآن، ح ۱۸.

۳- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۳، باب ۲۳ ح ۲۹، به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۲۷، در تفسیر سوره یونس.

۴- همان، ص ۱۷۶، ب ۱۸، ذیل حدیث ۱. به نقل از مکارم الاخلاق، ج ۲، فصل ۲، ح ۲، و ص ۱۸۲، فی الأستشفاء بالقرآن.

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «هر که از بلیه ترسد و صد آیه بخواند از هر جای قرآن که خواهد، بعد از آن سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ»، خدا آن بلا را دفع نماید».^(۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان است».^(۲)

ص: ۵۸

۱- همان.

۲- کافی ج ۲، ص ۶۳۰، باب النوادر، ح ۱۰.

کوکب هشتم: «در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاه داشتن قرآن»

از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام منقول است که: «هر که از مصحف تلاوت نماید از چشمش برخوردار شود و عذاب پدر و مادرش را تخفیف دهند؛ هر چند کافر باشند»^(۱). و به روایت دیگر فرمود: «دوست می دارم در خانه مصحفی باشد که حق تعالی به برکت آن مصحف، شیاطین را از آن خانه دفع نماید»^(۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «سه چیز است که به خدا شکایت خواهند کرد، مسجد خرابی که اهلس در آن نماز نکنند، و عالمی که در میان جُھّال باشد و حرمتش را نگاه ندارند، و مصحفی که آویخته باشد و غبار بر آن نشسته باشد و از آن تلاوت نمایند»^(۳).

و از اسحاق منقول است که به آن حضرت عرض نمود که: «من قرآن را در حفظ دارم، از خاطر بخوانم بهتر است یا نظر در مصحف کنم و بخوانم فرمود: از مصحف بخوان بهتر است، مگر نمی دانی که نظر کردن در قرآن

ص: ۵۹

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۱۳، باب قرائه القرآن فی المصحف، ح ۱.

۲- همان، ح ۲.

۳- همان، ح ۳.

و در حدیث دیگر فرمود: «شش چیز است که مؤمن به آنها منتفع می شود بعد از مرگش، فرزند صالحی که از برای او استغفار نماید، و مصحفی که از او بماند که تلاوت نمایند، و چاهی که از برای خدا بکنند، و درختی که از برای خدا بنشانند، و صدقه و آبی که جاری گرداند، و سنت نیکویی که بگذارد که بعد از او مردم به آن سنت عمل نمایند» (۲).

و در حدیث مناهی نبی صلی الله علیه وآله وسلم وارد است که: «نهی فرمود از این که قرآن را به آب دهن محو نمایند یا به آب دهان بنویسند» (۳).

و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «نظر بر روی علی بن ابیطالب علیه السلام کردن عبادت است، و نظر بر روی پدر و مادر به مهربانی و شفقت کردن عبادت است، و نظر به مصحف کردن عبادت است، و نظر به کعبه کردن عبادت است» (۴).

ص: ۶۰

۱- همان، ص ۶۱۴، باب قرائه القرآن فی المصحف، ح ۵.

۲- خصال شیخ صدوق، ص ۳۲۳، باب السنه، ح ۹.

۳- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۴، باب ۲، ح ۳، امالی صدوق، ص ۳۴۵ مجلس ۶۶.

۴- همان، ص ۱۹۹، ب ۲۳، ح ۱۴. به نقل از امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۰، مجلس ۱۶.

به سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، نزدیکتر است به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی چشم».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است: «هر که را عُلَّتْی عارض شود و در همان وقت هفت مرتبه سوره حمد را بخواند، اگر علتش برطرف شود اکتفا نماید و اگر نه هفتاد مرتبه بخواند و من ضامنم از برای او عافیت را».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که سوره حمد را بخواند، حق تعالی به عدد هر آیه که از آسمان نازل شده است ثواب به او کرامت فرماید».^(۳)

و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «خداوند عالمیان می فرماید که: من قسمت کرده ام سوره فاتحه

ص: ۶۱

-
- ۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۳۳، باب ۲۹، ح ۱۵ به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۵.
 - ۲- همان، ص ۲۳۱، باب ۲۹، ح ۱۳. به نقل از امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۹۰، مجلس ۱۰.
 - ۳- همان، ص ۲۲۸، ب ۲۹، ذیل حدیث ۷. خصال، ج ۲، ص ۳۵۵، باب السبعه، ح ۴۶.

الکتاب را میان خود و بنده خود، پس نصف آن سوره از من است و نصف آن از بنده من است. و آنچه بنده از من در آن سوره سؤال می نماید به او عطا میفرمایم.

پس چون بنده می گوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حق تعالی می فرماید: ابتدا کرد بنده به نام من، و بر من لازم است که کارهای او را به اتمام رسانم و در جمیع احوال بر او برکت فرستم. پس چون بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، حق تعالی فرماید: بنده من حمد من کرد و دانست که نعمتهایی که نزد اوست همه از جانب من است و بلاهایی که از او دور شده است همه به تطوّل و احسان من است، ای ملائکه! شما را گواه می گیرم که از برای او اضافه کردم نعمتهای دنیا و آخرت را، و دفع کردم از او بلاهای آخرت را چنانچه بلاهای دنیا را از او دفع کرده ام، پس چون الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ گوید، حق تعالی می فرماید: بنده من از برای من شهادت داد که من رحمن و رحیمم، ای ملائکه! شما را گواه می گیرم که بهره او را بسیار کردم و نصیب او را از عطای خود عظیم گردانیدم.

و چون گوید که مَالِکِ یَوْمِ الدِّیْنِ، خداوند عالم فرماید: ای ملائکه! گواه می گیرم شما را، چنانچه اعتراف کرد که من مالک روز جزایم من در روز حساب، حساب او را آسان کنم و از گناهانش در گذرم، و چون اِیَّاكَ نَعْبُدُ گوید حق حَقَّ حَقِّیْ و عَلَا فرماید: راست گفت بنده من که مرا عبادت کرده و بس، گواه می گیرم شما را که او را بر این عبادت ثوابی کرامت فرمایم که جمیع مخالفان او آرزوی منزلت او نمایند، و چون وَاِیَّاكَ نَشْتَعِیْنُ گوید حق تعالی فرماید: بنده من به من استعانت جست و التجا به من آورد، گواه می گیرم شما را که در جمیع امور او را اعانت نمایم و در جمیع شتداید به

فریاد او رسم و در روز بلاها و سختیها دست او را بگیریم.

پس چون اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ بگویند تا آخر سوره، حق تعالی فرماید: آنچه از من طلبید به او کرامت کردم و آنچه آرزو کرد به او عطا نمودم و آنچه از او ترسید او را از آن ایمن گردانیدم». (۱)

و به سند دیگر منقول است که: «سوره حمد را [اگر] بر دردی هفتاد مرتبه بخوانند، آن درد ساکن می شود». (۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «اگر سوره حمد را بر میتی هفتاد مرتبه بخوانند و روح او بر گردد عجب نخواهد بود». (۳)

و به سند معتبر از حضرت امام باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حمد او را عافیت ندهد هیچ چیز او را عافیت ندهد». (۴) و همچنین منقول است که حضرت صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب خود که شکایت از تب کرد فرمود: «بندهای پیراهنت را بگشا و سر در گریبان کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان، آن شخص چنان کرد به زودی شفا یافت». (۵)

و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از صداع به آن حضرت شکایت کرد حضرت فرمود: «دست خود را بگذار بر موضعی که درد می کند و سوره حمد و آیهالکرسی بخوان و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ

ص: ۶۳

- ۱- همان، ص ۲۲۶، ب ۲۹، ح ۳. به نقل از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵۸، ح ۳۰.
- ۲- همان، ص ۲۳۵، باب ۲۹، ح ۲۱. طب الاثمه.
- ۳- همان، ص ۲۵۷، باب ۲۹، ذیل حدیث ۵۰، مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۸۳.
- ۴- همان، ص ۲۳۷، باب ۲۹، ح ۳۴. به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰، ح ۱۰.
- ۵- همان، ص ۲۳۵، ب ۲۹، ح ۲۰. طب الاثمه.

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَجَلٌ وَ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحَدَرُ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِزْقِ نَعَارٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ» (۱)

«سوره البقره و آل عمران»

به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره بقره و آل عمران را بخواند، این دو سوره در قیامت بر سر او سایه افکنند مانند دو ابر یا دو عبا» (۲)

و به سند معتبر از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقول است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر که چهار آیه از اول سوره بقره و آیه الکرسی تا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ یا دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر سوره بقره را بخواند، بدی در خود و در مالش نبیند و شیطان به نزدیک او نیاید و قرآن را فراموش نکند» (۳)

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «هر که آیه الکرسی را در وقت خواب بخواند، از فالج ایمن؛ گردد و هر که بعد از هر نماز بخواند، هیچ صاحب نیشی به او ضرر نرساند» (۴)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که

ص: ۶۴

۱- همان، ج ۹۵، ص ۵۸، ب ۵۹، ذیل حدیث ۲۷. به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۳۷۳، فی الاستشفاء بالقرآن.

۲- همان، ج ۹۲، ص ۲۶۵، باب ۳۰، ح ۸، به نقل از ثواب الاعمال، ص ۱۸۹، باب ۳۰۴، ح ۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۲۱، باب فضل القرآن، ح ۵.

۴- همان، ح ۸.

یک مرتبه آیةالکرسی بخواند، حق تعالی بر گرداند از او هزار بلا از بلاهای دنیا و هزار بلا از بلاهای آخرت را که سهل ترین بلاهای دنیا فقر و احتیاج و کمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد»^(۱).

و منقول است که «ابوذر از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سؤال نمود کدام آیه عظیم ترین آیاتی است که بر تو نازل گردیده است؟ فرمود: آیةالکرسی»^(۲).

و به سند دیگر منقول است که «شخصی به خدمت حضرت صادق علیه السلام از تب شکایت کرد. حضرت فرمود: آیةالکرسی را در ظرفی بنویس و به آب حل کن و بخور»^(۳).

و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «یکی از پدرانم شنید که کسی سوره فاتحه می خواند، فرمود: شکر خدا کرد و مزد یافت؛ و بعد از آن شنید که قل هو الله می خواند، فرمود: ایمان آورد و ایمن شد؛ بعد از آن شنید که سوره اِنَّا أَنْزَلْنَا می خواند، فرمود: تصدیق پیغمبر کرد و آمرزیده شد؛ بعد از آن شنید که آیه الکرسی می خواند، فرمود: به به! نازل شد براءت و بیزاری این مرد از جهنم»^(۴).

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که چشمش آزار داشته باشد، آیةالکرسی بخواند و در خاطر خود قرار دهد که

ص: ۶۵

-
- ۱- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۲، باب ۳۰، ح ۱ امالی صدوق، ص ۸۸، مجلس ۲۱، ح ۶.
 - ۲- همان، ص ۲۶۲، ب ۳۰، ح ۳. به نقل از معانی الاخبار، ص ۳۳۳، باب تحیه مسجد، ح ۱.
 - ۳- همان، ج ۹۵، ص ۲۴، باب ۵۶. در ضمن حدیث ۱۱. به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۳۷۰.
 - ۴- همان، ج ۹۲، ص ۲۶۱، باب ۲۹، ح ۵۶. دعوات راوندی، ص ۱۱۰ ح ۲۴۵.

برطرف می شود به توفیق الهی و عافیت می یابد ان شاء الله تعالی.

و هر که پیش از طلوع آفتاب یازده مرتبه سوره قل هو الله احد و یازده مرتبه اَنَا أَنْزَلْنَا و یازده مرتبه آیةالکرسی بخواند، خدا مالش را از تلف حفظ نماید.

و چون کسی خواهد از خانه بیرون رود، چند آیه [از سوره] آل عمران را یعنی إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ السَّخِ، آیةالکرسی، سوره اِنَّا أَنْزَلْنَا و سوره حمد [را] بخواند که موجب قضای حاجتهای دنیا و آخرت می گردد». (۱)

و فرمود: «هر که قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ و اِنَّا أَنْزَلْنَا و آیةالکرسی بخواند، مالش محفوظ باشد». (۲)

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: هر که سقف خانه اش زیاده از هشت ذرع باشد بر بالای هشت ذرع آیةالکرسی بر دور خانه بنویسد تا از شر جنیان ایمن گردد». (۳)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «شیاطین در میان شتران و چهارپایان به در می آیند که آنها را رم دهند، پس آیةالکرسی بخوانید برای رفع ایشان». (۴)

و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «تصدّق بکن و در هر روز که خواهی سفر کن؛ و آیةالکرسی بخوان و هر روز

ص: ۶۶

۱- همان، ص ۲۶۳، ب ۳۰، ح ۴. به نقل از خصال. ج ۲/۶۱۶ حدیث اربعمأه.

۲- خصال، ص ۶۲۲، در ضمن حدیث اربعمأه.

۳- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۷، ب ۳۰، ح ۱۳. به نقل از محاسن برقی، ص ۶۰۹.

۴- همان، ص ۲۶۷، باب ۳۰، ح ۱۲ مکّرر. به نقل از محاسن برقی، ص ۳۸۰.

که خواهی حجامت کن». (۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه به جایی روی که خوفی داشته باشی این آیه را بخوان:

رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مِدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مَخْرَجِ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نٰصِيْرًا، پس چون بینی آنچه را [که از آن می ترسی آیهالکرسی بخوان». (۲) و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «بسیار بگویند «رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوْبَنَا ...» (۳) و ایمن مباشید از میل به باطل». (۴)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر که صد مرتبه آیهالکرسی بخواند، چنان باشد که مدت حیات خود عبادت کرده باشد». (۵)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: حق تعالی فرمود: «به تو و امت تو گنجی از گنجهای عرش خود را کرامت کرده ام: فاتحه الکتاب و خاتمه سوره بقره یعنی اَمِنَ الرَّسُوْلُ الْخ». (۶)

و کلینی رحمه الله روایت نموده: «هر که دو رکعت نماز بگزارد بعد از نماز شام، و

ص: ۶۷

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۷۳، ح ۴۰۸.

۲- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۷، باب ۳۰، ح ۱۲، به نقل از محاسن برقی ص ۳۶۷.

۳- آل عمران [۳]، آیه ۸.

۴- تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۴۸، در تفسیر سوره آل عمران. به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۴ ح ۹.

۵- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۳، باب ۳۰، ح ۵. عیون اخبار، ج ۲، ص ۶۴، ح ۲۸۹.

۶- همان، ص ۲۳۰، ب ۲۹، ح ۱۰، معانی الاخبار، ص ۵۱.

در رکعت اول یک مرتبه سوره حمد و ده آیه از اول سوره بقره و آیه سخره - إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ - و آیه: وَاللَّهُمَّ إِلَهَ وَإِحْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ ... تا لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ و پانزده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخوانند، و در رکعت دوم سوره حمد و آیهالکرسی و آخر سوره بقره، لِّلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ تا آخر سوره و پانزده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخوانند، و بعد از آن حاجت خود را بطلبند، هر که به این نماز مداومت نماید به هر نمازی حق تعالی ثواب سیصد هزار حجج به او کرامت فرماید».(۱)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر خانه ای که آیه امن الرسول تا آخر سوره در آن خانه خوانده شود، شیطان داخل آن خانه نشود».(۲)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «گمان ندارم که کسی در اسلام عقلش کامل شده باشد و شبی بدون خواندن آیهالکرسی به سر آورد، بعد از آن فرمود: اگر بدانید که چه فضیلتی دارد در هیچ حال ترک آن ننمایید، به درستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مرا خبر داد که آیهالکرسی را از گنج زیر عرش به من کرامت کرده اند و به هیچ پیغمبری چنین کرامت نداده بودند، بعد از آن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از آن روز که این را از آن حضرت شنیده ام، یک شب ترک خواندن آن نکرده ام، سه مرتبه می خوانم، در هر شبی یک مرتبه بعد از نماز خفتن پیش از نافه».(۳)

ص: ۶۸

۱- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۱۰.

۲- نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۰۴، ذیل ح ۱۲۲۰، در تفسیر سوره بقره. تفسیر عیاشی ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۵۳۲.

۳- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۴، باب ۳۰، ح ۱۷ امالی طوسی، ص ۱۲۲ مجلس ۱۸.

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که بعد از نماز واجب، آیةالکرسی بخواند تا وقت نماز دیگر در امان خدا باشد».^(۱)

و در حدیث دیگر منقول است که فرمود: «یا علی! بر تو باد به تلاوت آیةالکرسی بعد از نماز فریضه، به درستی که محافظت و مداومت نمی نماید بر خواندن آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «چون حق تعالی امر فرمود که سوره فاتحه و آیه شَهِدَ اللهُ و آیه الکرسی و قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ را به زمین آورند، ایشان در عرش الهی در آویختند و گفتند: «پروردگارا ما را به کجا می فرستی؟ به نزد اهل خطاها و گناهان می فرستی؟» حق تعالی وحی فرمود به ایشان که بروید به زمین که به عزت و جلال خودم سوگند که هر که از آل محمدعلیهم السلام و شیعیان ایشان، شما را تلاوت نماید بعد از نمازهای واجب، البته به سوی او نظر نمایم به نظر مخفی خود، یعنی الطاف خاصه خود را شامل حال او گردانم، هر روز هفتاد نظر، و در هر نظر کردنی هفتاد حاجت او را بر آورم و توبه او را قبول کنم؛ هر چند معصیت بسیار کرده باشد».^(۳)

و در طبّ الائمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که «مردی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت نمود از درد پشت و گفت: شب، مرا از این درد خواب نمی برد، فرمود: دست بر موضع درد بگذار و سه نوبت این آیه را بخوان:

ص: ۶۹

۱- همان، ج ۸۶، ص ۳۴، باب ۳۸، ذیل ح ۳۹ دعوات راوندی، ص ۸۴، ح ۲۱۵.

۲- همان، ص ۲۴، باب ۳۸، ح ۲۴. قرب الاسناد، ص ۱۱۸، ح ۴۱۵.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۲.

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَيَجْزِي الشَّاكِرِينَ»، پس هفت مرتبه اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِ که ان شاء الله تعالی عافیت می یابی». (۱)

و به سند معتبر از حضرت امام علی الثقی علیه السلام منقول است که: اشجع سلمی به حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که من بسیار سفر می کنم و در بیابانهای مخوف واقع می شوم؛ می خواهم چیزی تعلیم من نمایی که موجب ایمنی من گردد، حضرت فرمود: هرگاه خوف بر تو غالب گردد دست راست خود را بر بالای سر خود بگذار و به آواز بلند این آیه را بخوان:

«أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ».

اشجع گفت: چون به سفر رفتم به وادی رسیدم که می گفتند جن در آنجا بسیار است، ناگاه شنیدم که شخصی می گوید: بگیرد ش، من آیه را خواندم؛ دیگری گفت: چگونه بگیرمش و حال آن که پناه به آیه طیبیه برد». (۲)

و در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که آیه شَهْدِ اللَّهِ بخواند در وقت خواب، حق تعالی هفتاد هزار ملک خلق نماید که برای او استغفار نمایند تا روز قیامت». (۳)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هر که آیه شَهْدِ اللَّهِ بخواند و بعد از آن بگوید: وَأَنَا أَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ اللَّهُ بِهِ وَأَسْتَوْدِعُ اللَّهَ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَهِيَ

ص: ۷۰

۱- نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۱۳، ح ۶، در تفسیر سوره قدر طب الائمه.

۲- بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۴۸، باب ۱۰۴، ح ۱، امالی طوسی، ۲۸۱ مجلس ۲۰، ح ۸۴.

۳- سفینه البحار، ج ۲ ص ۶۲۶، ماده نوم.

لی عِنْدَ اللَّهِ وَدِيعَهُ، چون روز قیامت شود، حق تعالی گوید: صاحب این را نزد من عهدی هست که او را داخل بهشت کنید». (۱)

«سوره النساء»

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که سوره نساء را در هر جمعه بخواند از ضغظه (۲) قبر ایمن گردد». (۳) و در روایت دیگر منقول است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتی از حدید چینی داشتند و بر آن نقش کرده بودند: «الْعِزَّةُ لِلَّهِ جَمِيعًا». (۴) و در روایات معتبر وارد است که: «نقش نگین انگشت امام حسن و امام محمد باقر صلوات الله علیهما الْعِزَّةُ لِلَّهِ بود». (۵)

«سوره المائدة»

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مائده را در هر روز پنج شنبه بخواند، ایمانش به ظلم و گناه آلوده نشود و هرگز به خدا مشرک نشود». (۶)

ص: ۷۱

-
- ۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲۱، در تفسیر سوره آل عمران آیه شهد الله الخ.
 - ۲- تنگی و فشار قبر (فرهنگ لاروس ماده ضغط).
 - ۳- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۷۳، باب ۳۱، ح ۱؛ ثواب الاعمال، ص ۱۳۱ در ثواب قرائت سور.
 - ۴- خصال، ج ۱، ص ۱۹۹، باب الاربعه، ح ۹ [آیه خزیفه در سوره نساء می باشد].
 - ۵- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۹، و ص ۴۱۰ باب ۶۲، ح ۱ و ۵.
 - ۶- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۰ در تفسیر سوره مائده.

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «سوره مائده بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نازل شد قبل از وفات آن حضرت به دو ماه یا سه ماه».^(۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «آخرین سوره ای که بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نازل شد، سوره مائده بود و احکام بعضی از سوره های دیگر را نسخ کرد و هیچ چیز احکام آن را نسخ نکرد و وقتی نازل شد که آن حضرت بر استر شهباء^(۲) سوار بود و به سبب وحی چنان سنگین شد که نزدیک شد که ناف استر به زمین برسد و اغمایی آن حضرت را رو داد، پس چون آن حالت زایل شد، سوره را بر ما خواند و به آن عمل کرد و ما عمل کردیم».^(۳)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره مائده یک جا نازل شد و هفتاد هزار ملک با آن نازل شدند».^(۴)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که سوره مائده را بنویسد و در میان متاع یا صندوق خود بگذارد قماش و متاع او ایمن گردد از دزد، اگر چه در میان راه اندازند، و عافیت یابد صاحبش از دردها و الم ها».^(۵)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم رفتم آن حضرت سوره مائده را می خواند، فرمود: بنویس،

ص: ۷۲

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- اسب سیاه و سفید (فرهنگ فارسی امید).

۳- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۰، در تفسیر سوره مائده.

۴- همان.

۵- جامع الاخبار و الآثار، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۳ و ۲.

نوشتم تا به آیه **أِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ** رسید، به خواب رفت و باز صدای آن حضرت می آمد و من مینوشتم تا سوره تمام شد، چون بیدار شد از آن جا که به خواب رفته بود شروع کرد به خواندن، گفتم: شما خواندید تا آخر و من نوشتم فرمود: **اللَّهُ أَكْبَرُ**، آن جبرئیل علیه السلام بود که بر تو خوانده، پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هفتاد آیه را از املائی پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نوشتم و شصت و چهار آیه را از املائی جبرئیل علیه السلام». (۱)

«سوره الانعام»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره انعام یک دفعه نازل شد و هفتاد هزار ملک آن را مشایعت کردند تا نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آوردند، پس این سوره را تعظیم نمایید و بزرگ دانید که اسم اعظم الهی در هفتاد موضع این سوره هست و اگر مردم بدانند که در قرائتش چه فضیلت و ثواب هست هرگز ترک نمایند قرائتش را». (۲)

و از عبدالله بن عباس منقول است که: «کسی که سوره انعام را هر شب بخواند، در روز قیامت از جمله ایمنان باشد و به دیده خود هرگز جهنم را نبیند». (۳)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «سوره انعام را یک دفعه نازل ساختند و هفتاد هزار ملک مشایعت آن کردند و آواز بلند کرده بودند به تسبیح و تکبیر و تهلیل، تا به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم

ص: ۷۳

۱- تفسیر فرات کوفی، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۲.

۳- تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۷۱، در تفسیر سوره انعام.

آوردند، پس هر که این سوره را بخواند آن هفتاد هزار ملک تسیح بگویند از برای او تا روز قیامت».(۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «اگر علتی داشته باشی که خوف هلاک از آن داشته باشی سوره انعام را بخوان که مکروهی به تو نمی رسد از آن علت».(۲)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در شب اول ماه مبارک رمضان دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از خدا سؤال نماید که کفایت شرّ دشمنان از او بکند، حق تعالی دور گرداند از او شرّ آنچه از آن ترسد و او را نگاه دارد از هر بیم و دردی».(۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که را به خدا حاجتی باشد که بخواهد برآورده شود چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت بعد از حمد، سوره انعام بخواند و بعد از سوره این دعا را بخواند:

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا اعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ضَعْفَى وَفَقْرَى وَفَاقَتَى وَمَسِيكَتَى فَإِنَّكَ أَعْلَمُ بِهَامِنِي وَأَعْلَمُ بِحَاجَتِي يَا مَنْ رَحِمَ الشَّيْخَ يَعْقُوبَ حِينَ رَدَّ عَلَيْهِ يُوسُفَ قُرَّةَ عَيْنِهِ يَا مَنْ رَحِمَ أَيُّوبَ بَعِيدَ طُولِ بَلَاتِهِ يَا مَنْ رَحِمَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمِنَ الْيَتِيمِ آوَاهُ وَنَصَّرَهُ عَلَيَّ جَبَابِرَهُ قُرَيْشٍ وَطَوَاعِيئِهَا وَأَمَكَّنَهُ مِنْهُمْ يَا مُغِيثُ

ص: ۷۴

۱- همان.

۲- بحار، ج ۹۲، ص ۲۷۵، باب ۳۳، ح ۴. فقه الرضا، ص ۳۴۳، و احتجاج، ج ۲، ص ۱۸۳، ما جاء في السور، ح ۴.

۳- اقبال الاعمال، ابن طاووس، ص ۲۲.

يَا مُعِيْثُ يَا مُعِيْثُ مَكْرَرٌ بَكُوَيْد.

به حق خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، اگر این نماز بکنی و این دعا بخوانی و جمیع حاجتهای خود را بطلبی، البته روا کند»^(۱).

و در طب الاثمه از حضرت صادق علیه السلام، برای رفع خوره روایت کرده که «سوره انعام را با عسل بنویسند و بشویند و بخورند تا شفا یابند»^(۲).

«سوره الاعراف»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اعراف را در هر ماه بخواند، در روز قیامت از جمله جماعتی باشد از دوستان خدا، که حق تعالی در شأن ایشان فرموده است: خوفی بر ایشان نیست و اندوهناک نمی شوند، و اگر در هر جمعه بخواند او را در قیامت حساب نکنند و به درستی که آیات محکمت در آن بسیار است، پس قرائت این سوره را ترک ننمایید که گواهی می دهد در قیامت برای کسی که آن را خوانده باشد»^(۳).

و به سند معتبر از اصبح بن نباته منقول است، «روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به حق آن خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به راستی فرستاده است و اهل بیتش را گرامی داشته است؛ آنچه مردم طلب نمایند از آحراز، از برای سوختن یا غرق شدن یا دزدی یا گریختن چهارپا یا کنیز و غلام، البته در قرآن هست؛ پس هر که خواهد از من سؤال نماید. شخصی

ص: ۷۵

۱- مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۷۱. در تفسیر سوره انعام. فضل السوره

۲- بحار، ج ۹۲، ص ۲۷۵، باب ۳۳، ح ۵ طب الاثمه.

۳- مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره اعراف، فضل السوره.

برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! چیزی از قرآن به من تعلیم نما که مرا ایمن گرداند از سوختن و غرق شدن فرمود: «این دو آیه را بخوان»:

«إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ».

هر که این دو آیه را بخواند از سوختن و غرق شدن ایمن شود، پس شخصی خواند و آتش در خانه های همسایگانش افتاد و او سالم ماند و به خانه او آتش نیفتاد.

شخص دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! چهارپایی دارم و چموشی می کند و من از آن می ترسم. حضرت فرمود: «در گوش راستش این آیه را بخوان»:

«وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ».

پس آن شخص چنین کرد، چهارپایش نرم و هموار شد.

شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! در آن زمینی که من می باشم حیوانات درنده بسیار است و به خانه من داخل می شوند و تا حیوانی را ضایع نکنند در نمی روند؛ حضرت فرمود که: این دو آیه را بخوان:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ * فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».

آن مرد این دو آیه را خواند، دیگر درنده ها به خانه اش نیامدند.

شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! در شکم من صفرایی به هم رسیده است آیا آیه ای هست که موجب شفا گردد؟ حضرت فرمود:

بلی، بی آن که درهم و دیناری خرج کنی به شکم خود آیهالکرسی بنویس و بشور و آن آب را بخور که این ذخیره باشد در شکم تو و باعث شفا می گردد به قدرت الهی.

شخص دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! برای گمشده چیزی به فرما، حضرت فرمود که: دو رکعت نماز بگزار و در هر دو رکعت سوره یس بخوان و بعد از آن بگو یا هادی الصَّالِه رُدَّ عَلَی ضَالَّتِی، آن مرد چنین کرد حق تعالی گمشده اش را به او برگردانید.

پس شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! بنده ای از من گریخته است فرمود که این آیه را بخوان:

«أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْتُمْ بِرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ».

چون این آیه را خواند، غلامش برگشت.

پس شخص دیگری برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! حرزی برای دزدی بفرما که دزد مال مرا بسیار می برد در شب، حضرت فرمود: چون به میان رختخواب می روی بخوان «قُلِ ادْعُوا لِلَّهِ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا» تا آخر سوره بنی اسرائیل، بعد از آن حضرت فرمود: کسی که در شب در بیابانی تنها باشد و آیه سخره که «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» تا «تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» است، بخواند ملائکه او را محافظت و حراست نمایند و شیاطین از او دور شوند.

پس شخصی این را شنید و شبی به ده خرابی افتاد، شب در آنجا ماند و فراموش کرد که این آیه را بخواند چون خوابید، دو شیطان آمدند یکی

دهانش را گرفت و رفیقش به او گفت که دست از او بردار و او را مهلت ده چون دست برداشت آن مرد بیدار شد و آیه سخره را خواند آن شیطان که دهانش را گرفته بود گفت به دیگری که من دست برداشتم و آیه را خواند خدا بینی ات را بر خاک بمالد؛ الحال حراست و نگهداریش بکن تا صبح، چون صبح شد به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: در سخن تو شفا و راستی دیدم و حال شب خود را نقل کرد، و بعد از طلوع آفتاب به آن محلی که شب خوابیده بود برگشت اثر موی شیطان بر زمین ظاهر بود که موی خود را بر خاک کشیده و رفته بود»^(۱).

«سوره الأنفال و سوره التَّوبه»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره انفال و براءت را در هر ماه بخواند هرگز نفاق بر او راه نیابد و از شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام باشد»^(۲).

«سوره یونس علیه السلام»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره یونس را در هر دو ماه یا سه ماه یک بار بخواند بیم آن نیست که از جمله جاهلان گردد، و در قیامت از جمله مقربان باشد»^(۳).

ص: ۷۸

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۲۴، باب فضل القرآن، ح ۲۱.

۲- مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۶، در تفسیر سوره انفال، فضل السوره.

۳- همان، ج ۵، ص ۸۷، در تفسیر سوره یونس، فضل السوره.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره هود را در هر جمعه بخواند، حق تعالی او را در قیامت در زمره پیغمبران مبعوث گرداند و در قیامت گناهی از او ظاهر نشود».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است: «هر که از غرق ترسد این آیات را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ».^(۲)

«سوره یوسف»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره یوسف را در هر روز یا در هر شب بخواند در قیامت مبعوث شود جمال او مانند جمال حضرت یوسف علیه السلام باشد و در آن روز به او فزعی و خوفی نرسد و از نیکان بندگان صالح خدا باشد».^(۳)

«سوره رعد»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بسیار سوره رعد را بخواند هر گز صاعقه به او نرسد و اگر چه ناصبی باشد، و اگر مؤمن باشد

ص: ۷۹

۱- همان، ص ۱۴۰، در تفسیر سوره هود فضل السوره.

۲- خصال، ج ۲، ص ۶۱۹، باب اربعم.

۳- مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۰۶، در تفسیر سوره یوسف، فضل السوره.

خدا او را داخل بهشت گرداند بی حساب، و شفاعت او را قبول فرماید در اهل بیت و برادران مؤمنش».^(۱)

«سوره ابراهیم و سوره الحجر»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ابراهیم و سوره حجر را در دو رکعت نماز در هر جمعه بخواند، هر گز به او فقر و دیوانگی و بلیه عظیمی نرسد».^(۲)

«سوره النحل»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر کس سوره نحل را در هر ماه بخواند در دنیا به قرض مبتلا نشود و هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهل تر آنها دیوانگی و خوره و پیسی باشد و مسکن او در جنت عدن باشد که در میان بهشت ها واقع است».^(۳)

«سوره بنی اسرائیل»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمیرد تا قائم آل محمد صلوات الله علیهم را دریابد و از اصحاب او باشد».^(۴) و منقول است که عمر بن حنظله به حضرت

ص: ۸۰

۱- همان، ج ۶، ص ۲۷۳، در تفسیر سوره رعد، فضل السوره.

۲- همان، ص ۳۰۱، در تفسیر سوره ابراهیم؛ فضل السوره.

۳- همان، ج ۶، ص ۳۴۷، در تفسیر سوره نحل، فضل السوره.

۴- همان، ج ۶، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره بنی اسرائیل، فضل السوره.

صادق علیه السلام شکایت نمود از صداع، حضرت فرمود: دست بر بالای سرت بگذار و این دو آیه را بخوان:

«قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ الْهَيْهُ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَمَّا بَتَّعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا* وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا»^(۱).

«سوره الكهف»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند نمیرد مگر شهید و خدا او را در زمره شهدا محشور گرداند و در قیامت با شهیدان بایستد»^(۲).

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند کفاره گناهانی باشد که از جمعه تا جمعه دیگر کرده است»^(۳) و در روایت دیگر وارد شده است که کسی که در روز جمعه بعد از نماز ظهر و عصر بخواند همین ثواب را داشته باشد»^(۴).

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که آیه «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» را تا آخر سوره بخواند در وقت خواب، از خوابگاه او تا کعبه نوری ساطع گردد که میان او پر باشد از ملائکه و تا صبح از برای او استغفار کنند»^(۵).

ص: ۸۱

۱- مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۲۵۲۰ مسلسل فی الاستشفاء بالقرآن.

۲- مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۴۷، در تفسیر سوره کهف، فضل السوره.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است که: «هر که این آیه را در وقت خواب بخواند، هر وقت که خواهد بیدار شود».^(۱)

«سوره مریم»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر سوره مریم، نمیرد تا آنچه خواهد در خود و مال و فرزند ببیند و در آخرت از اصحاب عیسی بن مریم باشد و در آخرت به او بدهند مثل مُلکی که حضرت سلیمان علیه السلام در دنیا داشته است».^(۲)

«سوره طه»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک مکنید سوره طه را که خدا این سوره را دوست می دارد، و هر که این سوره را می خواند دوست می دارد، و کسی که بر قرائتش مداومت نماید حق تعالی در قیامت نامه اش را به دست راستش دهد و او را بر گناہانی که در اسلام کرده است حساب نکند و در آخرت آن قدر مزد به او عطا فرماید که او راضی شود».^(۳)

«سوره الانبیاء»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره انبیا را بخواند از روی محبت و خواهش نسبت به آن سوره، در باغستان های بهشت با همه

ص: ۸۲

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۳۲، باب النوادر، ح ۲۱.

۲- مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۰۰، در تفسیر سوره مریم، فضل السوره.

۳- همان، ج ۷، ص ۱ در تفسیر سوره طه فضل السوره.

پیغمبران رفاقت کند و در دنیا در نظر مردم با هیبت باشد».(۱)

«سوره الحج»

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «هر که در هر روز یک مرتبه بخواند در آن سال توفیق حج یابد، و اگر در آن سفر بمیرد داخل بهشت شود. راوی پرسید که اگر سنی باشد چون است؟ فرمود: عذابش تخفیف می یابد».(۲)

«سوره المؤمنون»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر جمعه سوره مؤمنون بخواند، حق تعالی خاتمه او را به خیر گرداند و در فردوس اعلی منزلش با منزل پیغمبران باشد».(۳)

«سوره النور»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «حفظ نمایند اموال و فروج خود را از حرام به تلاوت کردن سوره نور، و به این سوره زنان خود را نیز از حرام حفظ نمایند؛ به درستی که هر که این سوره را در هر شب یا در هر روز مداومت نماید هیچ یک از اهل خانه او زنا نکنند تا او بمیرد؛ چون بمیرد هفتاد هزار ملک تا قبر، او را مشایعت نمایند که همه از برای او دعا کنند و

ص: ۸۳

۱- همان، ص ۳۸، در تفسیر سوره انبیاء فضل السوره.

۲- همان، ص ۶۸، در تفسیر سوره حج، فضل السوره.

۳- همان، ص ۹۸، در تفسیر سوره مؤمنون. فضل السوره.

استغفار نمایند تا او را به قبر گذارند» (۱).

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی از وجع (۲) و ضعف چشم به حضرت امام موسی علیه السلام شکایت نمود، حضرت فرمود: آیه نور را سه مرتبه در جامی بنویس، آن را بشور و در شیشه ضبط کن و مکرر به دیده بکش راوی گفت: صد میل کمتر کشیدم که دیده ام صحیح تر از اول شد» (۳).

«سوره الفرقان»

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «ترک مکن تلاوت سوره فرقان را، به درستی که هر که در شب این سوره را بخواند حق تعالی او را حساب و عذاب نکند و منزلش در فردوس اعلی باشد» (۴).

«شعراء، نمل و قصص»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سه طس را در شب جمعه بخواند، از اولیا و دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد و در دنیا فقر و بدحالی به او نرسد و در آخرت از بهشت به او آن قدر بدهند که راضی باشد و زیاده از رضای او به او عطا فرمایند و حق تعالی صد زن از حورالعین

ص: ۸۴

۱- همان، ج ۷ ص ۱۲۲، در تفسیر سوره نور. فضل السوره.

۲- رنج و درد (فرهنگ نوین).

۳- مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۲۵۳۱ مسلسل فی الاستشفاء بالقرآن، للشبکور، ح ۱.

۴- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۹، در تفسیر سوره فرقان، فضل السوره.

به او کرامت فرماید»^(۱).

«سوره العنکبوت و سوره الرّوم»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان بخواند واللّه که از اهل بهشت است و در این حکم استثنا نمی کنم و نمی ترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم هست»^(۲).

«سوره لقمان»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «کسی که سوره لقمان را در شب بخواند حق تعالی در آن شب ملکی چند مؤکل گرداند بر او که او را از شیطان و لشکر هایش حفظ کند تا صبح شود و اگر در روز بخواند او را از شیطان و لشکرش حفظ نمایند تا شب»^(۳).

«سوره السّجده»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره سجده را در هر شب جمعه بخواند، حق تعالی در قیامت نامه اش را به دست راست او دهد و او را حساب نفرماید، هر چند گناهکار باشد و در بهشت از رفقای محمد و

ص: ۸۵

۱- همان، ص ۱۸۳، در تفسیر سوره شعرا، فضل السوره.

۲- همان، ج ۸، ص ۲۷۱، در تفسیر سوره عنکبوت، فضل السوره.

۳- همان، ص ۳۱۲، در تفسیر سوره لقمان، فضل السوره.

اهل بیت او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ (۱).

«سوره الاحزاب»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره احزاب را بسیار تلاوت نماید در قیامت در جوار حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باشد» (۲)، بعد از آن فرمود: «در سوره احزاب فضیحه بسیاری از مردان و زنان قریش و غیر ایشان بود و درازتر از سوره بقره بود ولیکن کم کردند و تحریف دادند» (۳).

«سوره سبأ و سوره فاطر»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر کس سوره سبأ و سوره فاطر را در شب بخواند در حفظ و حراست الهی باشد و اگر در روز بخواند در آن روز مکروهی به او نرسد و حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آن قدر به او کرامت فرماید که بر خاطرش خطور نکرده باشد و آرزوهایش به آن نرسیده باشد» (۴).

ص: ۸۶

۱- همان، ج ۸، ص ۳۲۵، در تفسیر سوره سجده، فضل السوره.

۲- همان، ص ۳۳۴، در تفسیر سوره احزاب، فضل السوره.

۳- ثواب الاعمال صدوق، ص ۱۳۷، باب قرائه ثواب السور، بحار الانوار، ج ۹۲، باب ۵۵، ص ۲۸۸ توضیح: چنین روایاتی که دلالت بر تحریف یا زیاده و نقصان قرآن دارد از درجه اعتبار ساقط است. زیرا مطابق نصوص و روایات معتبره و شهادت خود قرآن، این کتاب آسمانی از هرگونه تحریفی مصون و محفوظ است، و اعتقاد شیعه بر این است که در قرآن هیچگونه تحریف یا تغییر، و زیاده یا نقصانی اتفاق نیفتاده است. رجوع شود به کتاب «تدوین القرآن»، تألیف حجه الاسلام و المسلمین علی کورانی عاملی.

۴- مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۷۵، در تفسیر سوره سبأ، فضل السوره.

و به سند معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب این آیه را بخواند:

«إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا».

خانه بر سرش خراب نشود».(۱)

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «شخصی از اهل مرو به خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت نمود از درد سر،

حضرت فرمود: نزدیک بیا، پس دست بر سر او گذاشتند و این آیه را خواندند: إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ تا آخر آیه».(۲)

«سوره یس»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر چیزی را قلبی است و قلب قرآن سوره یس است؛ هر که این سوره را در روز بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد و خدا او را روزی فراوان عطا فرماید تا شام، و کسی که در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک رابه او موکل گرداند که او را از شرّ هر شیطان مردودی و هر آفتی حفظ نمایند، و اگر در روز بمیرد حق تعالی او را داخل بهشت گرداند و در غسل او سی هزار ملک حاضر شوند که از برای او استغفار کنند و مشایعت او نمایند تا قبرش با استغفار، و چون در لحدش گذارند آن ملائکه در میان قبرش ساکن گردند و عبادت الهی کنند و ثواب عبادت ایشان از آن او باشد، و قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند، و

ص: ۸۷

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۰ باب النوادر، فی وصایا النبی صلی الله علیه وآله وسلم.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۳۲، فی استجابہ دعواته.

او را ایمن گرداند از فشار قبر، و پیوسته از قبر او نوری ساطع باشد تا اطراف آسمان تا وقتی که از قبر بیرون آید، پس حق تعالی او را از قبر بیرون آورد آن سی هزار ملک با او باشند و مشایعت او نمایند و با او سخن گویند و بر رویش خنده کنند و به هر خیری او را بشارت دهند تا او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب به محلی بدارند که هیچ خلقی قُربش از او بیشتر نباشد مگر ملائکه مقرب و پیغمبر مرسل، و او با پیغمبران بایستد نزد حق تعالی.

و در هنگامی که مردم اندوه داشته باشند او اندوه نداشته باشد، و در حالتی که مردم جزع نمایند او جزع نکند، پس پروردگار عالم به او خطاب فرماید که: ای بنده من! هر که را خواهی شفاعت کن که شفاعت تو را قبول می‌نمایم و هر سؤالی که خواهی از من بکن که سؤالت را رد نمی‌کنم؛ پس او شفاعت کند و خدا قبول نماید، و او سؤال کند و خدا عطا فرماید، و دیگران را حساب کنند و او را حساب نکنند، و با دیگران در مقام حسابش باز ندارند و مذلت و خواری در آن صحرا به او نرسد و هیچ گناهی از گناهان او را نگیرند، پس نامه خود را بگیرد و به جانب بهشت روان شود، پس مردم تعجب کنند که سبحان الله! این بنده را هیچ گناه نبوده و از رفیقان پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله وسلم باشد. (۱)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در عمر خود یک مرتبه سوره یس را بخواند حق تعالی به عدد هر خلقی که در دنیا است و هر خلقی که در آخرت است و هر خلقی که در میان آسمان

ص: ۸۸

۱- مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۱۳ و ۴۱۴، در تفسیر سوره یس، فضل السوره.

است به عدد هر یک از ایشان دو هزار هزار حسنه از برای او بنویسد، و دو هزار هزار گناه از او محو فرماید و فقر و قرض و خانه برسرش فرود آمدن و به تعب و مشقت و دیوانگی و خوره و وسواس و دردهای ضرر رساننده مبتلا نشود، و حق تعالی سكرات و احوال مرگ را از او تخفیف دهد، و خود قبض روح او نماید و ضامن شود از برای او فراخی روزی را، در قیامت او را شاد گرداند و چندان ثواب به او کرامت فرماید که او راضی شود و حق تعالی خطاب فرماید به ملائکه آسمانها و زمین که من از فلان بنده راضی شدم برای او استغفار نمایم» (۱).

و به سند دیگر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام از بواسیر شکایت نمود، حضرت فرمود: یس را با عسل بنویس و حل کن و بخور» (۲).

و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «از برای رفع لک‌های سفید و برص که در بدن به هم رسد، سوره یس را با عسل بنویسند و بیاشامند» (۳).

و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «تعلیم نمایم [به] فرزندان خود سوره یس را که آن گلدسته قرآن است» (۴).

ص: ۸۹

-
- ۱- ثواب الاعمال، صدوق، ج ۱، ص ۱۳۹، فی ثواب قرائت سور.
 - ۲- مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۲۲۴، ۲۵۴۴ مسلسل.
 - ۳- همان، ص ۲۲۷، ح ۲۵۴۸ مسلسل.
 - ۴- امالی طوسی، ص ۶۷۷، مجلس ۳۷، ح ۱۳.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره وَالصَّافَّاتِ را در هر روز جمعه بخواند، پیوسته از جمیع آفتها و بلاها محفوظ باشد و در دنیا روزیش فراخ باشد و به بدن و مال و فرزندانش مکره‌هی نرسد نه از شیطان مردودی و نه از جبار معاندی، و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خدا او را شهید بمیراند و شهید مبعوث گرداند و با شهیدان او را داخل بهشت گرداند و در درجه شهیدان او را جای دهد».^(۱)

و به سند معتبر از سلیمان جعفری منقول است که: «حضرت امام موسی علیه السلام به فرزند خود قاسم فرمود: برخیز ای فرزند! بر بالای سر برادرت سوره وَالصَّافَّاتِ بخوان تا تمام کنی، او شروع به خواندن کرد چون به آیه «أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا» رسید قبض روحش شد، چون جامه بر روی میت کشیدند و بیرون آمدند، یعقوب بن جعفر به حضرت عرض کرد: چنین می دانستم که برای آسانی جان کندن، سوره یس را می باید خواند و شما فرمودید که وَالصَّافَّاتِ بخوانیم حضرت فرمود: وَالصَّافَّاتِ را بر سر هر کس که به شدت جان کندن گرفتار باشد بخوانند، البته حق تعالی راحتش را نزدیک می گرداند».^(۲)

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که از گزیدن عقرب ترسد این آیات را بخواند:

«سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ

ص: ۹۰

۱- مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۳۶، در تفسیر سوره صافات، فضل السوره.

۲- کافی، ج ۳، ص ۱۲۶، کتاب الجنایز، باب اذا عسر علی المیت، ح ۵.

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی خواهد که او را در قیامت به کیل وافی ثواب کامل بدهند، باید که بعد از هر نماز این آیه را بخواند:

«سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۲).

و در حدیث دیگر وارد شده است که «از هر مجلس که برخیزند و این آیه را بخوانند کفاره گناهان آن مجلس می شود» (۳).
«سوره ص»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ص را در شب جمعه بخواند حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آن قدر به او عطا فرماید که به هیچ احدی از خلق عطا نفرموده باشد مگر به پیغمبر مرسل یا ملک مقرب و او را داخل بهشت گرداند و هر که را او خواهد از اهل خانه اش حتی خادمی که او را خدمت می کرده است» (۴).
«سوره الزمر»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره زمر را بخواند حق

ص: ۹۱

۱- خصال، ج ۲، ص ۶۱۹، حدیث اربعمأه.

۲- قرب الاسناد، ص ۳۳، ح ۱۰۷، احادیث متفرقه.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۳۸، باب ۹۸، ح ۶۳، ح م ۱۱۳۲.

۴- مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۶۳، در تفسیر سوره ص، فضل السوره.

تعالی شرف دنیا و آخرت به او کرامت فرماید و او را عزیز گرداند بی مال و خویشان، به حدّی که هر که او را ببیند از او مهابتی در دلش به هم رسد و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند، و در بهشت از برای او هزار شهر بنا کنند که در هر شهری هزار قصر باشد و در هر قصری صد حوریه و از چشمه ها و حوران و درختان و میوه ها آنچه در قرآن وصف فرموده به او کرامت فرماید» (۱).

«سور الحوامیم»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره های «حم» گلستان قرآنند، پس حمد بگوئید و شکر کنید خدا را به حفظ کردن و تلاوت نمودن آنها. و به درستی که بنده بر می خیزد و «حم»ها را تلاوت می نماید، و از دهان او شمیمی بیرون می آید، خوشبوتر از مشک ناب و عنبر. و به درستی که هر که در هر روز این سوره های شریف را تلاوت نماید، حق تعالی رحمت می فرستد بر او و بر همسایگان و دوستان و آشنایان و جمیع اقربا و خویشان او. و در قیامت برای او استغفار می کنند عرش و کرسی و ملائکه مقربان» (۲).

و به سند دیگر، از آن حضرت منقول است که: «هر که حوامیم (۳) را در شبی پیش از خوابیدن بخواند، در بهشت در درجه محمد و آل محمد و

ص: ۹۲

۱- همان، ص ۴۸۷، در تفسیر سوره زمر، فضل السوره.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۴۱، مکتبه الصدوق.

۳- سوره های حوامیم، یعنی هفت سوره ای که با حروف مقطعه «حم» شروع می شوند: از سوره مؤمن ۴۰ تا سوره احقاف ۴۶..

ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام باشد»^(۱).

و فرمود که: «حوامیم بیایند در روز قیامت به صورت خوشرو ترین مردم و خوشبوترین آنها با هزار هزار ملک، تا بایستند نزد عرش حق تعالی، پس ربّ اعلی خطاب کند ایشان را که، کی شما را تلاوت می کرد و حق تلاوت شما را ادا می نمود؟

پس گروه بسیار بر خیزند که عدد ایشان را به غیر از خدا نداند. و خدا خطاب نماید ایشان را که، خوب کردید و نیکو تلاوت کردید «حوامیم» را در زندگانی دنیا، به عزت و جلال خود سوگند یاد می کنم که امروز هر حاجتی که از من بطلبید روا [خواهم کرد] اگر چه جمیع بهشت باشد و جمیع آنچه به بندگان [شایسته] خود داده ام.

پس هر چه ایشان سؤال و آرزو کنند، حق تعالی به ایشان تفضل کند. پس ایشان را به سوی منازل ایشان فرستد، که در بهشت برای ایشان مقرر ساخته. و مهیا کند برای ایشان در آن منازل آنچه چشمی ندیده و گوشه نشنیده و در خاطری خطور نکرده»^(۲).

«سوره المؤمن»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مؤمن را در هر شب بخواند حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و ایمان را از او سلب ننماید و آخرت را برای او بهتر از دنیا گرداند»^(۳).

ص: ۹۳

۱- نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۰، روایت ۶ به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی.

۲- همان.

۳- مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۱۲، در تفسیر سوره مؤمن، فضل السوره.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که حم سجده را بخواند حق تعالی در قیامت او را نوری عطا فرماید آن قدر که چشم کار کند، و او را سرور و شادی در آن روز کرامت فرماید، و در دنیا به حالی باشد که دیگران آرزوی حال او کنند.»^(۱) و در روایتی است که: «هر که این سوره را در شب جمعه بخواند، حق تعالی این ثواب او را کرامت فرماید.»

«سوره حمعسق»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر قرائت سوره حمعسق، چون در قیامت مبعوث شود روی او مانند برف سفید باشد و مانند آفتاب نورانی و چون به نزد عرش آید حق تعالی فرماید: ای بنده من! مداومت نمودی بر قرائت حمعسق و نمی دانستی که چه ثواب دارد و اگر منزلت آن سوره و ثوابش را می دانستی هرگز از خواندن او ملال به هم نمی رسانیدی و اکنون جزای خود را خواهی دانست. ای ملائکه! او را داخل بهشت گردانید و از برای او قصری مقرر ساخته ام از یاقوت سرخ، و درها و کنگره ها و دریچه هایش از یاقوت سرخ است، و از لطافت از اندرون بیرون را می توان دید و از بیرون اندرون را می توان دید، و در آن قصر دختران باکره جوان از حورالعین و هزار کنیز و هزار غلام از پسران گوشواره در گوش، یا پیوسته در حسن پاینده، به او عطا کرده ام.»^(۲)

ص: ۹۴

۱- همان، ج ۹، ص ۳، در تفسیر سوره سجده، فضل السوره.

۲- همان، ص ۲۰، در تفسیر سوره حمعسق، فضل السوره.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر قرائت سوره حم زخرف، خدا او را در قبر از جانوران زمین و از فشار قبر ایمن گرداند و چون او را به مقام حسنات بیاورند، به امر الهی او را داخل بهشت گردانند».^(۱)

«سوره الدخان»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره دخان را در نمازهای واجب و سنت بخواند، حق تعالی او را در زمره ایمان مبعوث گرداند و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را آسان کند و نامه او را بدست راست او دهند».^(۲)

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود که چگونه شب قدر را بشناسم؟ فرمود که چون ماه مبارک رمضان بیاید هر شب صد مرتبه سوره دخان را بخوان، چون شب بیست و سوم شود تصدیق خواهی نمود به آنچه سؤال نمودی».^(۳)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که این سوره را در شب جمعه بخواند، حق تعالی گناهان او را بیامرزد».^(۴)

ص: ۹۵

۱- همان، ص ۳۸، در تفسیر سوره زخرف، فضل السوره.

۲- همان، ص ۶۰، در تفسیر سوره دخان، فضل السوره.

۳- کافی، ج ۱، ص ۲۵۲، کتاب الحججه فی شأن ليله القدر، ذیل حدیث ۸.

۴- مجمع البیان، ج ۹، ص ۶۰، در تفسیر سوره دخان، فضل السوره.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره جاثیه را بخواند ثوابش آن است که جهنم را نبیند و آواز خروشش را نشنود و با رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم بوده باشد».^(۱)

«سوره الأحقاف»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر شب یا در هر جمعه سوره احقاف را بخواند، در دنیا خوفی به او نرسد و از فزع روز قیامت ایمن گردد».^(۲)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سوره های حم ریاحین بهشتند، پس چون توفیق خواندن آنها بیاید خدا را حمد و شکر بسیار کنید که توفیق تلاوت آنها به شما کرامت فرموده، به درستی که بنده ای که از خواب برخیزد و در نماز حوامیم بخواند از دهانش نسیمی خوشبوتر از مشک و عنبر بیرون آید و به درستی که حق تعالی رحم می کند تلاوت کننده و خواننده این سوره ها را و رحم می کند همسایگان و آشنایان و مصاحبان و خویشان او را در روز قیامت، عرش و کرسی و ملائکه مقرب از برای او استغفار می نمایند».^(۳)

ص: ۹۶

۱- همان، ص ۷۰، در تفسیر سوره جاثیه، فضل السوره.

۲- همان، ص ۸۱، در تفسیر سوره احقاف، فضل السوره.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۴۱، باب قرائه السور، باب ثواب قرائه حوامیم.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اَلَّذِينَ كَفَرُوا را بخواند، گناه نکند و در دین خود شک به هم نرساند و به فقر هرگز مبتلا نشود و هرگز از پادشاهی خوفی به او نرسد و همیشه از شرک و کفر محفوظ باشد تا بمیرد، و چون بمیرد حق تعالی هزار ملک به قبر او فرستد که نماز کنند و ثواب نماز ایشان از او باشد و چون از قبر بیرون آید، آن هزار ملک او را مشایعت کنند تا او را به محل ایمنان از خوف های قیامت بدارند و در امان خدا و رسول صلی الله علیه وآله وسلم باشد»^(۱).

«سوره الفتح»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حفظ نمایید اموال و زنان و بنده های خود را به خواندن سوره انا فتحنا، به درستی که کسی که بر خواندن این سوره مداومت نماید در روز قیامت منادی از جانب ربّ العزّه او را ندایی کند که همه خلائق بشنوند که تو از بندگان مخلص مایی. ای ملائکه! او را ملحق گردانید به بندگان شایسته من و او را داخل بهشت جاوید کنید و از شراب سر به مهر بهشت که با کافور ممزوج است به او بخورانید»^(۲).

و در بعضی روایات وارد شده است که: «هر که در شب ماه مبارک رمضان سوره انا فتحنا در نماز سنت بخواند در آن سال از بلاها محفوظ

ص: ۹۷

۱- مجمع البیان ج، ۹، ص ۹۵، در تفسیر سوره محمدصلی الله علیه وآله وسلم فضل السوره.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۴۲ باب ثواب قرائت السور، ثواب قرائت سوره فتح.

باشد» (۱).

و در حدیث دیگر منقول است که: «هر که در روز اول ماه مبارک رمضان دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا و در رکعت دوم حمد و هر سوره که خواهد بخواند، حق تعالی از او دور گرداند هر بدی را که در آن سال است، و پیوسته در حفظ و حمایت الهی باشد تا سال آینده» (۲).

«سوره الحجرات»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حجرات را بخواند در هر شبی یا در هر روزی، در بهشت از جماعتی باشد که به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مشرف می شوند» (۳).

«سوره ق»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره ق در نمازهای واجب و سنت، خدا روزی او را فراخ گرداند و نامه اش را بدست راست او دهد و او را حساب آسان کند» (۴).

«سوره الذاریات»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ذاریات را در روز یا

ص: ۹۸

۱- اقبال الاعمال، ص ۲۲، در اعمال شب اول ماه رمضان.

۲- همان، ص ۸۷، در اعمال روز اول ماه رمضان.

۳- مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۸، در تفسیر سوره حجرات، فضل السوره.

۴- همان، ص ۱۴۰، در تفسیر سوره ق، فضل السوره.

در شب بخواند خدا امر معیشت او را به اصلاح آورده و روزی او را وسعت دهد، و منور گرداند قبر او را به چراغی که نور بخشد تا روز قیامت».(۱)

«سوره الطور»

از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که سوره طور را بخواند، حق تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع نماید».(۲)

«سوره النجم»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره نجم را در هر شب یا در هر روز بخواند، در میان مردم به خیر و نام نیک زندگی نماید و گناهانش آمرزیده شود و محبوب دل‌های مردم گردد».(۳)

«سوره القمر»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اقتربت الساعة را بخواند، چون از قبر بیرون آید بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار شود».(۴)

ص: ۹۹

-
- ۱- همان، ص ۱۵۱، در تفسیر سوره ذاریات. فضل السوره.
 - ۲- همان، ص ۱۶۲، در تفسیر سوره طور، فضل السوره.
 - ۳- همان، ص ۱۷۰، در تفسیر سوره نجم، فضل السوره.
 - ۴- همان، ص ۱۸۴، در تفسیر سوره اقتربت، فضل السوره.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک نکنید قرائت سوره الرحمن را و خواندن آن را در نماز، به درستی که این سوره در دل منافقان قرار نمی گیرد، و حق تعالی این سوره را در روز قیامت به بهترین صورتهای در نهایت خوشبویی در صحرای محشر حاضر می گرداند و می آید در محل قرب و کرامت می ایستد، حق تعالی به او خطاب می فرماید: کی در زندگانی دنیا تو را در نماز می خواند و مداومت می نمود خواندن تو را؟ می گوید: خداوند فلان و فلان، پس حق تعالی رو های ایشان را سفید می گرداند و می فرماید: هر که را خواهید شفاعت نمایید؛ پس ایشان آن قدر که خواهند شفاعت می نمایند، پس به ایشان می گویند که داخل بهشت شوید و در هر جا که خواهید ساکن شوید» (۱).

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «مستحب است که بعد از نماز صبح و روز جمعه سوره الرحمن را بخوانی و هر مرتبه که بگویی فَبَآئِ آآءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ بگویی لَا بَشِيءٌ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ» (۲).

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: «هر که سوره الرحمن را بخواند و در هر مرتبه که بگوید، فَبَآئِ آآءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ بگوید لَا بَشِيءٌ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ اگر در شب بخواند و در آن شب بمیرد، شهید مرده و اگر در روز بخواند و در آن روز بمیرد، شهید مرده باشد» (۳).

ص: ۱۰۰

۱- همان، ص ۱۹۵، در تفسیر سوره الرَّحْمَن، فضل السوره.

۲- همان.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۴۴، ثواب قرائه السور، ثواب قرائه الرَّحْمَن.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در هر شب جمعه سوره واقعه بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست او گرداند و در دنیا بدحالی و فقر و احتیاج نبیند و به هیچ آفتی و بلایی مبتلا نشود و از رفقای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص آن حضرت است»^(۱).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که مشتاق بهشت و وصف آن باشد سوره اذا وقعت را بخواند و هر که خواهد وصف جهنم را ملاحظه نماید سوره الم سجده را بخواند»^(۲).

و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره واقعه را در هر شب پیش از آن که بخوابد بخواند، در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده نورانی باشد»^(۳).

و به سند معتبر از اسماعیل بن عبد الخالق منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز نشسته می کردند، و در آن دو رکعت صد آیه می خواندند و می فرمودند: هر که این دو رکعت را بخواند و صد آیه در این دو رکعت بخواند، او را در آن شب از غافلان نویسند و اسماعیل گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این دو رکعت وتیره اذا وقعت و قل هو الله می خواندند»^(۴).

ص: ۱۰۱

-
- ۱- مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السوره.
 - ۲- ثواب الاعمال، ص ۱۴۴، ثواب قرائه السور، ثواب قرائه الواقعه، ح ۲.
 - ۳- مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السوره.
 - ۴- بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۰۸، باب ۵، ح ۵، نقل از فلاح السائل.

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که در هر شب این سوره را بخواند، هرگز فقیر و پریشان نشود».^(۱)

«سوره الحديد و مجادله»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حديد و مجادله را در نماز فریضه بخواند و مداومت نماید خدا او را عذاب نکند و در خودش و اهلش بدحالی و احتیاج نبیند».^(۲)

«سوره الحشر»

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که سوره حشر را بخواند جمیع خلق خدا از بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و حجب و آسمان های هفتگانه و زمینهای هفتگانه و هوا و باد و مرغان و درختان و کوهها و آفتاب و ماه و ملائکه همه بر او صلوات فرستند و از برای او استغفار کنند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد با شهادت مرده باشد».^(۳)

«سوره الممتحنه»

از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و سنت بخواند، خدا دل او رابه ایمان امتحان نماید و دیده اش را نور بدهد و خود و فرزندانش را به فقر و دیوانگی

ص: ۱۰۲

۱- مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۱۲، در تفسیر سوره واقعه، فضل السوره.

۲- همان، ص ۲۲۹، در تفسیر سوره حديد، فضل السوره.

۳- همان، ص ۲۵۵، در تفسیر سوره حشر، فضل السوره.

«سوره صَف»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره صف در نمازهای واجب و سنت، خدا او را در صف ملائکه و انبیاء علیهم السلام جا دهد» (۲).

«سوره الجمعه و سوره المنافقین»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «واجب و لازم است بر هر که شیعه ما باشد که در نماز شام و خفتن شب جمعه، سوره جمعه و سَبِّح اسم رَبِّكَ الاعلی بخواند و در نماز ظهر، سوره جمعه و منافقین بخواند، چون چنین کند؛ چنان باشد که به عمل حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم عمل نموده باشد، و ثواب او نزد خدا بهشت باشد» (۳).

«سوره تغابن»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره تغابن را در هر نماز واجبی بخواند، آن سوره روز قیامت شفیع او باشد و گواه عادل باشد که شهادت دهد برای او نزد کسی که شهادت او را قبول فرماید. و از او جدا

ص: ۱۰۳

۱- همان، ص ۲۶۷، در تفسیر سوره ممتحنه، فضل السوره.

۲- همان، ص ۲۷۷، در تفسیر سوره صف، فضل السوره.

۳- همان، ج ۱۰، ص ۲۸۳، در تفسیر سوره جمعه، فضل السوره.

نشود تا او را داخل بهشت گرداند».(۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره های مسَبِّحات را همه پیش از خواب بخواند، نمیرد تا حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین را درک نماید، و اگر بمیرد او را در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم جا دهند».(۲)

«سوره الطلاق و التَّحْرِیم»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره طلاق و تحریم را در نماز واجب بخواند، خدا او را در قیامت پناه دهد از خوف و اندوه، و از آتش جهنم عافیت یابد. و او را داخل بهشت گرداند به سبب تلاوت کردن و محافظت نمودن حرمت این دو سوره، زیرا این دو سوره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم اند».(۳)

«سوره المُلک»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره تبارک الذی بیده الملک را در شب در نماز واجب پیش از خواب بخواند، پیوسته در امان الهی باشد تا صبح شود، و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود».(۴)

ص: ۱۰۴

۱- همان، ج ۱۰، ص ۲۹۶، در تفسیر سوره تغابن، فضل السوره.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۳.

۳- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۲، در تفسیر سوره طلاق، فضل السوره.

۴- همان، ص ۳۲۱، در تفسیر سوره ملک، فضل السوره.

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «سوره ملک مانعی است که از عذاب قبر منع می کند و نامش در تورات سوره الملک است، و هر که در شب بخواند بسیار عبادت و تلاوت کرده و نیکو کرده است، و در آن شب او را از غافلان ننویسند، و به درستی که من در نماز و تیره بعد از نماز خفتن، نشسته می خوانم و پدرم در روز و شب هر دو را می خواند».

و هر که این سوره را بخواند چون نکیر و منکر به قبر او در آیند چون از جانب پاهایش بیایند پاها به ایشان گویند که شما را از جانب ما راهی نیست؛ زیرا این بنده هر شب و روز برپا می ایستاد و سوره ملک را می خواند، و چون از جانب شکمش بیایند، شکمش به ایشان خطاب نماید که شما را از جانب من راهی نیست، به درستی که این بنده در من جا داده بود سوره ملک را، و چون از جانب زبان بیایند به ایشان گوید که شما را از جانب من راهی نیست، زیرا که این بنده هر شب و روز سوره ملک را تلاوت می نموده و بر من جاری می ساخت»^(۱).

«سوره قلم»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ن والقلم را در نماز فریضه یا نافله بخواند، خدا او را ایمن گرداند از این که هرگز به فقر مبتلا شود، و چون بمیرد او را از فشار قبر نجات دهد»^(۲).

ص: ۱۰۵

۱- همان، ص ۳۲۰، در تفسیر سوره ملک، فضل السوره.

۲- همان، ص ۳۳۰، در تفسیر سوره قلم، فضل السوره.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار بخوانید سوره حاقه را، به درستی که خواندن آن در فرایض و نوافل از ایمان به خدا و رسول است، زیرا این سوره در واقعه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و معاویه علیه الهاویه نازل شده است و هر که این سوره را بخواند تا هنگام مردن ایمان از او برطرف نشود». (۱)

«سوره المعارج»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار بخوانید سوره سئل سائل را، که هر که این سوره را بسیار بخواند، حق تعالی در قیامت از هیچ گناه از او سؤال ننماید و او را در بهشت با رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم ساکن گرداند». (۲)

«سوره نوح»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که ایمان به خدا و خواندن قرآن دارد، باید که خواندن سوره نوح علیه السلام را ترک ننماید، به درستی که هر بنده که این سوره را برای خدا در نماز واجبی و سنتی بخواند، خدا او را در مساکن نیکوکاران ساکن گرداند و سه بهشت دیگر او را کرامت فرماید و دویست حوریّه و چهار هزار زن به او تزویج فرماید». (۳)

ص: ۱۰۶

۱- همان، ص ۳۴۲، در تفسیر سوره الحاقه، فضل السوره.

۲- همان، ص ۳۵۱، در تفسیر سوره المعارج، فضل السوره.

۳- همان، ص ۳۵۹، در تفسیر سوره نوح، فضل السوره.

«سوره الجن»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره جن را بسیار بخواند، در دنیا از چشم جنیان و دمیدن ها و سحر و مکر ایشان محفوظ باشد، و در بهشت از رفقای حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باشد». (۱)

«سوره المزمّل»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره مزمّل را در نماز خفتن یا در نماز شب بخواند، شب و روز و آن سوره هر سه شاهد و گواه او باشند در قیامت، و خدا او را با زندگانی نیکو زنده دارد، و به مردن نیکو بمیراند». (۲)

«سوره المدثر»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در نماز واجب سوره مدثر را بخواند، بر خدا لازم است که او را در جوار حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم جا دهد، و در زندگانی دنیا هرگز شقاوت، او را در نیابد». (۳)

«سوره القیامه»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید سوره لا اقسام را و به آن عمل نماید خدا او را با حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم محشور

ص: ۱۰۷

۱- همان، ص ۳۶۵، در تفسیر سوره جن، فضل السوره.

۲- همان، ص ۳۷۵، در تفسیر سوره مزمّل، فضل السوره.

۳- همان، ص ۳۸۳، در تفسیر سوره مدثر، فضل السوره.

گرداند در بهترین صورتها، و آن حضرت او را بشارت فرماید و بر رویش خندد تا از صراط و میزان او را بگذراند»^(۱).

«سوره الدَّهْر»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره هل اتی عَلَى الْإِنْسَانِ را در هر صبح پنجشنبه بخواند، خدا به او هشتصد دختر باکره و چهار هزار زن و حورالعین کرامت فرماید و با حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم باشد»^(۲).

و به سند معتبر از عَلِيُّ بْنِ عَمْرٍو منقول است که: «به خدمت امام علی النقی علیه السلام رفتم در روز سه شنبه، حضرت فرمود که دیروز تو را ندیدم! گفتم: نخواستم در روز دوشنبه حرکت کنم، حضرت فرمود: هر که خواهد که خدا او را از شرّ روز دوشنبه نگاه دارد باید در رکعت اول نماز صبح آن روز سوره هَيْلُ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ بخواند، چنانچه حق تعالی در آن سوره می فرماید: «پس خدا ایشان را نگاه داشت از شرّ آن روز و به استقبال ایشان فرستاد نصرت و خوشحالی و سرور و شادی را»^(۳).

و در حدیث رجاء بن ضحاک وارد است که: «حضرت امام رضاعلیه السلام در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه، در رکعت اول «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ می خواندند و در رکعت دوم هَلْ أَتَىكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ»^(۴).

ص: ۱۰۸

۱- همان، ص ۳۹۳، در تفسیر سوره قیمة، فضل السوره.

۲- همان، ص ۴۰۲، در تفسیر سوره انسان، فضل السوره.

۳- امالی طوسی، ص ۲۲۴، مجلس ۸، ح ۳۹.

۴- عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۵.

«سوره المرسلات و النبأ و سوره النازعات»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره و المرسلات را بخواند، حق تعالی میان او و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را آشنایی بیندازد». (۱)

«و هر که هر روز سوره عمّ يتساءلون را بخواند، از دنیا نرود تا توفیق زیارت کعبه بیابد». (۲) «و هر که سوره نازعات را بخواند نمیرد مگر سیراب، و مبعوث نشود مگر سیراب، و داخل بهشت نشود مگر سیراب». (۳)

«سوره عبس و سوره کوزت»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره عبس و تولی و سوره اذا الشمس کوزت را بخواند، در حفظ الهی باشد از خیانت، و در سایه کرامت و مرحمت الهی باشد تا زنده [است]». (۴)

«سوره الأنفطار و سوره المطففین و سوره الأنشاق»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اذا السماء انفطرت و اذا السماء انشقت را در فریضه یا نافله بسیار بخواند، خدا هیچ حاجت او را ردّ نماید و او را هیچ مانعی از خدا دور نگرداند در آخرت، پیوسته او نظر به کرامتهای الهی نماید و خدا نظر رحمت به او بدارد تا از حساب خلاص شود»

ص: ۱۰۹

-
- ۱- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۴، در تفسیر سوره مرسلات، فضل السوره.
 - ۲- همان، ص ۴۲۰، در تفسیر سوره نبأ، فضل السوره.
 - ۳- همان، ص ۴۲۸، در تفسیر سوره نازعات، فضل السوره.
 - ۴- همان، ص ۴۳۵، در تفسیر سوره عبس، فضل السوره.

فارغ شود».(۱)

و به سند دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در نماز واجب سوره ویل للمطففین بسیار بخواند، حق تعالی در قیامت برات ایمنی از آتش جهنم به او کرامت فرماید و او را بی حساب به بهشت برد».(۲)

«سوره البروج»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره والسیماء ذات البروج را در فرایض بخواند، چون سوره پیغمبران است، حق تعالی او را در قیامت با پیغمبران و مرسلان و صالحان محشور گرداند و با ایشان او را باز دارد».(۳)

«سوره الطارق»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره والسیماء والطارق را در فرایض بخواند، او را در قیامت نزد خدا قدر و منزلت عظیم بوده باشد و از رفقای پیغمبران باشد در بهشت».(۴)

«سوره الأعلى»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ

ص: ۱۱۰

۱- همان، ص ۴۴۷، در تفسیر سوره انفطار، فضل السوره.

۲- همان، ص ۴۵۱، در تفسیر سوره مطففین، فضل السوره.

۳- همان، ص ۴۶۳، در تفسیر سوره بروج، فضل السوره.

۴- همان، ص ۴۶۹، در تفسیر سوره طارق، فضل السوره.

الأعلى را در فریضه یا نافله بخواند، در روز قیامت به او گویند که از هر در از درهای بهشت که می خواهی داخل شو.» (۱)

«سوره الغاشیه»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره هیل اَیْکَ حَیْدِیْتُ الغاشیه در نماز واجب یا سنّت، خدا او را فرو گیرد به رحمت خود در دنیا و آخرت، و در روز قیامت برات ایمنی از عذاب جهنم به او کرامت فرماید.» (۲)

«سوره الفجر»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بخوانید سوره فجر را در نمازهای فریضه و نافله که آن سوره حضرت امام حسین علیه السلام است و هر که این سوره را بخواند در بهشت در جوار آن حضرت باشد.» (۳)

«سوره البلد»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره لا- اُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ را در نماز واجب بخواند، در دنیا از جمله صالحان معروف شود، و در آخرت معروف گردد که او را منزلت عظیم نزد حق تعالی هست، و در قیامت از

ص: ۱۱۱

-
- ۱- همان، ص ۴۷۳، در تفسیر سوره اعلی، فضل السوره.
 - ۲- همان، ص ۴۷۷، در تفسیر سوره غاشیه، فضل السوره.
 - ۳- همان، ص ۴۸۱، در تفسیر سوره فجر، فضل السوره.

رفقای پیغمبران و شهیدان و صالحان باشد» (۱).

«سوره الشمس و سوره الليل»

«و سوره الضحی و سوره الم نشرح»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بسیار بخواند در روزی یا در شبی سوره وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا و سوره وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى و سوره وَالضُّحَى و الْم نَشْرَحْ را، هر چیز که نزد او حاضر باشد در قیامت برای او شهادت دهد، حتی مو و پوست و گوشت و خون و عروق و عصب ها و استخوانها و جمیع اعضای او، حق تعالی بفرماید که: من شهادت شما را قبول کردم از برای بنده خود، ای ملائکه! ببرید او را به بهشت و هر جا که او اختیار نماید به او عطا کنید. گوارا باد فضل و رحمت من از برای بنده من» (۲).

«سوره التین»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره وَالتِّينِ را در فرایض و نوافل خود بخواند، عطا فرمایند به او از بهشت هر جا که به پسندد» (۳).

«سوره العلق»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در روز یا در شب سوره

ص: ۱۱۲

۱- همان، ص ۴۹۰، در تفسیر سوره بلد، فضل السوره.

۲- همان، ص ۴۹۶، در تفسیر سوره شمس، فضل السوره.

۳- همان، ص ۵۱۰، در تفسیر سوره تین، فضل السوره

إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، در آن روز یا در آن شب بمیرد، چنان باشد که شهید مرده باشد و خدا او را با شهیدان محشور گرداند، و چنان باشد که در راه خدا در میان لشکر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جهاد کرده باشد». (۱)

«سوره القدر»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** را بلند بخواند، چنان باشد که شمشیر کشیده باشد و در راه خدا جهاد کند، و اگر آهسته بخواند، چنان باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود دست و پا زند، و هر که ده بار بخواند، خدا هزار گناه از گناهان او را محو نماید». (۲)

و به روایت دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را در نماز فریضه بخواند، منادی از جانب حق تعالی ندا فرماید که: خدا گناهان گذشته تو را آمرزید؛ عمل را از سر گیر». (۳)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که پیش از طلوع آفتاب **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را بخواند در آن روز به گناهی مبتلا نشود؛ هر چند شیطان سعی نماید». (۴)

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «به درستی که حق تعالی را در روز جمعه هزار نفعه و نسیم از رحمت خود

ص: ۱۱۳

-
- ۱- همان، ص ۵۱۲، در تفسیر سوره علق. فضل السوره.
 - ۲- همان، ص ۵۱۶، در تفسیر سوره قدر، فضل السوره.
 - ۳- همان، در تفسیر سوره قدر، فضل السوره.
 - ۴- خصال صدوق، ج ۲، ص ۶۲۲، حدیث اربعمأه.

هست. هر بنده ای را آنچه خواهد از او عطا می فرماید، پس هر که سوره *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ* را بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه بخواند حق تعالی آن نفعه رحمت را و مثل آن را به او عطا فرماید» (۱).

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون شب ماه مبارک رمضان درآید، در هر شب هزار مرتبه *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ* را بخوان و چون شب بیست و سیم درآید، دل خود را محکم بدار و گوشه‌های خود را بگشا از برای شنیدن عجایب از آنچه خواهی دید» (۲).

و به سندهای معتبر از آن حضرت منقول است که: «اگر کسی در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ* را هزار مرتبه بخواند، چون صبح کند، یقین او شدید و محکم شده باشد به اعتراف نمودن به چیزی چند که مخصوص ما است از غرایب فضایل، و نیست این مگر به سبب چیزی که در خواب مشاهده نماید» (۳).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که جامه نوی ببرد *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ* را سی و شش مرتبه بخواند و در هر مرتبه چون برسد به *تَنْزَلَ الْمَلَائِكَةُ* اندکی آب بردارد و بر جامه بپاشد، پاشیدن سهلی، پس دو رکعت نماز در آن جامه بخواند و دعا کند و در دعا بگوید: «*الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَأُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُصَلِّي فِيهِ لِرَبِّي*» و حمد الهی بکند؛ پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود» (۴).

ص: ۱۱۴

-
- ۱- امالی صدوق، مجلس ۸۸، ص ۴۸۵، ح ۱۱.
 - ۲- اقبال الاعمال، ص ۶۴، در اعمال شب قدر.
 - ۳- همان، ص ۲۱۱، در اعمال شب ۲۳، ماه رمضان.
 - ۴- ثواب الاعمال، ص ۴۴، ح ۱ ثواب قرائه سوره القدر عند قطع الثوب.

و به سند معتبر منقول است که: «چون حضرت امام رضا علیه السلام جامه نو می پوشیدند، قدحی آب میطلبیدند و ده مرتبه اَنَا أَنْزَلْنَاهُ وَ دَهْ مَرْتَبَةً قُلُّهُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ دَهْ مَرْتَبَةً قُلُّهُ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بر آن ظرف می خواندند و بعد از آن، آن آب را بر جامه میپاشیدند و می فرمودند: هر که پیش از پوشیدن جامه چنین کند پیوسته در فراخی عیش باشد، مادامی که تاری از آن باقی باشد» (۱).

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «چون حق تعالی جامه نوی به کسی عطا فرماید، باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی بعد از حمد، آیه الکرسی و قُلُّهُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و اَنَا أَنْزَلْنَاهُ بخواند، بعد از آن حمد کند خداوندی را که عورت او را به جامه پوشیده و او را در میان مردم زینت بخشیده و کلمه لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بسیار بگوید، و کسی که چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و به عدد هر تاری که در آن جامه باشد خدا ملکی موکل گرداند که تقدیس خدا کند و از برای او استغفار نماید و بر او دعا و ترحم کند» (۲).

و در روایت دیگر وارد شده است که: «هر که قدحی برگیرد و آبی در آن قدح ریزد و سی و پنج مرتبه سوره اَنَا أَنْزَلْنَاهُ را بر آن قدح بخواند و آب را بر جامه خود پاشد پیوسته در وسعت باشد تا آن جامه کهنه شود» (۳).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «از برای عوذ از بلاها سبوی تازه می گیری و از آب پر می کنی و سی مرتبه سوره اَنَا أَنْزَلْنَاهُ

ص: ۱۱۵

۱- عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱، باب ۲۸.

۲- خصال صدوق، ص ۶۲۳، حدیث اربعماه.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۷، باب فی الدعاء، ح ۸، ح مسلسل ۶۶۸.

ششم: آن که در امان خدا باشد تا صبح.

هفتم: آن که حق تعالی ملکی خلق نماید که کف دست او بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین باشد و در موضع هر ذره از بدن او مویی باشد و هر مویی به قوت جن و انس استغفار کنند برای صاحب این عمل تا روز قیامت» (۱).

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «نوری که در قیامت با مؤمنان می باشد، نور سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ است و فرمود: هر که این سوره را در نماز بخواند، نماز او در علین بالا-رود و مقبول می شود و ثوابش مضاعف گردد، و هر که این سوره را بخواند و دعا کند دعایش به لوح محفوظ بالا-رود و مستجاب گردد، و هر که این سوره را بخواند محبت او در دلهای مردم به هم رسد، و هر که حاجتی از کسی خواهد چون نزد او رود این سوره را بخواند تا حاجتش برآورده شود، و هر که از پادشاهی یا ظالمی ترسد در وقتی که نظرش بر او می افتد این سوره را بخواند از شر او ایمن گردد، و کسی که با شخصی منازعه و دعوایی داشته باشد این سوره را بخواند بر خصم غالب آید، و خواننده این سوره هنوز فارغ نمی شود از خواندن که برات بیزاری او از آتش جهنم نوشته می شود» (۲).

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است: «هر که در شبی صد مرتبه این سوره را بخواند پیش از صبح بهشت را می بیند» (۳).

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت صادق علیه السلام

ص: ۱۱۷

۱- بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۲۹، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی.

۲- بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۳۰، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی.

۳- همان، ص ۳۳۱، باب ۱۱۰، ذیل حدیث ۱۰، به نقل از کفعمی.

عرض نمود که هشت دختر مرا به هم رسیده و روی پسر تا حال ندیده ام، دعا فرما که خدا مرا پسری کرامت فرماید، حضرت فرمود: چون می نشینی که مشغول جماع شوی دست راست خود را بر طرف راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه اَنَا أَنْزَلْنَاهُ بخوان و بعد از آن مشغول شو و چون حمل ظاهر شود در شب هر وقت که از پهلو به پهلو گردی باز دست بر جانب راست نافش بگذار و هفت مرتبه آن سوره را بخوان، آن شخص گفت: چنین کردم، هفت پسر از پی یکدیگر خدا مرا روزی کرد». (۱)

و به سند معتبر منقول است از ابی عمرو که گفت: «بسیار حالم پریشان شد از فقر و احتیاج، به خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشتم حال خود را، حضرت فرمود: مداومت کن بر قرائت سوره اَنَا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ، من یک سال خواندم و اثری ندیدم، بار دیگر به خدمت حضرت نوشتم حال خود را و عرض کردم که از خواندن آن سوره نفعی به من نرسید، حضرت به من نوشتند آن را که یک سال خوانده ای کافی است، الحال سوره اَنَا أَنْزَلْنَاهُ را بخوان، من چنین کردم، بعد از اندک وقتی ابن ابی داود قرضم را ادا کرد، و وظیفه ای برای من و عیالم مقرر کرد و مرا وکیل کرد و به بصره فرستاد، و پانصد درهم برای من مقرری قرار داد و من از بصره نامه نوشتم به خدمت حضرت امام علی النَّقَّی علیه السلام و به علی بن مهزیار دادم و فرستادم و در آن نامه نوشتم که به پدرت حال خود را عرض نمودم و به من چنین نوشت و عمل کردم، حالم خوب شده است می خواهم بفرمایی که آیا اکتفا کنم به خواندن سوره اَنَا أَنْزَلْنَاهُ در نمازهای واجب و سنت، یا در غیر

ص: ۱۱۸

نماز هم می باید خواند و اندازه اش بفرمایی که چه مقداری باید خواند؟ حضرت نوشتند: هیچ سوره از قرآن را ترک مکن نه کوچک و نه بزرگ، و از خواندن اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ در شبانه روزی صد مرتبه کافی است».(۱)

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است: «هر که بعد از نماز عصر ده مرتبه اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بخواند مثل اعمال جمیع خلائق از ثواب به او کرامت فرمایند».(۲)

و به سند معتبر منقول است که: «حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون در ماه تازه داخل می شدند، در روز اول ماه دو رکعت نماز می کردند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ می خواندند و بعد از نماز آنچه میسر بود تصدق می نمودند و سلامتی آن ماه را به این عمل می خریدند».(۳)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است: «هر که سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال شمس ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند، دو هزار ملک در سی سال ثواب آن را بنویسند و فرمود: هر که هفت مرتبه بعد از طلوع صبح بخواند، هفتاد صف از ملائکه، هفتاد صلوات و هفتاد رحمت بر او بفرستند».(۴)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را هزار مرتبه در روز دوشنبه و هزار مرتبه در روز پنجشنبه بخواند، حق تعالی از آن ملکی خلق

ص: ۱۱۹

-
- ۱- کافی، ج ۵، باب النوادر، ص ۳۱۶، ح ۵۰.
 - ۲- وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۲۷، ص ۱۰۵۳، ح ۳.
 - ۳- بحار، ج ۹۷، باب ۱، ص ۱۳۳، ح ۱، ذیل حدیث.
 - ۴- همان، ج ۹۲، باب ۱۱۰، ص ۳۳۰، ذیل حدیث ۱۰.

نماید که کف دست او از هفت آسمان و هفت زمین بزرگتر باشد و در بدن او هزار هزار مو خلق کند و از هر مویی هزار هزار زبان بیافریند که هر زبانی به قوت جمیع انس و جن استغفار نمایند برای خواننده این سوره، و حق تعالی ثواب استغفار ایشان را دو هزار هزار مرتبه مضاعف گرداند» (۱).

و به سند معتبر منقول است که: «ابوعلی بن راشد به خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض نمود که شما به محمد بن الفرّج نوشته بودید بهترین سوره ها که در نماز واجب خوانند اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است و بر من دشوار است که این دو سوره را در نماز صبح بخوانم، حضرت فرمود: بر تو گران نباشد و الله که فضیلت در این دو سوره است» (۲).

و به سند صحیح منقول است که: «حمیری به خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نوشت که از آباء شما به ما رسیده است حدیثی که عجب دارم از کسی که اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ در نمازش نمی خواند چگونه نمازش مقبول می شود» (۳).

و روایتی دیگر رسیده است: «نمازی که در آن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نخوانند مُرَّکَی و مقبول نیست و در روایت دیگر رسیده که هر که در نماز واجبش سوره هُمَزَه را بخواند خیر دنیا به او می دهند، پس آیا جایز است که هُمَزَه و آن دو سوره را ترک نماید؟ حضرت در جواب نوشتند: ثواب این سوره ها که به شما رسیده، حق است و اگر سوره ای را که ثوابی در آن سوره به شما رسیده باشد، ترک کنید و قُلْ هُوَ اللَّهُ و اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بخوانید از برای فضیلت این دو سوره ثواب این دو سوره را می یابید با ثواب آن سوره که ترک

ص: ۱۲۰

۱- همان، ص ۳۳۱، ذیل حدیث ۱۰.

۲- کافی، ج ۳، ص ۳۱۵، باب قرائه القرآن، ح ۱۹.

۳- غیبه شیخ طوسی، ص ۳۷۷، ح ۳۴۵، در ذکر بعض التّوقیعات.

کرده اید؛ و اگر غیر این دو سوره را هم بخوانید، جایز است و نماز شما تمام و کامل است؛ ولیکن ترک افضل کرده خواهید بود» (۱).

«سوره البینه»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره لَمْ یُکُنْ را بخواند از شرک بیزار گردد و دین پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم برای او کامل شود و در قیامت داخل مؤمنان کامل مبعوث شود و خدا او را حساب نماید حساب آسان» (۲).

«سوره الزلزله»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ملال به هم مرسانید از خواندن سوره إِذَا زُلْزِلَتْ، به درستی که هر که در نمازهای نافله این سوره را بسیار خواند، هرگز خدا او را به زلزله و صاعقه و آفت های عظیم دنیا مبتلا نگرداند و او را به این آفتها نمیراند و در وقت جان کندن ملک بزرگواری از جانب پروردگارش به نزد او بیاید و بر بالای سرش بایستد و به ملک الموت از جانب حق تعالی بگوید: با رفیق و مدارا سر کن با دوست خدا، که خدا را به خواندن سوره إِذَا زُلْزِلَتْ بسیار یاد می کرد و این سوره نیز سفارش به ملک الموت کند، پس ملک [الموت گوید: حق تعالی مرا چنین امر فرموده است که سخن او را بشنوم و اطاعت او بکنم و تا امر نکند قبض روحش نکنم، پس ملک الموت نزد او باشد تا پرده از پیش دیده مؤمن برگیرند و جای خود را در بهشت ببیند و بعد از دیدن او را امر نماید که قبض

ص: ۱۲۱

۱- همان.

۲- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۱، در تفسیر سوره بینه، فضل السوره.

روح بکن، پس ملک الموت در نهایت ملایمت و آسانی قبض روح او بکند و هفتاد هزار ملک روح او را مشایعت کنند و به زودی به بهشت رسانند»^(۱).

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که چهار مرتبه إِذَا زُلْزِلَتْ بخواند چنان است که تمام قرآن را خوانده است»^(۲).

«سوره العادیات»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره والعادیات با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام محشور شود و در بهشت از رفقای آن حضرت باشد»^(۳).

«سوره القارعه»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قارعه را بسیار تلاوت نماید خدا او را از فتنه دجال در دنیا و از حرارت جهنم در آخرت امان بخشد»^(۴).

ص: ۱۲۲

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۲۶، باب فضل القرآن، ح ۲۴.

۲- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۳۳، باب ۱۱۲، ح ۱، عیون اخبار الرضا علیه السلام.

۳- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۷، در تفسیر سوره عادیات، فضل السوره.

۴- همان، ص ۵۳۰، در تفسیر سوره قارعه، فضل السوره.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ را در نماز واجب خواند حق تعالی ثواب صد شهید برای او بنویسد و هر که در نافله بخواند ثواب پنجاه شهید خدا برای او بنویسد و در نماز واجبش چهل صف از ملائکه با او نماز کنند». (۱)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که سوره اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ را در وقت خواب بخواند خدا او را از عذاب قبر نگاه دارد». (۲)

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که سوره والعصر را در نمازهای نافله بخواند خدا او را در روز قیامت با روی نورانی و دندان خندان و چشم روشن و خوشحال مبعوث گرداند تا او را داخل بهشت کند». (۳)

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ را در نمازهای فریضه بخواند خدا فقر را از او دور گرداند و روزی او را فراخ نماید و او را به مرگ بد نماند». (۴)

۱- همان، ص ۵۳۲، در تفسیر سوره تکاثر، فضل السوره.

۲- همان، ص ۵۳۳ در تفسیر سوره تکاثر، فضل السوره.

۳- همان، ص ۵۳۵، در تفسیر سوره عصر، فضل السوره.

۴- همان، ص ۵۳۶، در تفسیر سوره همزه، فضل السوره.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در نمازهای واجب سوره اَلَمْ تَرَ كَيْفَ رَا بِخَوَانِدِ بَرَاىِ اَو شَهَادَتِ دَهِنْدِ
دَر قِيَامَتِ هَر دَشْتِ وَ كَوَهِي وَ كَلُوخِي كِه اَو اَز جَمَلِه نَمَازِ گَنذَارَانِ بُوَدِه اَسْتِ وَ حَقِّ تَعَالَى نَدَا فَرْمَايِد: رَاسْتِ گَفْتِيْد، شَهَادَتِ
شَمَا رَا قَبُوْلِ كَرْدَم؛ اَيِ مَلَائِكَه! اَو رَا بِي حَسَابِ دَاخِلِ بَهْشْتِ كَنِيْد كِه مَن اَو رَا وَ عَمَلِ اَو رَا دُوَسْتِ مِي دَارَم.» (۱)

وَ هَمچِنِيْنِ اَز اَن حَضْرَتِ مَنقُوْلِ اَسْت كِه: «هَر كِه سُوْرَه لَآيِلَافِ رَا بَسِيَارِ تَلَاوَتِ نَمَايِد چَوْنِ مَبْعُوْثِ شُوْد، بَر اَسْبَانِ
بَهْشْتِ سُوَارِ شُوْد تَا بَر سَرِ مَائِدِه نُوْرِ بَنَشِيْنِد.» (۲) بَدَانِ كِه مَشْهُوْرِ مِيَاْنِ عِلْمَا اَن اَسْت كِه يَكِي اَز اَيْنِ دُو سُوْرَه رَا بِه تَنْهَائِي دَر
نَمَازِ وَاجِبِ نَمِي تُوَانِ خَوَانِد، بَلَكِه اِگَرِ خَوَانِدِ بَاهَمِ مِي بَايِدِ خَوَانِدِ وَ هَمچِنِيْنِ اَسْت حَكْمِ وَالضُّحَى وَالْمِ نَشْرُحِ.

«سوره الماعون»

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اَرَايْتِ اَلَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِيْنَ رَا دَر نَمَازِهَايِ فَرِيضَه وَ نَافَلَه
بِخَوَانِدِ اَز جَمَاعَتِي بَاشَد كِه خُدا نَمَازِ وَ رُوْزَه اَيْشَانِ رَا قَبُوْلِ فَرْمُوْدِه اَسْت وَ اَو رَا دَر قِيَامَتِ بِه اَعْمَالِ دُنْيَا حَسَابِ نَكْنَنْد.» (۳)

ص: ۱۲۴

۱- همان، ص ۵۳۹، در تفسیر سوره فیل، فضل السوره.

۲- همان.

۳- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۶، در تفسیر سوره ماعون، فضل السوره.

از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام منقول است که: «هر که سوره اِنَّا اَعْطَيْنَا رَا در نمازهای فریضه و نافله بسیار بخواند خدا در قیامت او را از حوض کوثر آب دهد و او را در زیر درخت طوبی در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم جا دهد.» (۱)

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ را در نماز فریضه بخواند خدا او را و پدر و مادرش را و فرزند پدر و مادرش را بیامرزد، و اگر شقی باشد نام او را از دیوان اشقیاء محو نماید و در دیوان سعدا بنویسد و او را در زندگی دنیا سعادت مند بدارد و او را شهید بمیراند و شهید مبعوث گرداند.» (۲)

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «پدرم می فرمود: قُلْ هُوَ اللَّهُ ثَلَاثَ قُرْآنَ است و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ربع قرآن.» (۳)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: هر که وقتی که به رختخواب رود و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند خدای تعالی بیزاری از شرک از برای او بنویسد.» (۴)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت

۱- ثواب الاعمال، ص ۱۵۵، فی ثواب قرائه السور.

۲- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۱، در تفسیر سوره کافرون، فضل السوره.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۲۱، باب فضل القرآن، ح ۷.

۴- همان، ص ۶۲۶، باب فضل القرآن، ح ۲۳.

رسول صلی الله علیه وآله وسلم در سفری نماز کردند و ما به آن حضرت اقتدا کردیم در رکعت اول قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ خواندند و در رکعت دوم قُلْ هُوَ اللَّهُ و چون فارغ شدند فرمودند: از برای شما ثلث قرآن و ربع قرآن خواندم». (۱)

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک مکن خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را در هفت نماز؛ در نافله صبح، و دو رکعت اول نماز پیشین، و دو رکعت اول نماز شام، و دو رکعت اول نماز شب، و نماز احرام، و نماز صبح اگر هوا بسیار روشن شده باشد و سوره طولانی نتوان خواند، و نماز طواف». (۲)

و در روایت دیگر وارد شده است که: [امام صادق علیه السلام] «در این نمازها در رکعت اول قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ می خواند مگر در نافله صبح که در رکعت اول قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ می خواند». (۳)

«سوره النصر»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ را در نماز فریضه یا نافله بخواند خدا او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد، و چون از قبر بیرون آید با او نامه ای باشد گویا، در آن نامه امان از صراط و از آتش جهنم و صدای جهنم بوده باشد، و بر هر چیز که بگذرد او را بشارت به نیکی دهد تا داخل بهشت شود، و حق تعالی از برای او در دنیا از اسباب خیر

ص: ۱۲۶

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۷، باب ۳۱، ح ۱۰۱.

۲- کافی، ج ۳، ص ۳۱۶، باب قرائت القرآن، ح ۲۲.

۳- همان، ذیل حدیث ۲۲.

آنقدر بگشاید که به خاطرش خطور نکرده باشد و آرزوی آن نداشته باشد» (۱).

«سوره ابي لهب»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون سوره تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ را بخوانید لعن و نفرین کنید بر ابولهب که او از جمله تکذیب کنندگان بوده، تکذیب پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و آنچه آورده است می نمود» (۲).

«سوره الاخلاص»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ را یک مرتبه بخواند حق تعالی بر او برکت فرستد، و هر که دو مرتبه بخواند حق تعالی بر او و اهلش برکت فرستد، و هر که سه مرتبه بخواند حق تعالی به او و اهلش و به همسایگانش برکت دهد، و هر که دوازده مرتبه بخواند خدا در بهشت دوازده قصر از برای او بنا کند و کاتبان اعمال، به یکدیگر گویند که بیاید برویم به قصرهای برادر خود نظر کنیم، و هر که صد مرتبه بخواند خداوند عالمیان گناهان بیست و پنج سال او را بیامرزد به غیر از خون نا حق و مال مردم، و کسی که چهار صد مرتبه بخواند خدا او را اجر چهار صد شهید کرامت فرماید از شهیدان، که اسبان شان را پی کرده باشند و خونشان را ریخته باشند. و کسی که هزار مرتبه در شبانه روز بخواند نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند یا دیگری برای او ببیند» (۳).

ص: ۱۲۷

۱- ثواب الاعمال، ص ۱۵۵، باب ثواب قرائه السور.

۲- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۸، در تفسیر سوره تبت، فضل السوره.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۱۹، باب فضل القرآن، ح ۱.

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم بر سعد بن معاذ نماز کردند و فرمودند: هفتاد هزار ملک بر او نماز کردند که جبرئیل علیه السلام در میان ایشان بود. از جبرئیل علیه السلام پرسیدم که به چه عمل مستحق این شده بود که شما بر او نماز کنید؟ گفت: به سبب این که قُلْ هُوَ اللَّهُ می خواند؛ ایستاده و نشسته و سواره و پیاده در رفتن و برگشتن».(۱)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ را در وقت خواب بخواند خدای تعالی گناه پنجاه ساله او را بیامرزد».(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «خود را حفظ نمایید از شرّ مردم به خواندن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ، رو به جانب راست خود کن و بخوان، و به جانب چپ رو کن و بخوان، و به جانب راه خود رو کن و بخوان، و رو به پشت سر کن و بخوان، و به جانب بالای سر نظر کن و بخوان، و به جانب پایین نظر کن و بخوان؛ و اگر خواهی که نزد حاکم جابری روی چون نظرت بر او افتد سه مرتبه بخوان و هر یک مرتبه که می خوانی یک انگشت را عقد کن از دست چپ، و انگشتان را چنین نگاه دار تا از نزد او بیرون آیی».(۳)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که یک روز بر او بگذرد و پنج نماز کند و در آن پنج نماز قُلْ هُوَ اللَّهُ نخواند، به او خطاب کنند که ای

ص: ۱۲۸

۱- همان، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۳.

۲- همان، ص ۶۲۰، باب فضل القرآن، ح ۴.

۳- همان، ص ۶۲۴، باب فضل القرآن، ح ۲۰.

بنده خدا تو از نماز گزاران نیستی» (۱).

و به سند معتبر دیگر منقول است از آن حضرت که: «هر که بر او یک هفته بگذرد و قُلْ هُوَ اللَّهُ در آن هفته نخواند و بمیرد بر دین ابی لهب مرده باشد» (۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که او را مرضی پیش آید یا شدتی رو دهد قُلْ هُوَ اللَّهُ از برای رفع آن نخواند، او از اهل آتش است» (۳).

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد باید که بعد از نماز واجب، خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ را ترک ننماید؛ به درستی که هر که بعد از فریضه قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند، خدا به او خیر دنیا و آخرت کرامت فرماید، و گناهان او و پدر و مادر او را و فرزندان پدر و مادر او را بیامرزد» (۴).

و به سند صحیح از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ را بعد از نماز صبح یازده مرتبه بخواند در آن روز بر او گناهی لازم نشود؛ هر چند بینی شیطان بر خاک مالیده شود» (۵).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که به رختخواب رود و یازده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند، خدا خانه او و خانه همسایگانش را حفظ نماید» (۶).

ص: ۱۲۹

- ۱- همان، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۰.
- ۲- ثواب الاعمال، ص ۱۵۶، باب ثواب قرائه السور، ح ۲.
- ۳- همان، ح ۳.
- ۴- کافی، ج ۲، ص ۶۲۲، باب فضل القرآن، ح ۱۱.
- ۵- ثواب الاعمال، ص ۱۵۷، باب ثواب قرائه السور، ح ۸.
- ۶- همان، ص ۱۵۶، باب ثواب قرائه السوره، ح ۷.

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند حق تعالی پناه هزار مَلَكٍ موکل گرداند که او را در آن شب حراست نمایند».(۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر که در وقت خواب قُلْ هُوَ اللَّهُ را بخواند گناه پنجاه ساله او آمرزیده شود».(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که یک مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند چنان باشد که ثلث قرآن و ثلث تورات و ثلث انجیل و ثلث زبور را خوانده باشد».(۳)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حق تعالی به عوض باغ فدک به حضرت فاطمه علیها السلام اطاعت تب را کرامت فرمود که تب مطیع آن حضرت باشد، پس هر که حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان او را دوست دارد و تبی به هم رساند و هزار مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و به حق فاطمه سؤال نماید زوال تب را، تب او به امر الهی زایل گردد».(۴)

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر که را صداعی یا غیر آن عارض شود و دستهای خود را بگشاید و سوره فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند و

ص: ۱۳۰

۱- خصال، ج ۲، ص ۶۳۱، حدیث اربعمأه.

۲- توحید صدوق، ص ۹۵، ح ۱۲، باب معنی قل هو الله احد.

۳- توحید صدوق، ص ۹۵، ح ۱۵، باب معنی قل هو الله احد.

۴- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۸۷، باب الاستشفاء بالقرآن، ح ۲۷.

دست بر روی خود بکشد، آن آزار بر طرف شود».(۱)

«سوره الفلق و سوره الناس»

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سبب نزول معوذتین آن بود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم تب به هم رسانیدند، جبرئیل علیه السلام این دو سوره را آورد و تعویذ آن حضرت گردانید».(۲)

و به سند معتبر از صابر منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام امامت ما کردند در نماز شام، معوذتین خواندند و بعد از فراغ فرمودند: این دو سوره از قرآن است».(۳)

و از حضرت امام رضا علیه السلام به سند معتبر منقول است که: «هر که در حدّ صبا(۴) و طفولیت تعهد نماید در هر شبی خواندن قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ را هر یک سه مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ را صد مرتبه و اگر نتواند پنجاه مرتبه، حق تعالی از او دور گرداند دیوانگی و مرض هایی را که عارض اطفال می شود و استسقا و فساد معده و غلبه خون را تا سنّ پیری، مادام که تعهد و مداومت بر این نماید».(۵)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «@هر که در سه رکعت وتر، معوذتین و قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند به او خطاب کنند که ای بنده خدا بشارت

ص: ۱۳۱

۱- همان، ح ۲۶.

۲- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۰، در تفسیر سوره ناس.

۳- کافی، ج ۳، ص ۳۱۷، باب قرائه القرآن، ح ۲۶.

۴- کودکی.

۵- کافی، ج ۲، ص ۶۲۳، باب فضل القرآن، ح ۱۷.

باد تو را که خدا و ترت را قبول کرد» (۱).

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز جمعه سوره حمد را یک مرتبه و هریک از معوذتین و قُلْ هُوَ اللَّهُ را هفت مرتبه و آیه الکرسی و آیه السخره و آخر سوره براءت، «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ... الخ»، هریک را یک مرتبه بخواند کفاره گناهان او باشد از جمعه تا جمعه دیگر» (۲).

از معمر بن خلاد منقول است که: «در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم در راه خراسان و وکیل آن حضرت بودم، و مرا امر فرمود که غالیه (۳) راست کن، چون راست کردم و در شیشه کردم، حضرت را بسیار خوش آمد؛ پس فرمود: ای معمر! چشم زدن حق است از برای دفع تأثیر چشم زدن در کاغذی سوره حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ و معوذتین را بنویس و در غلاف شیشه غالیه بگذار» (۴).

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «تأثیر چشم زدن حق است و ایمن نیستی که چشم خودت در تو یا در دیگری تأثیر کند، پس اگر از تأثیر چشم بترسی سه مرتبه بگو: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. و اگر یکی از شما زینتی کند که خوشایند باشد چون از منزل خود بیرون رود قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند که از چشم

ص: ۱۳۲

۱- ثواب الاعمال، ص ۱۵۸، فی ثواب قرائه السور.

۲- همان، ص ۶۰، ثواب قرائه بعض السور بعد الجمعة.

۳- غالیه: بوی خوشی است مرکب از مشک و عنبر و جز آن، به رنگ سیاه که موی را بدان خضاب کنند. (فرهنگ معین، ص ۲۳۸۲)

۴- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۳۱، باب الاستشفاء بالقرآن، ح مسلسل ۲۵۵۲.

به او ضرر نرسد به اذن خدا».(۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «کسی که در خواب ترسد در وقت خواب معوذتین و آیها لکرسی بخواند».(۲)

ص: ۱۳۳

۱- همان، حدیث مسلسل، ۲۵۵۳، و ۲۵۵۴.

۲- همان، ج ۲، ص ۴۳، فیما یفعل عند النوم، ذیل ح ۶، ذیل حدیث مسلسل ۲۰۹۷.

تنویر دوم: در بیان فضل دعا و شرایط و آداب آن است

اشاره

است و این مشتمل است بر چند نجم:

نجم اول: در بیان فضیلت دعا و فواید آن است

نجم دوم: در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا

نجم سوم: در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها

ص: ۱۳۵

نجم اول: «در بیان فضیلت دعا و فوائد آن است»

بدان که افضل عبادات و نزدیکترین راههای قرب بنده به جناب قاضی الحاجات طریقه دعا و تضرع و مناجات است، و به کثرت دعا و مناجات، یقین به ذات و صفات کمالیّه الهی زیاده می گردد، و توکل و تفویض به جناب مقدّس او بیشتر می شود، و موجب قطع طمع ها و علائق از خلق می شود، و همین طریقه از جمیع ائمه ما صلوات الله علیهم اجمعین منقول است که بعد از ادای فرایض و سنن پیوسته مشغول تضرع و مناجات بوده اند، بخصوص حضرت سیّد السّاجدین علیه السلام، چنانچه حق تعالی می فرماید:

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (۱)

یعنی: «گفت: پروردگار شما که بخوانید مرا در جمیع مطالب تا دعای شما را مستجاب کنم، به درستی که آن جماعت که تکبر می نمایند و سرکشی می کنند از عبادت من، زود باشد که داخل جهنم شوند با مذلت و خواری».

ص: ۱۳۷

و در احادیث بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام منقول است که: «مراد از عبادت در این آیه دعا است»^(۱). پس حق تعالی اول امر به دعا فرموده و دیگر وعده استجابت نموده، و بعد از آن، دعا را عبادت شمرده و ترک دعا را تکبیر خوانده و بر ترکش وعده دخول جهنم فرموده و در موضع دیگر می فرماید:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^(۲).

که ترجمه اش این است: چون سؤال نمایند از تو بندگان من، از صفت من، یا نزدیکی و دوری من، یا کیفیت دعا کردن من که آهسته دعا کنند یا بلند، پس بگو به ایشان که من نزدیکم به ایشان به علم و احاطه و لطف و رحمت، و مستجاب می گردانم دعای دعا کننده را در هنگامی که مرا خواند، پس باید که بندگان اجابت کنند مرا در دعا کردن که از ایشان طلبیده ام، یا آن که چون من اجابت می کنم در دعا باید که ایشان اجابت من کنند در جمیع تکالیف من، و باید که ایمان آورند به وعده من در اجابت دعا و در ایمان خود ثابت باشند، شاید که راه راست یابند و به رشد و صلاح خود پی برند.

و به سند معتبر منقول است که: «از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند: کدام عبادت بهتر و افضل است؟ حضرت فرمود: هیچ عبادتی بهتر نیست نزد حق تعالی از آن که از او سؤال نمایند، و از رحمت های غیر متناهی که نزد اوست طلب نمایند، و هیچ کس نزد خدا دشمن تر و بدتر

ص: ۱۳۸

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، باب فضل الدعاء والحثّ علیه، ح ۷ - ۵ - ۱.

۲- سوره بقره، آیه ۱۸۶.

نیست از کسی که تکبیر کند از عبادت الهی که دعا است، و از عطاها و رحمت های الهی سؤال ننماید» (۱).

از میسر بن عبدالعزیز منقول است که: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای میسر! دعا بکن و مگو که هر چه مقدر شده است خواهد شد، به درستی که نزد خدا منزلتی هست که به آن نمی توان رسید مگر به دعا و مسألت، و اگر کسی دهان خود را ببندد و دعا نکند و سؤال ننماید از خدا، چیزی به او نمی دهد پس بطلب تا عطا کند. ای میسر! هر که دری را بسیار بگوید البته برویش می گشایند» (۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که از فضل خدا سؤال ننماید فقیر می شود» (۳).

و در حدیث دیگر فرمود: «بر شما باد به دعا، به درستی که شما را قرب به خدا حاصل نمی شود به عبادتی مثل دعا، و ترک مکنید طلب کردن حاجت کوچکی را برای خوردی آن حاجت، به درستی که حاجت کوچک و بزرگ همه به دست خدا است» (۴).

و در حدیث دیگر فرمود: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود که: محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی در زمین دعا است و فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دعا بسیار می کردند» (۵).

ص: ۱۳۹

-
- ۱- کافی، ج ۲، ص ۴۶۶، باب فضل الدعاء و الحثّ علیه، ح ۲.
 - ۲- همان، ح ۳.
 - ۳- همان، ح ۴.
 - ۴- امالی مفید، ص ۲۰، مجلس دوم، ح ۹.
 - ۵- کافی، ج ۲، ص ۴۶۷، باب فضل الدعاء و الحثّ علیه، ح ۸.

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «دعا حربہ مؤمن است برای دفع دشمنان، و عمود دین است که به آن دین مؤمن برپاست و نور آسمان و زمین است».(۱)

و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: «به صحابه فرمودند: می خواهید دلالت کنم شما را بر حربہ و سلاحی که شما را نجات دهد از شرّ دشمنان شما، و شما را روزی زیاده گرداند؟ گفتند: بلی. فرمود: دعا کنید و بخوانید پروردگار خود را در شب و روز، به درستی که حربہ مؤمن دعاست».(۲)

و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «بر شما باد به حربہ پیغمبران که آن دعاست».(۳) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «دعا از نیزه تیز، کارگر تر است».(۴) و فرمود: «دعا ردّ می کند قضا را هر چند از آسمان نازل شده و محکم گردیده باشد».(۵) و فرمود: «بسیار دعا کنید که دعا کلید جمیع رحمت ها است، و موجب فیروزی به همه حاجت ها است، و به کرامت های الهی نمی توان رسید مگر به دعا، و هر دری را که بسیار می کوبند البته به روی آدمی می گشایند».(۶)

و در حدیث دیگر فرمود: «بر تو باد به دعا که شفای جمیع دردها است».(۷)

ص: ۱۴۰

-
- ۱- همان، ص ۴۶۸، باب الدعای سلاح المؤمن، ح ۱.
 - ۲- همان، ح ۳.
 - ۳- همان، ح ۵.
 - ۴- همان، ص ۴۶۹، ح ۶.
 - ۵- همان، ص ۴۶۹، باب الدعای یرد القضاء والبلاء ح ۳.
 - ۶- همان، ص ۴۷۰، باب الدعای یرد البلاء والقضاء، ح ۷.
 - ۷- همان، ص ۴۷۰، باب الدعای شفاء من کل داء، ح ۱.

و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «هر بلایی که بر بنده مؤمن نازل شود و خدا او را دعا الهام نماید البته آن بلا، زود زایل گردد. و هر بلایی که بر مؤمن نازل شود و توفیق دعا نیابد و ترک کند، البته آن بلا بطول می انجامد؛ پس بر شما باد به دعا و تضرع به سوی خداوند عالمیان».^(۱)

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «دوا کنید بیماران خود را به تصدق، و دفع کنید انواع بلاها را به دعا، و حفظ کنید مالهای خود را به دادن زکات؛ به درستی که هیچ مرغی به دام نمی افتد مگر آن که تسبیح خود را ترک نماید».^(۲)

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «دفع کنید موجهای بلا را از خود به دعا پیش از آن که نازل گردد، به حق خداوندی که دانه را شکافته و انواع گیاه را از آن بیرون آورده، و خلاق را خلق فرموده، که بلا به سوی مؤمن تندتر می آید از سیلی که از بالای کوه به پایین آید و از دویدن اسبان تند، و هیچ نعمتی و طراوت عیشی از بندگان برطرف نمی شود مگر به گناهان ایشان، اگر استقبال کنند بلا را به دعا و تضرع و انابت و توبه، بر ایشان نازل نخواهد شد، و اگر وقتی که بلا نازل شود و نعمت از ایشان زایل گردد به خدا پناه برند و تضرع نمایند با نیت های درست، و سستی نورزند در عبادت و بندگی، و ترک گناهان بکنند؛ البته خدا هر فاسدی را برای ایشان به اصلاح می آورد و هر نعمتی را که از ایشان سلب نموده، به ایشان بر می گرداند».^(۳)

ص: ۱۴۱

۱- همان، ص ۴۷۱، باب الهام الدعاء، ح ۲.

۲- قرب الاسناد، ص ۱۱۷، ح مسلسل ۴۱۰.

۳- خصال صدوق، ص ۶۲۴، حدیث اربعمأه.

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سه چیز است که به آنها هیچ [چیز] ضرر نمی کند، دعا کردن در هنگام بلاها و شدت ها، و استغفار کردن بعد از گناه، و شکر کردن در وقت نعمت».(۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی روزی های مؤمنان را از جاهای چند مقرر فرموده که گمان نداشته باشند، زیرا بنده هر گاه نداند که روزیش از کجا می رسد، دعا بسیار می کند».(۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که را چهار چیز عطا فرمایند، او را از چهار چیز محروم نمی گردانند؛ هر که را دعا دادند از اجابت محروم نمی سازند، و هر که را استغفار کرامت کردند توبه اش را قبول می فرمایند، و هر که را شکر عطا کردند نعمتش را زیاده می کنند، و هر که را صبر دادند از اجر و ثواب محروم نمی گردانند».(۳)

ص: ۱۴۲

۱- امالی طوسی، ص ۲۰۴، مجلس ۷، ح ۴۹، ح مسلسل ۳۴۹.

۲- امالی صدوق، ص ۱۵۳، مجلس ۳۴، ح ۶.

۳- امالی طوسی، ص ۶۹۳، مجلس ۳۹، ح ۱۶.

نجم دوم: «در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا»

بدان که چون دعا مکالمه و سخن گفتن و عرض نیاز کردن است به حضرت قاضی الحاجات، باید که آدمی معنی دعا را بداند و بفهمد، و با حضور قلب دعا کند، و لاقلاً آدابی [را] که در حاجت طلبیدن از مخلوقین - که در عجز و ناتوانی مثل اویند - رعایت می نماید، همان قدر را در حاجت طلبیدن از خداوند عظیم الشان - که خالق و رازق و مالک جمیع امور اوست - رعایت کند؛ و ظاهر است که اگر کسی حاجتی به مخلوقی عرض کند چند چیز را رعایت می کند:

اول، آن که بداند که چه می گوید، و اگر از روی مستی و بی خبری حرفی گوید با بزرگی، و دلش از آنچه می گوید خبر نداشته باشد، اگر سیاستش نکنند به سخنش نیز اعتنایی نخواهند کرد، پس در هنگام مناجات با خداوند خود، باید که دلش خبر داشته باشد از آنچه بر زبانش جاری می شود، و از روی جدّ و جهد و اهتمام طلب نماید، و به حاجت خود بی اعتنا نباشد.

چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حق تعالی قبول نمی فرماید دعایی را که از دل غافل صادر شود و فرمود: چون برای میت خود دعا کنید چنین دعا نکنید که دل شما از آن غافل باشد، ولیکن باید که

جهد و سعی کنید از برای او در دعا» (۱). و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خدا مستجاب نمی کند دعایی را که با دل سخت و صاحب قساوت دعا کنند» (۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «خدا مستجاب نمی کند دعایی را که با دل فراموش کارِ غافل کنند. پس هر گاه دعا کنید دل خود را با خدا دارید و یقین کنید که دعای شما مستجاب است» (۳).

دوم، آن که کسی را که شخصی برای دفع شداید به او پناه می برد البته پیوسته ملازمت او می کند، و در غیر حال شدت به او پناه می برد، تا هنگام شدت و بلایی که رو می دهد، روی آن داشته باشد که به او پناه برد، همچنین باید که در درگاه خالق در حالت نعمت دعا و تضرع کند، و خدا را به سبب وفور نعمت فراموش نکند، تا در حال شدت ها و سختیها که پناه به او برند، حاجت به زودی برآورده شود، با آن که هیچ آئی نیست که بنده را، صد هزار گونه احتیاج در امور دنیا و آخرت، به جناب مقدّس ایزدی نباشد.

چنانچه به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که پیش از نزول بلا پیوسته دعا کند، چون بلا نازل شود دعایش مستجاب [است] و ملائکه می گویند: این صدای آشنایی است، و دعای او را از آسمان منع نمی کنند؛ و کسی که پیش از نزول بلا پیوسته دعا نکند، بعد از بلا دعایش مستجاب نیست و ملائکه می گویند که: ما این صدا را نمی شناسیم. و در حدیث دیگر فرمود که: کسی که پیش از نزول بلایی

ص: ۱۴۴

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۷۳، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۲.

۲- همان، ص ۴۷۴، ح ۴.

۳- همان، ص ۴۷۳، ح ۱.

ترسد و پیش از نزول آن بلا دعا کند برای رفع آن بلا، خدا آن بلا را هرگز به او ننماید» (۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «کسی که خواهد دعای او در شدت‌ها مستجاب شود باید که در هنگام رخا و نعمت دعا بسیار بکند» (۲) و بر این مضمون احادیث بسیار است.

سوم، آن که کسی که به مخلوقی حاجتی دارد، خدمات شایسته برای او می‌کند که مرضی طبع او باشد، و از چیزهایی که کراهت دارد اجتناب می‌نماید تا چون حاجتی از او بخواهد برآورده شود، همچنین در درگاه خدا هر که عبادت و بندگی و اطاعت الهی بیشتر کرده است دعایش به اجابت نزدیک‌تر است؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در این حدیث فرموده اند: «دعای بی عمل صالح، از باب تیر انداختن از کمان بی زه است» (۳).

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «بهترین دعاها آن است که صادر شود از سینه پاکیزه از عیب‌ها و صفات ذمیمه و دل پرهیزکار؛ و در مناجات [است] سبب نجات؛ و به اخلاص در اعمال، خلاصی از عقاب حاصل می‌شود؛ پس هرگاه فزع و خوف شما بسیار شود پناه به خداوند خود برید» (۴).

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که حق تعالی می‌فرماید: دعا کنید تا دعای شما را مستجاب

ص: ۱۴۵

۱- همان، ص ۴۷۲، باب تقدم فی الدعاء، ح ۲ - ۱

۲- همان، ح ۴.

۳- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۳۰، فیض الاسلام.

۴- کافی، ج ۲، ص ۴۶۸، باب الدعاء سلاح المؤمن، ح ۲.

گردانم، و ما دعا می کنیم و مستجاب نمی شود. حضرت فرمود: دعای شما برای آن مستجاب نمی شود که وفا نمی کنید به پیمان هایی که حق تعالی از شما گرفته است در عمل نمودن به اوامر و ترک نمودن مناهی، و حق تعالی می فرماید: وفا کنید به عهد و پیمان من تا وفا کنم به عهد و پیمان شما، واللّٰه! اگر شما وفا کنید از برای خدا، خدا نیز وفا می کند از برای شما».(۱)

و از نوف بکالی منقول است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حق تعالی وحی نمود به حضرت عیسی علیه السلام که بگو به گروه بنی اسرائیل داخل خانه ای از خانه های من نشوید مگر با دلهای طاهر و پاک، و دیده های خاشع و دستهای پاکیزه از کثافت حرام و شبهه، و بگو به ایشان که بدانید از هیچ یک از شما دعایی مستجاب نمی کنم هر گاه مظلّمه کسی نزد او باشد، و مال کسی به ظلم در ذمه او باشد».(۲)

و در ابواب سابقه گذشت حدیثی که هر که خواهد که دعایش مستجاب شود باید کسبش را حلال کند، و این امر بسی ظاهر است که هر چند آدمی را قرب زیاده می شود دعایش به قبول نزدیک تر است، چنانچه نزد پادشاهان ظاهر هر که قربش بیشتر است حاجتش روا تر است.

و ایضاً چنانچه سابقاً تحقیق کردیم، هر چند مناسبت میان فاعل و قابل بیشتر می شود قابلیت استفاضه زیاده می شود، و مانعی که از فیض هست از طرف قابل است، هر چند قابل کاملتر می شود مانع کمتر می شود و قابلیت رحمت، زیاده می شود و فیض بیشتر فیض می شود.

ص: ۱۴۶

۱- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴۶ در تفسیر آیه ۴۰ از سوره بقره.

۲- خصال، ص ۳۳۷، باب الستة، ح ۴۰.

چهارم، از شرایط استعجاب دعا، کمال معرفت آن خداوندی است که از او حاجتی می طلبد، و چنانچه در گذشته مجملی اشاره کردیم که هر کسی خدای را به قدر معرفت شناخته، در خور آن معرفت از او فیض می برد و از خداوند شناخته خود سؤال می کند؛ پس هر قدر که از مراتب قدرت و رحمت و کرم و عظمت و جلال و سایر صفات کمال را تمام و کامل می شناسد تأثیرات آن صفات به او زیاده عاید می گردد؛ و به این معنی اشاره دارد آن حدیث که به اسناد بسیار منقول است که: «من نزد گمان نیکویی که بنده ام به من دارد هستم، هر قدر که گمان او به من نیکوتر است، من به او نیکوتر معامله می نمایم».(۱)

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «جماعتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمودند که چه علت دارد که ما دعا می کنیم و دعای ما مستجاب نمی شود؟ حضرت فرمود: زیرا شما کسی را دعا می کنید که نمی شناسید».(۲)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون دعا کنی گمان کن که حاجت در خانه تو است».(۳)

و در حدیث دیگر فرمود: «اگر کسی از شما خواهد که از خدا هر حاجتی که سؤال نماید به او عطا کند، باید که از همه مردم مأیوس و نا امید باشد و از غیر خدا امید نداشته باشد. پس چون خدا این حالت را از دل او یابد

ص: ۱۴۷

۱- کافی، ج ۲، ص ۷۲، باب حسن الظن بالله. ح ۳.

۲- توحید صدوق، ص ۲۸۹، باب إِنَّهُ لَا يُعْرَفُ إِلَّا بِهِ، ح ۷.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۷۳، باب اليقين في الدعاء، ح ۱.

هرچه سؤال کند به او عطا نماید»^(۱) و این معنی در باب سؤال از مخلوقین هم ظاهر است که هر که عظمت پادشاهی را بیشتر [می داند] و وسعت ملک و خزانه و کرم او را بیشتر می داند، توقع عطا از او زیاده دارد، و پادشاه نیز در خور متوقع او و شناسایی او به او عطا می کند. در این باب سخن بسیار است و این رساله گنجایش تفصیل آن ندارد.

پنجم، از شرایط استجابت، مبالغه و الحاح در دعاست، و الحاح نزد مخلوقین، به اعتبار تنگی حوصله و قلت کرم ایشان بد نما است، اما حق تعالی دوست می دارد به سبب وسعت لطف و رحمت نامتناهی که نزد او [است] در سؤال مبالغه و الحاح نمایند.

چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «والله! الحاح نمی نماید بنده مؤمنی بر حاجت خود، مگر این که حق تعالی حاجت او را برمی آورد»^(۲) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حق تعالی مکروه و دشمن می دارد الحاح کردن مردم را بر یکدیگر در سؤال، و این را از برای خود پسندیده و دوست می دارد که از او سؤال نمایند و از آنچه نزد اوست طلب نمایند»^(۳).

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «حق تعالی رحم کند بر بنده ای که طلب نماید از حق تعالی حاجتی را، پس الحاح نماید در دعا، خواه مستجاب شود دعای او و خواه نشود»^(۴).

ص: ۱۴۸

۱- عده الداعی، ص ۱۳۴، بیان المنقطعین الی الله و اجابه دعائهم.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۷۵، باب الحاح فی الدعاء، ح ۳.

۳- همان، ح ۴.

۴- همان، ح ۶.

و حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام فرمود: بنده چون دعا می کند حق تعالی پیوسته در مقام برآوردن حاجت اوست، مادام که استعجال نکند»^(۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی مراد بندگان خود را می داند در هنگامی که او را دعا می کنند، و لکن دوست می دارد که حاجتهای خود را بیان کنند و نزد او ذکر کنند»^(۲).

ششم، از آداب دعا مخفی گردانیدن دعاست، زیرا که کریمان مخفی حاجت را طلبیدن، دوست تر می دارند. و دعای پنهان به اخلاص نزدیک تر، و از ریا دورتر است.

چنانچه از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام منقول است که: «یک دعای مخفی به جا آوری بهتر است از هفتاد دعا که اظهار نمایی و علانیه به جا آوری»^(۳).

و اگر حاجت عظیمی داشته باشد استعانت به دعای مؤمنان بجوید و در مجامع ایشان دعا کند نیز خوبست. و اگر منظور ناچیز دانستن خود و حقیر شمردن دعای خود باشد و از ریا ایمن باشد، در مجامع دعا کردن بهتر است. و برکات انفاس مؤمنان و اجتماعات ایشان بسیار است، و خود را در میان رحمت های عامی که برایشان نازل می شود داخل گردانیدن، فوز عظیم است.

چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چهل نفر که جمع

ص: ۱۴۹

۱- همان، ص ۴۷۴، ح ۱.

۲- همان، ص ۴۷۶، باب تسمیه الحاجه فی الدعاء، ح ۱.

۳- همان، ص ۴۷۶، باب اخفاء الدعاء، ح ۱.

شوند دعا کنند البته دعای ایشان مستجاب است، و اگر چهل نفر به هم نرسد چهار نفر که هر یک ده مرتبه خدا را در حاجتی بخوانند البته حق تعالی دعای ایشان را مستجاب می کند، و اگر چهار نفر نباشند و یک نفر خدا را چهل مرتبه در حاجتی بخواند البته خداوند عزیز جبار دعایش را مستجاب می گرداند»^(۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «چهار نفر جمع نمی شوند برای دعا مگر آن که وقتی که متفرق می شوند دعای ایشان مستجاب شده است، و فرمود: پدرم را حاجتی که رو می داد زنان و اطفال را جمع می فرمود و دعا می کرد و ایشان آمین می گفتند»^(۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «دعا خواننده و آمین گوینده در ثواب شریکند»^(۳).

هفتم، رعایت نمودن اوقاتی است که مظنه استجاب دعا است، زیرا که حق تعالی بعضی از زمانها و مکانها را در استجابت دخیل گردانیده است.

چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «طلب نمایند دعا را در چهار ساعت؛ نزد وزیدن بادهای و گردیدن سایه ها یعنی اول پیشین،^(۴) و نزد آمدن باران، و نزد ریختن اول قطره از خون مؤمنی که شهید شود بر زمین، به درستی که درهای آسمان را در این اوقات می گشایند»^(۵).

ص: ۱۵۰

۱- همان، ص ۴۸۷، باب الاجتماع فی الدعاء، ح ۱.

۲- همان، ح ۳ - ۲.

۳- همان، ح ۴.

۴- ظهر.

۵- کافی، ج ۲، ص ۴۷۶، باب الاوقات والحالات، ح ۱.

و در حدیث دیگر فرمود: «دعا در چهار محل مستجاب است؛ در نماز وتر، و بعد از نماز صبح، و بعد از نماز شام، و بعد از نماز ظهر».(۱)

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «غنیمت شمارید دعا را در چهار وقت؛ نزد خواندن قرآن، و نزد اذان، و نزد آمدن باران، و نزد ملاقات کردن دو صف برای شهادت».(۲)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «بهترین وقتها که خدا را بخوانید سحرها است».(۳) و منقول است که: «چون حضرت صادق علیه السلام اراده طلب حاجتی داشتند نزد زوال شمس طلب می نمودند، و چون این اراده می نمودند اول چیزی تصدق می کردند و خود را به بوی خوش، خوشبو می کردند و به مسجد می رفتند و حاجات خود را می طلبیدند».(۴)

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «حق تعالی از بندگان خود دوست می دارد هر بنده را که بسیار دعا کند؛ پس بر شما باد به دعا کردن در سحر تا طلوع آفتاب، به درستی که این ساعتی است که درهای آسمان گشوده می شود و روزی ها قسمت می شوند، و حاجتهای عظیم برآورده می شود».(۵)

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «در شب ساعتی هست که هر که توفیق بیابد که در آن ساعت نماز کند و خدا را بخواند، البته دعایش مستجاب

ص: ۱۵۱

۱- همان، ص ۴۷۷، ح ۲.

۲- همان، ح ۳.

۳- همان، ح ۶.

۴- همان، ح ۷.

۵- همان، ص ۴۷۸، ح ۹.

است در هر شبی که باشد، و آن بعد از نصف شب است تا به قدر سدس (۱) شب بگذرد» (۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «سه وقت است حاجت بنده از خدا محبوب نمی شود، بعد از نماز واجب، و نزد آمدن باران، و نزد ظاهر شدن معجزه از حجت‌های خدا در زمین» (۳).

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی را که به سوی پروردگار خود حاجتی باشد در سه ساعت طلب نماید: در ساعتی در روز جمعه، و ساعتی که زوال شمس می شود که در آن وقت بادهای رحمت می وزد و درهای آسمان گشاده می شود و رحمت الهی نازل می گردد و خروس به آواز می آید؛ و یک ساعت در آخر شب نزدیک طلوع صبح، به درستی که در سحر دو ملک ندا می کنند از جانب حق تعالی، که آیا کسی هست که در این وقت توبه کند تا توبه اش را قبول کنیم؟ آیا کسی هست که سؤال کند و به او عطا کنیم؟ آیا کسی هست که طلب آمرزش کند تا گنااهش را ببیمرزیم؟ آیا کسی هست که حاجتی داشته باشد و عرض کند تا حاجتش را برآوریم؟ پس اجابت نمایید در آن وقت داعی خدا را؛ و طلب نمایید روزی را در مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب که آن، دخیل تر است در روزی از سفرها کردن برای تجارت، و آن ساعتی است که خدا در میان بندگان خود روزی قسمت می فرماید» (۴).

ص: ۱۵۲

۱- یک ششم

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۷۸، ح ۱۰.

۳- امالی طوسی، ص ۲۸۰، مجلس ۱۰، ح ۸۰، ح مسلسل ۵۴۲.

۴- خصال صدوق، ص ۶۱۵ و ۶۱۶، حدیث اربعماه.

و فرمود: «درهای آسمان را برای شما می گشایند در پنج وقت: نزد آمدن باران، و نزد جهاد فی سبیل الله، و نزد اذان، و نزد خواندن قرآن، و نزد زوال آفتاب، و نزد طلوع صبح».(۱)

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ساعتی که در آن ساعت دعا مستجاب می شود در روز جمعه، وقتی است که امام از خطبه فارغ شود تا وقتی که مردم به نماز برخیزند؛ و ساعت دیگر، آخر روز جمعه است تا فرو رفتن آفتاب».(۲) و در حدیث دیگر فرمود: «ساعت استجاب اول زوال است».(۳)

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که: «حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: در روز جمعه ساعتی هست که هر مسلمانی در آن ساعت از خدا چیزی طلب نماید البته به او عطا فرماید، گفتم: یا رسول الله! کدام ساعت است؟ فرمود: وقتی که نصف قرص آفتاب فرو رود. پس حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود که: حضرت فاطمه علیها السلام به غلام خود می فرمود: برو بر بلندی و چون بینی که نصف قرص آفتاب غروب کرد، مرا اعلام کن که من دعا کنم».(۴)

و به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «بر تو باد به دعا کردن در وقتی که در سجود باشی که بنده در سجود از جمیع احوال به خدا نزدیک تر است».(۵)

ص: ۱۵۳

-
- ۱- همان، ص ۶۱۸، حدیث اربعمأه.
 - ۲- عده الداعی، ص ۴۶، باب الثانی فی اسباب الاجابه.
 - ۳- همان، ص ۴۷.
 - ۴- معانی الاخبار، ص ۳۹۹، باب نوادر المعانی.
 - ۵- کافی، ج ۳، ص ۳۲۴، ح ۱۱، از باب السجود و التسبیح... و ما یقال بین السجودین.

هشتم، از شرایط و آداب دعا، تضرع و زیادت مذلت و شکستگی است؛ چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرگاه شما را رقت به هم رسد دعا کنید که دل را رقت حاصل نمی شود، مگر وقتی که از برای خدا خالص گردد و متوجه خدا شود، و آن علامت استجاب است» (۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «چون بدن تو قشغریه (۲) آید و بلرزد و چشمانت گریان شود، پس در دعا اهتمام کن که رحمت الهی متوجه تو گردیده و هنگام اجابت است» (۳).

و در حدیث دیگر فرمود: «اگر از امری خایف باشی یا حاجتی به خدا داشته باشی، اول خدای را به بزرگی و عظمت یاد کن و بر او ثنا کن چنان که او سزاوار است، و صلوات بر محمد و آل او صلوات الله عليهم اجمعین بفرست و حاجت خود را بطلب، و خود را به گریه بدار و سعی کن که گریه کنی اگر چه به مقدار سر مگسی باشد، به درستی که پدرم می فرمود که: نزدیکترین حالات بنده به خدا در هنگامی است که در سجده باشد و گریان باشد» (۴).

و تضرعاتی که به دست می باشد در حالت دعا، موافق احادیث معتبره آن است که: اگر هنگام رغبت و رجا باشد، کف دست را به سوی آسمان کنی، چنانچه دست پیش کسی داری که چیزی به دست دهد؛ و اگر حالت خوف و بیم باشد، پشت دستها را به آسمان می داری، یعنی من از اعمال

ص: ۱۵۴

۱- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۹۶، باب البكاء، ح ۱۴، مسلسل ۲۲۷۵.

۲- لرزش، لرزه (فرهنگ نوین).

۳- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۴، باب الاوقات الدعاء، ح ۷، مسلسل ۲۰۲۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۴۸۳، باب البكاء من کتاب الدعاء، ح ۱۰.

خود ناامید شده ام، و از کثرت بدی اعمال روی طلب از تو ندارم؛ و در حالت تضرع انگشت سبّابه راست را به جانب راست و چپ حرکت می دهی که نمی دانم از اصحاب یمنیم یا از اصحاب شمال، و از نیکوکارانم نزد تو یا از بدکاران؛ و در هنگام تبّتل و انقطاع، انگشت سبّابه دست چپ را بلند می کنی و پست می کنی، مانند کسی که به ابرام چیز از کسی طلبد، یا اشاره به آن است که نمی دانم مرا بلند می کنی یا پست خواهی گذاشت؛ و در هنگامی که گریه بسیار شود و اسباب و علامت اجابت ظاهر گردد، دستها را از جانب سر بلند می کنی یا از پیش روی خود پیش میبری، که گویا حاجتم را داده اند، و دست فراز می کنم که بگیرم» (۱).

ای عزیز! بین که حق تعالی به آن مرتبه جلال و عظمت و استغنا و بی نیازی، با گدایان خوان احسانش چه نحو سلوک کرده، و ایشان را رخصت چه گستاخی ها داده و به آن رفعت شأن، خود را چه نزدیک گردانیده، و به این وسائل بندگان را به آشنایی خود خوانده، و بندگان با نهایت احتیاج و پستی چه مستغنیانه (۲) با پروردگار خود سلوک می نمایند، و رو از چنین خداوند کریمی که پیوسته خوان احسانش را برای نیکوکار و بدکار کشیده می گردانند، و رو به عاجزان و لثیمان ممکنات می برند و از رحمت های خدا، خود را محروم می گردانند.

نهم، بدان که کسی را که حاجتی به درگاه بزرگی باشد اول یساولان (۳) و دربانان آن درگاه را از خود خشنود می گرداند که دخول مجلس پادشاه او را

ص: ۱۵۵

۱- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۵، باب الاوقات الدعاء، ح ۱۳ - ۱۰ مسلسل ۲۰۲۷ - ۲۰۲۴.

۲- از سر بی نیازی.

۳- حاشیه نشینان و ملازمان و نوکرها (فرهنگ فارسی معین).

به آسانی حاصل شود و حاجتش زودتر برآورده شود؛ دربانان درگاه مالک الملوك، فقرا و مسکینانند، باید که پیش از طلب حاجت تصدقی بکند تا حاجتش زودتر برآورده شود.

چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «هرگاه از شما احدی بیمار شود طیب را می طلبد و به او چیزی می دهد، و اگر حاجتی به پادشاهی دارد رشوه به دربانان می دهد؛ پس اگر حاجتی به خدا داشته باشد باید که تصدقی بکند خواه کم و خواه زیاد».

دهم، آن که اگر کسی حاجتی دارد، گاه هست که در درگاه کریمان حاجت دیگران را وسیله حاجت خود می کند؛ به این که یا اول حاجت دیگران را مقدم می دارد که آن کریم را خوش آید که او اهتمام به شأن دیگران زیاده از خود دارد و این معنی موجب زیادتی حاجت روایی او است؛ یا آن که آن حاجتی که خود دارد برای دیگران می طلبد تا کریم بداند که با وجود احتیاج خود، آن حاجت را برای دیگران می طلبد، پس آن حاجت را برای او نیز بر وجه اکمل روا کند؛ یا آن که در هنگام حاجت خواستن، دیگران را با خود شریک می گرداند، و این معنی نیز خوش آیند طبع کریمان است که آدمی همین در فکر خود نباشد و دیگران را در وقتی که احسانی به او می رسد فراموش نکند، چنانچه حق تعالی در سوره فاتحه الکتاب حین تعلیم بندگان فرموده که در عرض عبادت و طلب استعانت، دیگران را با خود شریک کند.

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «چون یکی از شما دعا بکند و مخصوص

خود نگرداند، دعا به استجاب نزدیک تر می شود».(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که چهل مؤمن را مقدم دارد و از برای ایشان دعا کند و بعد از آن برای خود دعا کند، دعایش مستجاب می گردد».(۲)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هیچ دعایی زودتر مستجاب نمی شود از دعای غایبی برای غایبی».(۳)

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «نزدیکترین دعاها به اجابت، دعای مؤمنی است که از برای برادر مؤمن خود کند غایبانه، پس ملکی موکل است به دعای او که می گوید: آمین؛ و از برای تو خدا دوبرابر آنچه از برای برادر خود دعا کردی عطا می فرماید».(۴)

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «دعا از برای برادر مؤمن خود غایبانه کردن، باعث زیادتی روزی می شود و بلاها را دفع می کند».(۵)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر مؤمنی که از برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند، خدا به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد، از اول تا آخر دنیا، به مثل آنچه برای ایشان دعا کرده است به او برگرداند؛ و به درستی که بنده را در قیامت امر کنند که به جهنم برند، پس ملائکه او را کشند که به جهنم برند، در آن حال مؤمنان و مؤمنات گویند:

ص: ۱۵۷

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۸۷، باب العموم فی الدعاء، ح ۱.

۲- خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۳۸، ابواب الاربعین، ح ۳.

۳- عده الداعی، ص ۱۸۳، باب ۱۴، الدعاء للاخوان.

۴- کافی، ج ۲، ص ۵۰۷، باب الدعاء للاخوان، ح ۴.

۵- همان، ح ۲.

پروردگارا! این بنده در دنیا برای ما دعا می کرد ما را شفاعت ده در حق او، پس خدا ایشان را شفیع او گرداند و به شفاعت ایشان نجات یابد».(۱)

و از ابراهیم بن هاشم منقول است که گفت: «عبداللّه بن جنذب را در عرفات دیدم که هیچ کس وقوف را از او بهتر بجا نیاورد، پیوسته دست به آسمان بلند کرده و آب دیده بر دو طرف روی او جاری بود به حدی که بر زمین می ریخت، و چون مردم فارغ شدند و برگشتند، به او گفتم که هرگز وقوفی به خوبی تو ندیده ام! گفت: واللّه که دعا نکردم مگر از برای برادران مؤمن خود؛ زیرا از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر که برای برادر مؤمن خود دعا کند در غیبت او، از عرش او را ندا کنند که از برای تو باد صد هزار برابر آنچه از برای او دعا کردی، و نخواستم که صد هزار برابر محقق مضمون را ترک کنم برای یکی که ندانم مستجاب می شود یا نه».(۲)

و از حضرت علی بن الحسین صلوات اللّه علیهما منقول است که: «هرگاه ملائکه می شنوند که مؤمنی برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا می کند، یا او را به نیکی یاد می کند، به او می گویند که نیکو برادری هستی تو از برای برادر خود، دعای خیر از برای او می کنی و او از تو غایب است، و او را به نیکی یاد می کنی. حق تعالی به تو عطا فرمود دو برابر آنچه از برای او دعا کردی، و بر تو ثنا گفت دو برابر آنچه تو بر برادر خود ثنا گفتی، و تو را است فضل و زیادتی بر او؛ و اگر بشنوند که برادر خود را به بدی یاد می کند و

ص: ۱۵۸

۱- همان، ص ۵۰۸، ح ۵.

۲- همان، ح ۶.

بر او نفرین می کند، به او می گویند که بد برادری هستی برای برادر خود، باز ایست از بد گویی و نفرین او، ای آن کسی که خدا گناهان و عیبهای تو را پوشیده است، متوجه احوال خود شو، به عیوب خود نظر کن و خدا را شکر کن که عیبهای تو را پوشیده است و بدان که خدا بنده خود را به (۱) از تو می شناسد». (۲)

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون ظلمی بر کسی واقع شود و نفرین کند بر کسی که بر او ظلم کرده است، حق سبحانه و تعالی می فرماید: شخصی دیگر هست که گمان می کند تو بر او ظلم کرده ای و تو را نفرین می کند، اگر می خواهی نفرین تو را و او را هر دو مستجاب گردانم، و اگر می خواهی هر دو را تأخیر کنم تا عفو و رحمت من هر دو را فرا گیرد». (۳)

یازدهم، از جمله آداب دعا آن است که: خدای را پیش از طلبیدن حاجت، به بزرگواری و عظمت و جود و کرم ستایش کند، و نعمتهای او را بر خود و دیگران یاد کند، و او را بر آن نعمتها شکر کند؛ چنان که اگر کسی به نزد بزرگی می رود که مطلبی عرض کند از آداب نیست که ابتدا شروع به مطلبی کند، بلکه آداب آن است که پیش از مطلب او را ستایشی در خور بزرگواری او بکند؛ و حق تعالی در سوره کریمه حمد این آداب را تعلیم فرموده است که پیش از عرض حاجت، حمد و ثنا فرموده و خود را به

ص: ۱۵۹

۱- بهتر.

۲- کافی، ج ۲، ص ۵۰۸، باب الدعای للاحوان، ح ۷.

۳- دعوات رواندی، ص ۲۵، باب فی آداب الدعای، ح ۳۸.

رحماتیت و رحیمیت و سایر صفات لطف و رحمت ستایش فرموده، و بعد از آن عبادت را به وسیله امام الحاجه عرض کرده، زیرا حاجت طلبان را ارمغانی در خور توانایی خود گذرانیدن مناسب است، و بعد از آن طلب استعانت و هدایت را تعلیم فرموده.

و ایضاً حمد الهی و نعمتهای خود نمودن، موافق وعده الهی موجب مزید نعمت است و حسن طلبی است که: تو خداوندی که پیوسته احسان کرده ای، اگر اکنون نیز احسان نمایی، بعید نیست. و نعمتهای خدا را بر دیگران یاد کردن نیز حُسن طلبی است که چون به همه عالم احسان کردی سزاوار است که به من نیز احسان بکنی؛ چنان که شخصی نزد بزرگی می رود و قصیده ای یا نثری را برای او می خواند و کرمهای او را یاد می کند که بر او نیز کرم کند.

و بنابر این وارد شده است که «بهترین دعاها، الحمد لله است».(۱)

و ایضاً، «چون گناهان آدمی موجب محرومی از خیرات و سعادات است، پیش از دعا، استغفار از گناهان باید کرد تا موجب رفع موانع شود، و به حمد و ثنا او را قربی به جانب مقدس ایزدی حاصل شود که حاجتش به زودی برآورده شود، و بر این مضامین احادیث بسیار است».(۲)

چنانچه منقول است که: «مفضل به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که دعای جامعی مرا تعلیم فرما. حضرت فرمود: حمد الهی بکن که چون حمد الهی کردی، هر که نماز می کند برای تو دعا می کند؛ می گوید

ص: ۱۶۰

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحمید، ح ۲ قریب به این مضمون.

۲- دعوات رواندی، ص ۲۳، فصل ۲، ح ۲۷.

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ؛ یعنی خدا مستجاب کند دعای حمد کنندگان خود را» (۱).

و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه یکی از شما خواهد که از خداوند خود حاجتی سؤال نماید از حوائج دنیا و آخرت، باید که ابتدا کند به ثنا و مدح خداوند عالمیان و صلوات بر محمدصلی الله علیه و آله وسلم، بعد از آن حاجت خود را بطلبد» (۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «اول خدا را به صفات کمال مدح کن، پس ثنا کن او را بر نعمتها و شکر کن. پس اقرار به گناه خود بکن و بعد از آن سؤال کن، والله که هیچ بنده ای از گناه به در نمی آید مگر به اقرار گناهان خود» (۳).

و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه حاجتی داشته باشید حمد و ثنای پروردگار خود بگویید، به درستی که کسی که حاجتی از پادشاهی طلب می نماید از برای او مهیا می کند از ستایش، بهترین سخنانی را که بر آن قدرت دارد که او را به آن سخن بستاید» (۴).

و فرمود: «بدرستی که شخصی داخل مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شد، و دو رکعت نماز کرد، و از خدا حاجتی سؤال کرد، حضرت فرمود: این بنده تعجیل کرد بر خداوند خود، دیگری آمد و دو رکعت نماز کرد و بعد از آن خدا را ثنا گفت و صلوات بر پیغمبرصلی الله علیه و آله وسلم فرستاد. حضرت فرمود: حاجت خود را

ص: ۱۶۱

۱- عده الداعی، ص ۲۶۰، فی اقسام الذکر.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۸۴، باب الثناء قبل الدعاء، ح ۱.

۳- همان، ح ۳.

۴- همان، ص ۴۸۵، صدر حدیث ۶.

به طلب که خدا عطا می فرماید»^(۱).

دوازدهم، از شرایط دعا، صلوات فرستادن است بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم، زیرا اگر کسی حاجتی به درگاه پادشاهی دارد مناسب این است که تحفه برای مقربان آن پادشاه بفرستد تا ایشان شفیع او باشند؛ و اگر ایشان هم شفاعت نکنند، چون آن پادشاه مطلع می شود [که] به ایشان تحفه داده و مقربان او را نوازش فرموده، او را خوش می آید و حاجتش را روا می کند. و ایضاً کسی که محبوب بزرگواری است، نزد آن بزرگوار مدح او کردن و از برای او مطلب طلبیدن هر چند محتاج آن طلب نباشد، آن محبوب، آن بزرگوار را خوش می آید که محبوب او را ستایش می کنند، و به این اسباب صلوات موجب قبول دعا می گردد.

نکته لطیف کاملی در این باب در بیان شفاعت کبری گذشت، و تفصیل این سخن را در شرح صحیفه کامله بیان کرده ایم.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «دعا محبوب است از آسمان و مستجاب نمی شود تا صلوات بر محمد و آل او صلوات الله علیهم فرستند»^(۲).

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که دعا کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را یاد نکند دعا بر بالای سرش ایستاده، بال می زند؛ و چون صلوات فرستاد بالا می رود»^(۳).

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که را به خدا حاجتی باشد، اول صلوات بر

ص: ۱۶۲

۱- همان، ذیل حدیث ۶ و صدر حدیث ۷.

۲- همان، ص ۴۹۱، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه و آله وسلم ح ۱ و ص ۴۹۳، ح ۱۰.

۳- همان، ص ۴۱۹، ح ۲.

محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بفرستد و بعد از آن حاجت خود را بطلبد؛ پس دعای خود را ختم کند به صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم. به درستی که خدا کریم تر است از آن که دو طرف دعا را قبول فرماید و میان را رد کند، زیرا صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام البتّه مقبول است و ردّ نمی شود. (۱)

و فرمود: «چون نام پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم مذکور شود بسیار صلوات بر او بفرستید که هر که یک صلوات بر آن حضرت بفرستد حق تعالی بر او هزار صلوات بفرستد در هزار صف از ملائکه، و هیچ خلقی نماند مگر آن که بر او صلوات فرستند به سبب صلوات خدا و ملائکه بر او، پس کسی که به چنین رحمتی رغبت ننماید، او جاهل و غافل است و خدا و رسول و اهل بیت از او بیزارند». (۲)

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «صلوات بر من و اهل بیت من، نفاق را از دل برطرف می کند». (۳) و به روایت دیگر فرمود: «صداهای خود را بلند کنید به صلوات بر من که نفاق را زایل می گرداند». (۴)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه بگوید: «یا رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد حاجت او برآورده شود که سی حاجت از حاجتهای دنیا باشد». (۵)

ص: ۱۶۳

۱- همان، ص ۴۹۴، ح ۱۶.

۲- همان، ص ۴۹۲، ح ۶.

۳- همان، ح ۸.

۴- همان، ص ۴۹۳، ح ۱۳.

۵- همان، ص ۴۹۳، باب الصلوه علی النبی صلی الله علیه و آله وسلم، ح ۹.

و به روایت دیگر فرمود: «هیچ عملی در اعمال میزان، سنگین تر از صلوات نیست، و به درستی که اعمال شخصی را در قیامت به میزان می گذارند سبک می آید؛ حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم صلوات بر خود را در میزان او می گذارد، سنگین می شود و بر اعمالش زیادتی می کند».(۱)

و به سند معتبر منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام به صباح بن سبابه فرمود: می خواهی تو را چیزی تعلیم نمایم که خدا به سبب آن، تو را از آتش جهنم نگاه دارد، گفت: بلی. فرمود: بعد از نماز صبح صد نوبت بگو: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** تا خدا روی تو را از گرمی آتش دوزخ نگاه دارد».(۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که در روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات بفرستد حق تعالی شصت حاجت او را بر آورد؛ سی حاجت دنیا و سی حاجت آخرت».(۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون شب جمعه می شود، نازل می شوند از آسمان ملائکه به عدد ذرات هوا یا به عدد مورچگان، و قلم های طلا و لوح های نقره در دست دارند و نمی نویسند تا روز شنبه عمل را بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم، پس در این شب و روز بسیار صلوات بفرستید».(۴) و فرمود: «سنت مؤکد است که در هر روز جمعه بر محمد صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت او هزار مرتبه صلوات

ص: ۱۶۴

۱- همان، ص ۴۹۴، ص ۱۵.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۸۶، ثواب من صلی علی محمد و آله بعد الفجر.

۳- همان، ص ۱۸۷، ثواب من صلی علی محمد و آله یوم الجمعة.

۴- خصال صدوق، ص ۳۹۳، باب السبعة، ذیل حدیث ۹۵.

بفرستند و در روزهای دیگر صد مرتبه».

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «هیچ عملی در روز جمعه بهتر نیست از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم»^(۱).

و به سند دیگر منقول است که: «هر که بعد از عصر روز جمعه بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

حق تعالی صد هزار حسنه در نامه عملش ثبت نماید، و صد هزار گناهش را محو نماید، و صد هزار حاجتش را برآورده و صد هزار درجه برای او بلند کند»^(۲).

و در روایت دیگر آن است که: «اگر هفت مرتبه بخواند، خدا به عدد هر بنده حسنه به او عطا فرماید و عملش در آن روز مقبول گردد، و چون در قیامت مبعوث شود، در میان دو چشمش نوری ساطع باشد»^(۳) و در بعضی احادیث، این زیادتى هست: «وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، هر یک را بخوانند خوب است^(۴).

و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «هر که قادر نباشد بر چیزی که کفاره گناهان خود را بدهد، صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم

ص: ۱۶۵

۱- همان، ج ۲ ص ۳۹۴، باب ماجاء فی یوم السبت. ح ۱۰۱.

۲- امالی صدوق، ص ۳۲۶، مجلس ۶۲، ح ۱۸.

۳- فقه الرضا، ص ۱۲۸، باب ۸، صلوه یوم الجمعة والعمل فی لیلتها.

۴- جمال الاسبوع، فصل ۴۷، ص ۲۷۶، خبر ۶.

بفرستد که گناهانش را درهم می شکند» (۱).

و حضرت امام علی النقی علیه السلام فرمود: «حق تعالی ابراهیم را خلیل خود گردانید؛ برای آن که صلوات بر محمد و آل محمد بسیار می فرستاد» (۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که این نحو بر محمد و آل محمد صلوات فرستد: «صَلَوَاتُ اللَّهِ وَصَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». از گناهان پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده است» (۳).

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام به سند معتبر منقول است که: «چون عطسه کنید، بگویید: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ» (۴).

به سند معتبر دیگر منقول است که: «کسی که صدای عطسه کسی را بشنود و حمد الهی بکند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد، هرگز به درد دندان و درد چشم مبتلا نشود» (۵).

و به سندهای معتبر بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «فرمود: صلوات فرستید بر من و آل من و هر که صلوات نفرستد بر من و آل من، بوی بهشت را نشنود با آن که بوی بهشت از پانصد سال راه شنیده

ص: ۱۶۶

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۴، باب ۲۸، ح ۵۲.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۴، باب ۳۱، ح ۳.

۳- معانی الاخبار، ص ۳۶۸، باب معنی الصلوه علی النبی وآله، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، باب العطاس، ح ۹.

۵- همان، ص ۶۵۶، ح ۱۷.

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بشارت می دهم تو را که جبرئیل علیه السلام مرا خبر داد، کسی که از امت من صلوات فرستد بر من و بعد از آن صلوات بر آل من بفرستد، درهای آسمان برای او گشوده می شود و ملائکه هفتاد صلوات بر او می فرستند، و اگر گناهکار باشد می ریزد گناهانش، چنانکه برگ از درختان می ریزد، و حق تعالی می فرماید: لَبِیکَ اَیُّ بَنَدِهٖ مِنْ وَ سَعَدِیکَ! تو را اجابت کردم و مدد و اعانت تو می نمایم، و به ملائکه می فرماید: اَیُّ مَلَائِکَهٗ مِنْ! شما هفتاد صلوات بر او فرستادید، من هفتصد صلوات بر او می فرستم. و اگر بر من صلوات بفرستد و بر اهل بیت من صلوات نفرستد میان صلوات او و آسمان هفتاد حجاب بهم رسد و حق تعالی می فرماید که: «لَا لَبِیکَ وَ لَا سَعَدِیکَ» اجابت تو نمی کنم و مدد و اعانت تو نمی نمایم، اَیُّ مَلَائِکَهٗ مِنْ دَعَاۤیِ اَوْ رَا بِالَا مِیَارِید، مگر این که با پیغمبر من عترت او را ملحق گرداند؛ پس دعای او پیوسته در حجاب است تا ملحق گرداند به من اهل بیت مرا».(۲)

ظاهر احادیث معتبره آن است که هر وقت که نام مبارک آن حضرت مذکور شود، صلوات بر او و آل اطهار فرستادن واجب است.(۳)

و در احادیث معتبره وارد است که فرمود: «کسی که من نزد او مذکور

ص: ۱۶۷

-
- ۱- امالی صدوق، ص ۱۶۷، مجلس ۳۶، ح ۹.
 - ۲- همان، ص ۴۶۴، مجلس ۸۵، ح ۱۸.
 - ۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴، باب ۳۵، ح ۱. و خصال ج ۲، ص ۶۰۷، ابواب الماء فما فوقه ح ۹، خصال من شرایع.

شوم و صلوات بر من نفرستد که گناهانش آمرزیده شود، پس او دور است از رحمت الهی».^(۱)

و در احادیث دیگر فرمود: «بخیل و بدترین بخیلان کسی است که من نزد او مذکور شوم و صلوات بر من نفرستد».^(۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که صلوات مرا فراموش کند راه بهشت را گم کرده است».^(۳)

و به سند معتبر از مالک جهنی منقول است که گفت: «من گلی به دست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم، حضرت گرفتند و بو کردند و بر دیده های خود گذاشتند و بعد از آن فرمودند: هر که گلی را بگیرد و بو کند و بر چشمانش گذارد و بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، هنوز آن گل را بر زمین نگذاشته که خدا او را بیمارزد».^(۴)

ص: ۱۶۸

-
- ۱- کافی، ج ۲، ص ۴۹۵، باب الصلوه علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم، ح ۱۹.
 - ۲- معانی الاخبار، ص ۲۴۶، باب معنی البخل، ح ۹.
 - ۳- کافی، ج ۲، ص ۴۹۵، باب الصلوه علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم، ح ۲۰.
 - ۴- امالی صدوق، ۲۱۹، مجلس ۴۵، ح ۷.

نجم سوم: «در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها»

بدان که چون حق سبحانه و تعالی وعده فرموده است که دعای بندگان خود را مستجاب گرداند، البته خلف در وعده الهی نمی باشد، پس این که دعاها اثر استجابتش ظاهر نمی شود به چند وجه جواب می توان گفت:

وجه اول: آن که چون حق تعالی حکیم علیم است، کارهای او البته منوط به حکمت و مصلحت می باشد، پس وعده [ای که فرموده مشروط به حکمت است؛ یعنی اگر مصلحت شما باشد مستجاب می کنم، چنانچه اگر کریمی گوید: هر که از من چیزی می طلبد عطا می کنم، و شخصی بیاید و بگوید: افعی کشنده به دست من بده و یا زهر قاتلی را بده بخورم؛ و آن سائل ضرر آنها را نداند و دادن به او موجب هلاک او گردد، البته عطا نکردن در چنین حال به کرم انساب (۱) است، بلکه عطا کردن جور است، و ظاهر است که اکثر آروزهای خلائق موجب ضرر ایشان است که نمی دانند و از روی جهالت سؤال می نمایند.

و حضرت امام زین العابدین علیه السلام در دعای طلب حاجات صحیفه کامله به این معنی اشاره فرموده: «ای خداوندی که متبدل نمی سازد حکمت او را، وسیله ها» (۲).

ص: ۱۶۹

۱- اَنسَب: شایسته تر، در خور تر، مناسبت تر. (فرهنگ فارسی معین).

۲- صحیفه سجادیّه، دعای سیزدهم، اوائل دعا.

اگر کسی گوید: هرگاه چنین باشد دعا چه فایده دارد؟ زیرا هر چه صلاح بندگان در آن است البته خدای تعالی به عمل می آورد.

در جواب می گویم: ممکن است که یک امری بدون دعا، مصلحت در عطای او نباشد و مصلحت مشروط به دعا باشد.

پس امور بر سه قسم است:

بعضی آن است که بدون دعا، مصلحت در عطای آن هست، آن را بدون دعا کرامت می فرماید.

و بعضی هست که با دعا نیز مصلحت در دادن آن نیست، آن را مطلقاً منع می فرماید.

و بعضی هست که با دعا، مصلحت در عطای آن هست و بی دعا مصلحت نیست؛ چنین امری عطایش موقوف به دعا است، و چون آدمی تمیز این امور به عقل خود نمی تواند کرد، باید که در جمیع امور محتمله که به عقل خود خوب داند دعا بکند، و اگر حاصل نشود عطایش موقوف به دعا است، و اگر حاصل نشد از دعا مأیوس نشود و بداند که البته صلاح او در آن چیز نبوده که حق تعالی دعایش را مستجاب نکرده با آن که اصل دعا کردن عبادتی است بهترین عبادت ها، و موجب قرب می شود.

چنانچه حضرت صادق علیه السلام فرمود: «دعا کن و مگو که آنچه مقدر شده است خواهد شد، به درستی که دعا عبادت است.» (۱) و تفصیل این کلام بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله.

وجه دوم: آن است که هر چیز را شرطی چند می باشد و چند مانعی

ص: ۱۷۰

است، که تا آن شرایط به عمل نیاید و آن موانع بر طرف نشود، ثمره بر آن فعل مترتب نمی شود؛ مثل آن که حق تعالی فرموده که: نماز کنید تا شما را پیامرم، نماز را شرایطی هست که اگر بدون آن شرایط به عمل آورد مقبول نیست. پس اگر کسی نماز بی وضو بکند نماز نکرده است و مستحق آمرزش نیست.

و همچنین مانعی چند از تأثیر می دارد و چنانچه فرموده اند: «نماز موجب قرب است»^(۱) اگر کسی نماز کند و جمیع قبایح را بجا آورد تأثیر آن قبایح که موجب بُعد و حرمان است، مانع است از تأثیر نماز در قرب و همچنین اگر طیبی گوید که ریوند^(۲) مسهل است، یعنی اگر با شرایطی که مقرر است بخورند و چیزی که منافی عمل او باشد بجا نیاورند اسهال می کند، پس اگر ریوند را بدون سِخَق^(۳) که یکی از شرایط عمل آن است با یک مثقال تریاک که منافی عمل آن است بخورد و عمل نکند، گفته طیب خطا نخواهد بود.

و همچنین دعا را شرایط هست، چنانچه در گذشته دانستی از تضرع و زاری و اهتمام و خدانشناسی و عبادت و ترک معاصی و خوردن حلال و تقدیم حمد و ثنا و صلوات و غیر اینها از شرایط و رفع موانعی که گذشت. پس به هر یک از اینها که اخلال کند و دعایش مستجاب نشود، منافات با وعده الهی ندارد، و چون این معنی در ضمن احادیثی که قبلاً در باب شرایط مذکور شد به وضوح پیوسته، به همین اکتفا می نمایم.

ص: ۱۷۱

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۶۴۳، خطبه ۱۹۰.

۲- یک داروی گیاهی.

۳- کوبیدن، ساییدن (فرهنگ فارسی امید).

وجه سوم: آن است که گاه هست که حق تعالی دعایی را مستجاب می فرماید و مصلحت در تأخیر آن می داند، یا برای این که در این وقت به او ضرر می رساند یا می خواهد که او دعا کند و درجات او در مراتب قرب، بلند گردد، و اگر بزودی حاجت او را برآورد ترک دعا می کند و به آن درجات عالیه فایز نمی گردد. و بسیار باشد که حاجت مؤمنی را مستجاب گردانند و بعد از چندین سال به او دهند.

چنانچه منقول است که: «از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می شود که دعای کسی مستجاب شود و در رسانیدن به او تأخیر شود؟ فرمود: بلی تا بیست سال» (۱) و در حدیث دیگر فرمود: «از وقتی که موسی و هارون علیهما السلام بر فرعون و قومش نفرین کردند (۲) و حق تعالی فرمود که دعای شما مستجاب شد (۳) تا وقتی که خدا فرعون را هلاک کرد چهل سال گذشت» (۴).

و به سند صحیح منقول است که: «ابن ابی نصر به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض نمود که: چندین سال است که از خدا حاجتی سؤال می کنم و روا نمی گردد، و از دیر شدن این حاجت در دلم چیزی به هم رسیده. حضرت فرمود: ای احمد! زینهار که شیطان را بر خود راه مده که تو را از رحمت خدا نا امید گرداند. به درستی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: به درستی که مؤمن از حق تعالی حاجتی سؤال می نماید و خدا تأخیر

ص: ۱۷۲

-
- ۱- کافی، ج ۲، ص ۴۸۹، باب من ابطأت علیه الاجابه، ح ۴.
 - ۲- اشاره به آیه ۸۸ سوره یونس می باشد.
 - ۳- سوره یونس، آیه ۸۹.
 - ۴- کافی، ج ۲، ص ۴۸۹، باب من ابطأت علیه الاجابه، ح ۴.

می اندازد استجابت او را، برای این که دوست می دارد شنیدن آواز وی و ناله و زاری او را».

پس حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که: «و الله! که آنچه خدا تأخیر می کند و از مؤمنان منع می فرماید در دنیا، و در آخرت به ایشان می دهد، بهتر است از آنچه در دنیا به ایشان می دهد».

بدرستی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرمود: سزاوار این است که دعای مؤمن در هنگام نعمت و رخا مثل دعای او باشد در وقت شدت و بلا، و چنین نباشد که همین که به او عطا کنند سست شود و دعا را کم کند، پس باید که مؤمن را هرگز از دعا ملال حاصل نشود. به درستی که دعا را رتبه و منزلت عظیم نزد خدا هست و بر تو باد به صبر کردن در بلاها و تنگی ها، و طلب حلال نمودن و صله رحم کردن. و زینهار که پرهیز از عداوت کردن و معارضه نمودن با مردم، به درستی که ما اهل بیت صله رحم می کنیم با کسی که از ما قطع می کند، و احسان می کنیم با کسی که با ما بدی می کند. والله! که در این امر، عافیت نیکو مشاهده می نمایم.

و بدان که صاحب نعمت در دنیا اگر سؤالی کند و به او عطا کنند، دیگر چیزی غیر آن سؤال خواهد کرد و نعمت الهی در نظر او سهل خواهد شد. و چون نعمت الهی بر مسلمان بسیار شد او را خطر عظیم هست به جهت حقوقی که از خدا بر او واجب می شود، و بیم آن هست که فریفته شود و حقوق الهی را ادا ننماید و موجب طغیان او گردد.

بگو به من که اگر سخنی به تو بگویم اعتماد بر گفته من خواهی کرد؟ گفتم: فدای تو گردم! اگر به فرموده شما اعتماد نکنم، به گفته که اعتماد خواهم کرد؟! و حال آن که تو حجت خدایی بر خلق.

فرمود: پس اعتماد به فرموده خدا بیشتر داشته باش، بدرستی که خدا به تو وعده کرده، آیا خدا نفرموده است که «چون بندگان از تو سؤال نمایند از حال من، بگو که من به ایشان نزدیکم؛ مستجاب می کنم دعای دعا کننده ای که مرا بخواند» (۱) و می فرماید: «نا امید مَشوید از رحمت الهی» (۲) و می فرماید: «خدا وعده می کند شما را مغفرت عظیم از جانب خود و فضل بسیار» (۳)، پس باید که اعتماد شما بر خدا زیاده باشد از اعتماد بر دیگران، و در خاطر خود راه مَدَهِید به غیر از گمان نیک به خداوند، تا گناهان شما آمرزیده شود» (۴).

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «بسیار است که حق تعالی دعای شخصی را مستجاب می فرماید و تأخیر می نماید تا مدتی، که او زیاده دعا کند» (۵).

و در حدیث دیگر فرمود: «گاه هست که بنده دعا می کند، پس حق تعالی می فرماید به دو ملک که موکلند به او که من حاجت او را مستجاب کردم، ولیکن الحال به او مَدَهِید تا او دعا کند، که من دوست می دارم آواز او را بشنوم، و گاه هست که بنده دعا می کند، پس حق تعالی می فرماید: زود حاجتش را بدهید که من صدای او را دشمن می دارم» (۶).

ص: ۱۷۴

-
- ۱- سوره بقره، آیه ۱۸۶.
 - ۲- سوره زمر، آیه ۵۳.
 - ۳- سوره بقره، آیه ۲۶۸.
 - ۴- کافی، ج ۲، ص ۴۸۸، باب من ابطأت علیه الاجابه، ح ۱.
 - ۵- همان، ص ۴۸۹، ح ۲.
 - ۶- همان، ص ۴۹۰، ح ۷.

و در حدیث دیگر فرمود: «پیوسته مؤمن با خیر و حالت نیکو است و امیدوار رحمت حق تعالی است مادام که استعجال نکند، که نا امید شود و ترک دعا کند. راوی گفت: چگونه استعجال کند؟ فرمود: استعجال آن است که گوید: این قدر مدّت دعا کردم و اجابت را نمی بینم».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «روزی حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام در کوه بیت المقدس می گشت که چراگاهی برای گوسفندان خود پیدا کند، ناگاه صدای شخصی به گوشش رسید. از پی صدا رفت. دید شخصی مشغول نماز است و طولش دوازده شب است. چون فارغ شد، حضرت خلیل الله پرسید: ای بنده خدا از برای که نماز می کنی؟ گفت: از برای خدای آسمان.

حضرت ابراهیم علیه السلام پرسید: آیا به غیر از تو، کسی از قوم تو باقی مانده است؟ گفت: نه، پرسید که: خوراک تو از کجا به دست تو می آید؟ گفت: در تابستان میوه این درخت را جمع می کنم و در زمستان به آن معاش می کنم. فرمود: منزلت در کجا است؟ اشاره به کوهی کرد که در برابر بود.

حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: مرا با خود نمی بری که امشب با تو بسر بریم. گفت: در میان راه آب عظیمی هست که نمی توان گذشت! حضرت فرمود: تو چگونه عبور می نمایی. گفت: بر روی آب راه می روم. حضرت فرمود: مرا با خود ببر، شاید که خدا به من هم این کرامت بفرماید که بر روی آب راه روم چنانکه به تو کرامت فرموده. پس عابد دست حضرت ابراهیم علیه السلام را گرفت و با هم رفتند. چون به آب رسیدند هر دو روی آب روان

ص: ۱۷۵

۱- همان، ص ۴۹۰، باب من ابطأت علیه الاجابه، ح ۸.

شدند و گذشتند. چون به خانه عابد رسیدند، حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: کدام روز عظیم تر است؟ عابد گفت: روز جزا، که مظالم بندگان را از یکدیگر می گیرند. حضرت فرمود: بیا دست برداریم و خدا را بخوانیم که ما را از شرّ آن روز ایمن گرداند. عابد گفت که: دعای مرا چه می کنی؟ واللّه! که سه سال است که برای مطلبی دعا می کنم و هنوز مستجاب نشده است.

حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: می خواهی تو را خبر دهم که برای چه دعای تو را حبس کرده اند. گفت: بلی. فرمود: حق تعالی چون بنده ای را دوست می دارد، دعای او را حبس می نماید و زود بر نمی آورد تا او بسیار مناجات کند و از جناب مقدس او سؤال نماید و تضرع کند؛ و چون بنده ای را دشمن می دارد، دعایش را زود مستجاب می گرداند یا ناامیدی در دل او می افکند که دیگر دعا نکند.

بعد از آن فرمود که: حاجت تو چه چیز بود؟ گفت: روزی گله گوسفندی بر من گذشت و پسر نیکو رویی با آن گله بود و آن پسر، گیسوی مشکبویی داشت، پرسیدم که این گوسفندان از کیست؟ گفت: از ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام. پس من دعا کردم که خداوند! اگر تو را در زمین خلیل و دوستی هست به من بنما. ابراهیم علیه السلام فرمود: خدا دعای تو را مستجاب گردانیده، منم ابراهیم، دوست خداوندِ رحمن. پس حضرت با او معانقه فرمود و چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم مبعوث شدند مصافحه مقرر شد. (۱)

وجه چهارم: آن است که حق - سبحانه و تعالی - بعضی از بندگان را که حاجتی طلبند و صلاح ایشان در آن نباشد، اضعاف مضاعف آن حاجت را

ص: ۱۷۶

در دنیا و آخرت به ایشان کرامت می فرماید؛ پس دعای ایشان را رد نفرموده و حاجت ایشان را بر وجه اکمل روا کرده است، چنانکه اگر کسی از پادشاهی، فلسی طلب نماید و آن پادشاه در عوض، جواهری به او عطا کند که صد هزار تومان قیمت آن باشد، هیچ عاقل نمی گوید که حاجت او را رد کرده است، بلکه او را مدح می کنند که اضعاف مضاعف آنچه سائل طلبیده به او عطا فرموده.

پس در درگاه پادشاه پادشاهان، این گدایان جاهل و سائلان نادان، مطالب خسیسه را منظور نظر خود می گردانند، و از حق تعالی سؤال می نمایند، و آن کریم علی الاطلاق، نعمتهای بی انتها و رحمت های بی عدد و احصا در برابر، عطا می فرماید، و قدر آنها را نمی دانند، و از عدم حصول آن مطلب خسیس شکایت می نمایند، اما آنچه در آخرت به ایشان کرامت می فرماید، درجات رفیع و مراتب عالیه بهشت است که نامزد محرومان حاجات دنیا و ناکامان عرصه نیستی و فنا گردانیده.

چنانچه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «گاه هست که بنده در حاجتی خدا را می خواند و حق تعالی می فرماید: اجابت دعای او را تأخیر کنید که من مشتاق آواز و دعای اویم؛ پس چون روز قیامت می شود حق تعالی می فرماید: ای بنده من! مرا خواندی در دنیا و اجابت تو را تأخیر کردم و فلان ثواب را به عوض، برای تو مقرر ساخته ام. و در فلان حاجت دیگر مرا خواندی و اجابت تو را تأخیر کردم و فلان ثواب عظیم را به عوض، به تو داده ام، پس آن مؤمن از بسیاری عطا ها و ثواب ها که مشاهده

نماید، آرزو کند که ای کاش هیچ دعای من در دنیا مستجاب نمی شد» (۱). و اما آنچه در دنیا عطا می فرماید، مراتب قرب و کمالات نامتناهی است که لازم دعا است.

ای عزیز! بدان که - حق سبحانه - و تعالی بندگان نادان را به نوعی، از روی غایت لطف و مهربانی، با طبع جهول ایشان مدارا می نماید و به دام و دانه خواهش های طبع سرکش ایشان، از روی حکمت، ایشان را به ساحت کبریایی خود می کشاند؛ چنانچه بلا تشبیه، بازی (۲) را، پادشاهی خواهد شکار کند، اگر اول به او گوید که بیا که من تو را بر سر دست خود می گیرم، و شهباز اوج عزت می گردانم، هیچ فایده در تسخیر آن نمی کند، بلکه اول او را به طعمه و دانه، آشنای دام خود می گرداند و چون قابل شد، بر روی دست خویشش جا می دهد، و به هر جایش که می فرستد به زودی بر می گردد.

و اگر پدر مهربان، طفلی را خواهد که به کسب علوم و حقایق فرستد، اگر صد هزار دلیل و برهان برای او بگوید فایده نمی کند، بلکه او را به جوز و مویز و وعده قبای رنگین و عبای زرین به مکتب آشنا می کند، و چون لذت فهم حقایق و حکمتها را یافت، به سیاست های عظیم، او را از آن شغل باز نمی توان داشت. همچنین این حیوانات عدیم الشعور (۳) و طفل طبعان مغرور، چون فضیلتی و کمالی و لذتی و بهره ای بغیر از خوردنی و پوشیدنی و دینار و درهم و خیل و حشم و سایر لذات جسمانی نیافته اند، حکیم مطلق و کریم لایزال، با نهایت مرتبه عظمت و استغنا و جلال، ایشان را به درگاه

ص: ۱۷۸

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۹۰، باب من ابطأت علیه الاجابه، ح ۹.

۲- باز: نام پرنده ای شکاری.

۳- بی شعور.

خود خواننده که: هر چه خواهید از من بطلبید، و نمک آش خود را از من بخواهید، و سبزی طعام را از من بطلبید، تا آن که از این راه، رو به درگاه او آورند و از بسیاری دعا و توسل و مناجات - با نهایت بیگانگی - به مرتبه آشنایی و قرب فایز گردند و لذت مناجات او بیابند و از خلق، رو برتافته، در جمیع امور رو به او داشته باشند.

زهی کرم بی انتها! که به دام و دانه و نمک و سبزی، ما را به ساحت قرب خود می رساند و به وسیله خواهش های نفسانی، مقرب حضرت یزدانی می گرداند. و آن جاهل نادان، شبیه می کند یا دلگیر است که حاجتم برآورده نشده است «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (۱).

مگر نمی دانی که اصل دعا کردن، عبادتی است و در این ضمن، بندگی خدا کرده ای، و با مالک الملوک مناجات کرده ای، و ثواب های آخرت تحصیل نموده ای، و پا بر بساط قرب خداوند جبار گذاشته ای و خداوند عالم را انیس و هم راز خود گردانیده ای، و به سمع یقین و ایمان، لیبیک ها از عرش رفعت شنیده ای. و اگر معنی مناجات و لذت آن را بفهمی، و رازهای نهان را به گوش دل بشنوی، و دلداری ها و بنده نوازی های آن محبوب حقیقی را در هنگام تضرع و دعا ادراک نمایی، حاجت ها و آرزوهای خود را کم خواهی کرد، [که] اگر رخصت دخول مجلس پادشاهان عاجز [دنیا] بیایی، و گوشه چشم التفاتی از ایشان ببینی، تمام حاجتهای خود را فراموش می کنی.

هیئات، هیئات!! جسم خاکی را همین بس نیست که او را با جناب ربّ الارباب، به مشافهه رخصت مکالمه و عرض حاجات داده اند، و کلیدهای

ص: ۱۷۹

خزاین رحمت را به زبانش سپرده اند، و متکفل امور و مصالح او گردیده اند.

و حضرت ربّ العزّه می فرماید که: تو دعا بکن و خیر خود را به من گذار؛ و او سرکشی می کند و از روی علم ناقص و جهل کامل خود، بر آن جناب گستاخی می کند، و تحکم می نماید. اگر غفلت، عقل ها را پریشان نکرده بود، بایست که کسی که این احادیث متواتره را بشنود که حضرت عزّت می فرماید: حاجت او را بر میاورید، که من آواز او را دوست می دارم و مشتاق ناله اویم»، در ناکامی حاجت بر نیامدن، از شوق، به کام دل بمیرد و دیگر دست جانش دامان خواهش نگیرد.

چون سخن نازک شد و عبارت نارسا است و مطلب وسیع، سخن را مختصر کرده، ختم می کنم این مبحث را، به ذکر جماعتی که دعای ایشان مستجاب است و جمعی که دعای ایشان مستجاب نیست.

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سه کس است که دعای ایشان مستجاب است؛ کسی که به حج بیت الله الحرام رود دعایش مستجاب است؛ پس نیک به احوال بازماندگانشان برسید تا در حق شما دعا کنند. و کسی که به جهاد فی سبیل الله رود؛ پس نیکو خلافت کنید در اهل ایشان. و کسی که بیمار باشد دعایش مستجاب است؛ پس او را به خشم میاورید و دلتنگ نگردانید».^(۱)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «پنج دعا است که از پروردگار عالم محبوب نمی گردد: دعای امام عادل، و دعای مظلوم، - حق تعالی به او می فرماید: البته از برای تو انتقام می کشم اگر چه بعد از مدتی

ص: ۱۸۰

۱- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۹، باب فیمن یتجاب دعائه، ح ۱، ح مسلسل ۲۰۴۲.

باشد - و دعای فرزند صالح از برای پدر و مادرش، و دعای پدر صالح از برای فرزندش، و دعای مؤمن از برای برادر مؤمنش غایبانه؛ حق تعالی می فرماید: تو را دو برابر او کرامت کردم». (۱)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «پرهیزید از نفرین مظلوم، که دعای او را از حجاب ها می گذرانند تا آن که حق تعالی به سوی او نظر می فرماید و می فرماید: بلند کنید دعای او را که من مستجاب می کنم. و پرهیزید از نفرین پدر، که از شمشیر تیز تندتر است». (۲)

و در حدیث دیگر فرمود: «چهار کس اند که دعای ایشان ردّ نمی شود تا آن که درهای آسمان برای ایشان گشوده می شود، و دعای ایشان به عرش می رسد: دعای پدر از برای فرزند، و نفرین مظلوم بر ظالم، و دعای کسی که به عمره رفته باشد، تا برگردد، و دعای روزه دار تا افطار نماید». (۳)

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «سه دعا است که از حق تعالی محجوب نمی شود: دعای پدر برای فرزند اگر به او نیکی کرده، و نفرین پدر بر فرزند اگر عاق او گردد؛ و نفرین مظلوم بر ظالم، و دعای مظلوم برای کسی که او را یاری کند و حقّ او را از ظالم بگیرد؛ و دعای مؤمنی که در حق برادر مؤمنی دعا کند که به او مواسات و احسان کرده باشد برای خشنودی اهل بیت رسول خدا صلوات الله علیهم، و نفرینی که مؤمن بر کسی کند که محتاج به او شده باشد و مضطر باشد و او قدرت بر مواسات

ص: ۱۸۱

۱- همان، ص ۲۰، باب فیمن یتجاب دعائه، ح ۲. ح مسلسل ۲۰۴۳.

۲- عده الداعی، ص ۱۳۲، باب الثالث فی الداعی، القسم الاول.

۳- امالی صدوق، ص ۲۱۸، مجلس ۴۵، ح ۴.

و احسان به او داشته باشد و نکند».(۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «پنج کس اند که دعای ایشان مستجاب نیست: مردی که حق تعالی طلاق زنش را به دست او گذاشته و آن زن، او را آزار می کند و مالی دارد که مهر او را بدهد و او را رها کند و نمی کند و بر او نفرین می کند؛ و کسی که غلامش سه مرتبه بگریزد و او را نفروشد و بر او نفرین کند، باز چون بگریزد دعا کند که خدا او را به او برگرداند؛ و شخصی که در زیر دیوار خم شده شکسته گذرد و تند نگذرد و دعا کند که بر سرش نیاید؛ و شخصی که مالی به کسی قرض دهد و گواه نگیرد، و دعا کند که خدا مالش را به او رساند؛ و شخصی که قدرت بر طلب روزی داشته باشد و در خانه خود بنشیند و طلب نکند و گوید که خدایا مرا روزی ده».(۲)

ص: ۱۸۲

۱- عده الداعی، ص ۱۳۳، باب الثالث فی الداعی، القسم الاول.

۲- خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسه، ح ۷۱.

تنویر سوّم: در ذکر بعضی از اذکار و دعوات و تعقیبات

اشاره

است که به اسانید معتبره منقول گردیده است و این مشتمل بر چند باب است:

باب اول: «در بیان فضیلت اذکار است

باب دوم: «در بیان اذکاری که مخصوص وقتی چندند

ص: ۱۸۳

فصل اول : در فضیلت تسبیحات اربع است

به سند معتبر از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است که: «جمعی از یهود به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمدند و اعلم ایشان از چند مسأله سؤال نمود، و چون جواب شنید[ند] مسلمان شدند. و از جمله مسأله ها این بود که پرسید: یا محمد صلی الله علیه وآله وسلم! مرا خبر ده از کلماتی که حق تعالی آنها را برای حضرت ابراهیم علیه السلام اختیار نمود در هنگامی که خانه کعبه را بنا کرد، حضرت فرمود: بلی، این کلمات بود: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

یهودی پرسید: چه ثواب دارد کسی که این کلمات را بگوید؟ حضرت فرمود: چون بنده، سبحان الله می گوید، با او تسبیح می گویند آنچه در زیر عرشند، پس به گوینده تسبیح ده برابر ثواب تسبیح آنها عطا می کند. و چون الحمد لله می گوید، حق تعالی نعیم دنیا را به او کرامت می فرماید و وصل می کند آن را به نعیم آخرت، و این کلمه ای است که چون اهل بهشت داخل بهشت می شوند این کلمه را می گویند، و سخنانی که در دنیا می گفته اند همه منقطع می شود به غیر این سخن.

و اما «لا إله إلا الله» پس بهشت جزای آن است، چنانچه حق تعالی می فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» یعنی نیست جزای «لا إله إلا الله» مگر بهشت. یهودی گفت: راست می گویی ای محمد صلی الله علیه وآله وسلم! (۱)

به سند معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که «سبحان الله» می گوید، حق تعالی برای او در بهشت درختی غرس می نماید؛ و کسی که «الْحَمْدُ لِلَّهِ» می گوید، درختی برای او می کارد؛ و کسی که «لا اله الا الله» می گوید، درختی برای او می کارد؛ و کسی که «الله اکبر» می گوید، درختی برای او غرس می نماید.

شخصی از قریش به حضرت عرض نمود: پس ما در بهشت درخت بسیار داریم. حضرت فرمود: بلی؛ ولیکن پرهیزید از این که آتشی بفرستید که آن درختان را بسوزاند، زیرا که حق تعالی می فرماید که: ای گروه مؤمنان! اطاعت نمایید خدا و رسول را و باطل مکنید عملهای خود را». (۲)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «فقرا به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمدند و گفتند: یا رسول الله! اغنیا را مالی هست که به آن بنده آزاد کنند، و ما نداریم؛ و ایشان را مالی هست که به آن حج کنند، و ما را نیست؛ و ایشان مال دارند که به آن تصدق کنند، و ما نداریم؛ و ایشان مال دارند که به وسیله آن در راه خدا جهاد کنند، و ما نداریم.

حضرت فرمود: هر که صد مرتبه «الله اکبر» بگوید بهتر است از صد مرتبه بنده آزاد کردن، و هر که صد مرتبه «سبحان الله» بگوید بهتر است از

ص: ۱۸۶

۱- امالی صدوق، ص ۱۵۸ و ص ۱۵۹، مجلس ۳۵، در ضمن ح ۱.

۲- همان، ص ۴۸۶، مجلس ۸۸، ح ۱۴.

صد شتر با خود بردن به حج که بکشند آنها را از برای خدا، و هر که صد مرتبه «الحمد لله» بگوید بهتر است از صد اسب که زین و لجام کرده مردم را سوار کنند و به جهاد فرستند، و هر که صد مرتبه «لا اله الا الله» بگوید کسی از او در آن روز عملش بهتر نباشد مگر کسی که زیاده از صد مرتبه بگوید. پس چون این خبر به اغنیا رسید ایشان نیز این اعمال را بجا آوردند. فقرا به خدمت آن حضرت آمدند و گفتند که اغنیا نیز این کارها کردند؛ حضرت فرمود که این فضل خداست به هر که می خواهد عطا می فرماید» (۱).

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «حق تعالی بر خود واجب گردانیده است که هر مؤمنی صد مرتبه «الله اکبر» بگوید و صد مرتبه «الحمد لله» و صد مرتبه «سبحان الله» و صد مرتبه «لا اله الا الله» بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید «اللهم زوِّجني من الحور العين» البته حق تعالی حوریّه ای در بهشت به او کرامت فرماید؛ و این پانصد کلمه مهر آن حوریّه باشد. پس از این جهت حق تعالی به حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و حی فرمود که مهر زنان مؤمنه را پانصد درهم، سنّت گرداند» (۲).

و به سند معتبر منقول است که: بسیار بگویید: «لا اله الا الله والله اكبر» را که هیچ چیز نزد خدا محبوب تر از این دو کلمه نیست» (۳).

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «سبحان الله» نصف میزان اعمال است، و «الحمد لله» پر می کند میزان اعمال را، و

ص: ۱۸۷

- ۱- کافی، ج ۲، ص ۵۰۵ باب التسييح و التهليل والتكبير، ح ۱.
- ۲- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۸۴، باب ۳۲، ج ۲۵.
- ۳- کافی، ج ۲، ص ۵۰۶، باب التسييح و التهليل والتكبير، ح ۲.

«اللَّهُ أَكْبَرُ» ما بین آسمان و زمین را پر می کند».(۱)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «بسیار بگویند «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، به درستی که این کلمات می آیند در روز قیامت با خیرات و ثواب های عظیم که از پیش رو و عقب خود دارند، و اینها بقیات صالحات، یعنی امور شایسته که از برای آدمی باقی می ماند نفع آنها، و حق تعالی فرموده است که باقیات صالحات بهتر و پاینده تر است از متاع های زندگانی دنیا».(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم روزی به اصحاب خود التفات نموده، فرمودند که: برای خود سپرها اخذ کنید و مهیا سازید، صحابه گفتند: مگر دشمنی به ما روی آورده است که سپر از برای دفع ضرر ایشان مهیا می باید کرد؟ فرمود: نه، ولیکن از برای دفع آتش جهنم از خود بگویند: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».(۳)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: هر که بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ» نه از روی تعجب، حق تعالی از آن تسییح مرغی خلق فرماید که آن مرغ را زبانی بوده باشد، و در میان ملائکه مسبحان تسییح الهی کند تا روز قیامت، و همچنین است «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ».(۴)

ص: ۱۸۸

۱- همان، ح ۳.

۲- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۶، باب ثواب من قال سبحان الله...، ح ۲.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۷، صدرح ۳۲، در تفسیر سوره کهف.

۴- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۷، باب ثواب من قال سبحان الله، ح ۱.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «حق تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب فرمود: اگر آسمانها و ساکنان آنها و زمینهای هفت گانه در یک کفه ترازو باشند و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در کفه دیگر، این بر آنها زیادتی می کند» (۱).

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: تلقین کنید مرده های خود را در وقت جان کندن به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که گناهان را خراب می کند و در هم می کشند. صحابه گفتند: یا رسول الله! کسی که در صحت بگوید چون است؟ حضرت فرمود: این بیشتر باعث درهم شکستن و برطرف شدن گناهان می شود، به درستی که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مونس من است در حال حیات و نزد مردن و در هنگام مبعوث شدن، همانا جبرئیل علیه السلام به من گفت که یا محمد صلی الله علیه و آله وسلم! در قیامت جمعی را خواهی دید که از قبرها رو سفید مبعوث می شوند، و به آواز بلند می گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و جمعی روسیاه می شوند و فریاد

ص: ۱۸۹

می کنند یا وَيْلَاهُ يَا ثُبُورَاهُ» (۱).

و به سند دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «قیمت بهشت «لا اله الا الله» است» (۲).

و به سند دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که «لا اله الا الله» بگوید برای او درختی در بهشت بکارند از یاقوت سرخ که ریشه اش از مشک سفید باشد، و میوه اش از عسل شیرین تر و از برف سفیدتر باشد، و از مشک خوشبو تر و در آن درخت میوه ها باشد به شکل پستان دختران باکره که چون شکافته شود هفتاد حله از میان آن بیرون آید» (۳).

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر بنده مسلمانی که «لا اله الا الله» بگوید آن کلمه بالا رود، و هر سقفی را بشکافد، و به هر گناهی از گناهان او که برسد محو نماید، تا چون به حسنات او رسد قرار گیرد» (۴).

و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هیچ عملی ثوابش عظیم تر از شهادت «لا اله الا الله» نیست» (۵).

و به سند صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بهترین عبادت ها گفتن «لا اله الا الله» است» (۶).

ص: ۱۹۰

- ۱- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۶، ح ۳.
- ۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۹۶ و ۲۰۱ ح ۱۵ و ۳۳.
- ۳- همان، ح ۵.
- ۴- همان، ص ۱۷، ح ۷.
- ۵- کافی، ج ۲، ص ۵۱۶، باب من قال لا اله الا الله، ح ۱.
- ۶- همان، ذیل ح ۲، ص ۵۱۷.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه «لا-إِلَهَ إِلَّا اللهُ» بگوید، عمل او در آن روز بهترین اعمال مردم باشد مگر کسی که بیشتر از او این کلمه را گفته باشد» (۱).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «هر عبادتی را اندازه‌ای هست که به آن منتهی می‌شود، مگر ذکر حق تعالی که آن را حدی نیست که به آن منتهی شود؛ چنانچه حق تعالی نمازهای پنجگانه را واجب گردانیده است، کسی که آنها را ادا نماید به حدش رسانیده است؛ و همچنین کسی که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد، قرضش را ادا کرده است؛ و کسی که یک مرتبه حج کند، اندازه اش به عمل آمده است؛ به غیر ذکر و یاد خدا که حق تعالی به اندک راضی نشده است، و اندازه و نهایی برای آن مقرر نساخته است. بعد از آن آیه را خواندند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» که ترجمه ظاهر لفظش این است که: ای گروه مؤمنان! یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار، و تسبیح و تنزیه کنید او را در بامداد و پسین، پس نهایی برای ذکر مقرر نساخت. بعد از آن فرمود: پدرم بسیار یاد خدا می‌کرد، با او که راه می‌رفتم مشغول ذکر بود، و چون با او طعام می‌خوردم او را مشغول ذکر می‌دیدم، و چون با مردم سخن می‌گفت سخن گفتن او را از یاد خدا باز نمی‌داشت، و پیوسته می‌دیدم که زبانش به کامش چسبیده بود و مشغول ذکر «لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» بود، و در صبح ما را جمع می‌کرد و امر می‌فرمود که مشغول ذکر و یاد خدا باشیم تا طلوع آفتاب، و می‌فرمود که هر که

قرآن

ص: ۱۹۱

۱- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۸، باب من قال لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مائة مرة. ح ۱.

می تواند خواند قرآن را بخواند، و هر که قرآن نمی تواند خواند ذکر خدا بکند، و خانه ای که در آن قرآن می خوانند و یاد خدا می کنند برکت آن خانه بسیار می شود، و شیاطین از آن خانه دوری می کنند، و آن خانه روشنی می دهد اهل آسمان را، چنانچه ستاره های روشن، اهل زمین را روشنی می دهند؛ و خانه ای که در آن قرآن خوانده نمی شود، و یاد خدا در آن نمی کنند، برکت آن خانه کم است، و ملائکه از آن خانه دوری می کنند، و شیاطین در آنجا حاضر می باشند»^(۱).

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آیا شما را خبر دهم به بهترین اعمال که بیشتر موجب رفع درجات شما گردد و نزد خداوند شما، مقبول تر باشد از برای شما، از دینار و درهم، و بهتر باشد از برای شما از این که با دشمنان دین ملاقات کنید، و بکشید و کشته شوید؟ گفتند: بلی.

فرمود: یاد خدا بسیار کنید. پس فرمود: شخصی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و پرسید که بهترین اهل این مسجد کیست؟ فرمود: هر که ذکر خدا بیشتر کند. فرمود که: هر که را خدا زبانِ ذکر کننده عطا فرماید، همانا خیر دنیا و آخرت به او کرامت فرموده است»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که خدا را بسیار یاد کند او را بسیار دوست دارد، و هر که ذکر خدا بسیار کند حق تعالی دو برات برای او بنویسد، یکی بیزاری از آتش جهنم و یکی بیزاری از نفاق»^(۳).

ص: ۱۹۲

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۹۸، باب ذکر الله عزوجل کثیراً، ح ۱.

۲- همان، ص ۴۹۹، ذیل روایت ۱.

۳- همان، ص ۵۰۰، ح ۳.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را از روی اخلاص بگوید داخل بهشت شود، و اخلاص او آن است که این کلمه طیبیه او را مانع شود از مرتکب شدن هر چیزی که خدا آن را حرام کرده است».^(۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید بر غیر وجه تعجب، خدا از آن کلمه مرغی خلق فرماید که تا روز قیامت بر بالای سر گوینده آن کلمه بال زند، و ذکر خدا کند، و ثوابش از او باشد».^(۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «تلقین کنید مرده های خود را به «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به درستی که هر که آخر کلامش «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» باشد داخل بهشت می شود».^(۳)

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «چون حضرت نوح علیه السلام داخل کشتی شد حق تعالی به او وحی نمود که هر وقت خوف غرق شدن داشته باشی هزار مرتبه «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگو».^(۴)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «جبرئیل علیه السلام به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: یا محمد! خوشا به حال کسی از امت تو که بگوید: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ»».^(۵)

ص: ۱۹۳

-
- ۱- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۹، باب من قال لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مخلصاً، ح ۱.
 - ۲- همان، ص ۲۲، باب من قال لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ من غیر تعجب، ح ۱.
 - ۳- امالی صدوق، ص ۴۳۴، مجلس ۸۰، ح ۵.
 - ۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۵، باب ۳۱، ضمن ح ۲۰۶.
 - ۵- کافی، ج ۲، ص ۵۱۷، باب من قال لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، ح ۱.

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» بگوید، خداوند عزیز جبار او را پناه دهد از فقر، و وحشت قبر او را به انس مبدل گرداند، و سبب توانگری او گردد، و چنان باشد که در بهشت را کوبد».(۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز سی مرتبه این تهلیل را بخواند رو کند به توانگری، و پشت کند به درویشی و فقر، و در بهشت را بکوبد».(۲)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز پانزده مرتبه این تهلیل را بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَضَدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غُبُودِيَّةً وَرِقًّا» حق تعالی روی رحمت خود را به سوی او بدارد، و از او روی لطف بر نتابد تا او را داخل بهشت گرداند».(۳)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» حق تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و به روایت دیگر دو هزار هزار حسنه برای او ثبت نماید».(۴)

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز ده مرتبه این دعا را بخواند «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» بنویسد حق تعالی

ص: ۱۹۴

- ۱- محاسن برقی، ص ۳۲، باب ۱۸، ح ۲۲، ثواب قول لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ...
- ۲- ثواب الاعمال، ص ۲۳، باب من قال فی کل یوم ثلاثین مره ...، ح ۱.
- ۳- ثواب الاعمال، ص ۲۴، باب من قال فی کل یوم خمس عشر مره ...، ح ۱.
- ۴- کافی، ج ۲، ص ۵۱۸، باب من قال اشهد ان لا اله الا الله ...، ح ۱.

عزّ شأنه از برای او چهل و پنج هزار حسنه، و محو کند از نامه گناهان او چهل و پنج هزار گناه، و بلند گرداند از برای او چهل و پنج هزار درجه.» (۱) و در روایت دیگر وارد شده است که: «این دعا، حرزی باشد برای او در آن روز از شرّ شیطان و مردم صاحب سلطنت؛ و در آن روز گناه کبیره او را فرا نگیرد.» (۲)

و به روایت دیگر وارد شده است که: «هر که در هر روزی این دعا را بخواند، حق تعالی برای او چهل و پنج هزار درجه بلند گرداند، و چنان باشد که در آن روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد، و حق تعالی در بهشت خانه ای برای او بنا فرماید.» (۳)

ص: ۱۹۵

۱- همان، ص ۵۱۹، باب من قال عشر مرات فی کل یوم «اشهد ان لا اله الا الله» ح ۱.

۲- همان، ذیل ح ۱.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۹، باب ۲۱، ح ۱.

به سند معتبر از یونس بن یعقوب منقول است که: «[او] از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود: کسی که صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید [آیا] و ذکر بسیار کرده، و به فرموده خدا در این که امر به ذکر کثیر نموده، عمل کرده است؟ فرمود: بلی.» (۱)

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» حق تعالی سه هزار حسنه از برای او ثبت نماید، و سه هزار گناه از او محو نماید، و سه هزار درجه از برای او مرتفع گرداند، و مرغی در بهشت از برای او خلق نماید که تسبیح الهی کند، و ثواب تسبیحش از او باشد.» (۲)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «چون بنده «سُبْحَانَ اللَّهِ» می گوید جمیع ملائکه بر او صلوات می فرستند.» (۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر کسی سی مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» رو کند

ص: ۱۹۶

-
- ۱- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۷، ثواب من قال سبحان الله مأه مره ح ۱.
 - ۲- همان، ثواب من قال سبحان الله و بحمده، ح ۱.
 - ۳- معانی الاخبار، ص ۹، باب معنی سبحان الله، ح ۳.

به توانگری، و پشت کند از فقر، و بگوید در بهشت را».(۱)

و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» ایزد تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و هزار هزار گناه از او محو نماید، و هزار هزار درجه برای او بلند کند؛ و هر که زیاده بگوید، خدا ثوابش را زیاده کند؛ و هر که استغفار کند، خدا گنااهش را بیاورد».(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز سی مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید حق تعالی از او دفع نماید هفتاد نوع از بلا را که سهل تر آنها فقر باشد».(۳) و به سند دیگر همین مضمون از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است.(۴)

و به سند دیگر از آن حضرت منقول است که: «حق سبحانه و تعالی چون نور مقدس نبوی صلی الله علیه وآله وسلم را خلقت نمود او را در حجاب القدره دوازده هزار سال ساکن گردانید، و در آن جا آن حضرت این تسبیح می گفتند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى [وَبِحَمْدِهِ]» و در حجاب العظمه یازده هزار سال ماندند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ عَالَمِ السَّرِّ» و در حجاب المنه ده هزار سال ماندند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَلْهُو» و در حجاب الرحمه نه هزار سال ساکن بودند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى» و در حجاب السعاده هشت هزار سال بودند و این تسبیح را می گفتند: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَسْهُو» و در حجاب الكرامه

ص: ۱۹۷

- ۱- امالی صدوق، ص ۲۳۲، مجلس ۴۷، ح ۱۳.
- ۲- معانی الاخبار، ص ۴۱۱، نوادر المعانی، ح ۹۸.
- ۳- امالی صدوق، ص ۵۴، مجلس ۱۳، ح ۴.
- ۴- خصال، ج ۲، ص ۵۰۵، ابواب الستة عشر، ج ۲.

هفت هزار سال به این تسییح مشغول بودند: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ» و در حجاب المنزله شش هزار سال به این تسییح مشغول بودند: «سُبْحَانَ الْعَلِيمِ الْكَرِيمِ» و در حجاب الهدایه پنج هزار سال ماندند و این تسییح می فرمودند: «سُبْحَانَ ذِي الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» و در حجاب النبوه چهار هزار سال سکنی داشتند به این تسییح [مشغول بودند]: «سُبْحَانَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ» و در حجاب الزفعه سه هزار سال ماندند و این تسییح می گفتند: «سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ» و در حجاب الهیه دو هزار سال بودند و خدا را این تسییح می نمودند: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» و در حجاب الشفاعة هزار سال به این تسییح اشتغال داشتند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ». (۱)

ص: ۱۹۸

۱- معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳۰۶، باب معنی القمیص و الرداء و ...، ح ۱.

به سند معتبر منقول است که: «از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کدام عمل نزد خدا بهترین اعمال است؟ فرمود: حمد او کردن»^(۱) و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» شکر جمیع نعمتهای خدا را ادا کرده است»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه التَّحِيَّةُ وَالتَّنَاءُ منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که را خدا نعمتی به او کرامت فرماید حمد الهی بکند، و هر که روزی او دیر برسد استغفار بکند، و هر که را اندوهی رو دهد یا کار دشواری پیش آید بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^(۳).

و به سند معتبر دیگر از حضرت امام رضا علیه التَّحِيَّةُ وَالتَّنَاءُ منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم را امری رو می داد که موجب سرور بود می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ» و چون امری رو می داد که مورث الم^(۴) بود می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»^(۵).

ص: ۱۹۹

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحمید و التمجید، ح ۲.

۲- خصال، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسه، ذیل ح ۷۲.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶، باب ۳۱، ح ۱۷۱.

۴- موجب ناراحتی می شد.

۵- امالی طوسی، ص ۵۰، مجلس دوم، ح ۳۳، ح مسلسل ۶۴.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم هر روز حمد الهی می کردند سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن، به این حمد که «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ» (۱).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون کسی را بینی که به بلایی مبتلا گردیده است، سه مرتبه این تحمید را آهسته بخوان که او نشنود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ» بعد از آن فرمود: هر که در این حال این دعا را بخواند، هرگز به آن نوع بلا مبتلا نشود» (۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «هر که بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ» کاتبان اعمال از نوشتن باز می مانند و می گویند: خداوند! ما غیب را نمی دانیم، یعنی حمدی را که تو سزاواری ثواب آن را نمی دانیم؛ حق تعالی در جواب ایشان می فرماید که: آنچه بنده من گفته شما بنویسید و ثوابش بر من است» (۳).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز هفت مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْهِي كَائِنَةً» شکر نعمتهای گذشته و آینده را ادا کرده است» (۴).

ص: ۲۰۰

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التحمید و التمجید، ح ۳.

۲- امالی صدوق، ص ۲۲۰، مجلس ۴۵، ح ۱۲.

۳- ثواب الاعمال، ص ۲۸، ثواب من قال الحمد لله كما هو أهله، ح ۱.

۴- همان، ص ۲۴، ثواب من قال في كل يوم سبع مرات ...، ح ۱.

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «خود را خوشبو و معطر گردانید به استغفار، تا رسوا نکند شما را بوی های بد گناهان». (۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «استغفار روزی را زیاد می کند». (۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بهترین دعاها استغفار است». (۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون بنده استغفار بسیار کند، صحیفه عملش که بالا می رود می درخشد و نور می دهد». (۴)

و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «هر که بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» او متکبر و جبار نیست». (۵)

ص: ۲۰۱

۱- امالی طوسی، ص ۳۷۲، مجلس ۱۳، ح ۵۲، ح مسلسل ۸۰۱.

۲- خصال، ج ۲، ص ۵۰۵، ابواب الستة عشر، ح ۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۰۴، باب الاستغفار، ح ۱.

۴- همان، ح ۲.

۵- خصال، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الخمسه، ذیل ح ۷۲.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «استغفار کردن و گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بهترین عبادات است» (۱).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در مجلسی که می نشستند هر چند اندک بود بر نمی خاستند تا بیست و پنج مرتبه استغفار نمی کردند» (۲).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم هفتاد مرتبه می فرمودند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و هفتاد مرتبه می فرمودند: «تُوبُ إِلَى اللَّهِ» (۳).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که گناهی می کند هفت ساعت او را مهلت می دهند؛ پس اگر این استغفار را سه مرتبه خواند بر او نمی نویسند «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَتُوبُ إِلَيْهِ» (۴).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در روزی صد مرتبه بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد، و خیری نیست در بنده ای که روزی هفتصد گناه بکند» (۵).

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر مؤمنی که در شبانه روز چهل گناه کبیره بکند و با ندامت و پشیمانی بگوید:

ص: ۲۰۲

۱- کافی ج ۲، ص ۵۰۵، باب الاستغفار، ح ۶.

۲- همان، ص ۵۰۴، ح ۴.

۳- همان، ص ۵۰۵، ح ۵.

۴- همان، ص ۴۳۸، باب الاستغفار من الذنب، ح ۵.

۵- همان، ص ۴۳۹، ح ۱۰.

«أَسْئَلُ تَعَفُّرَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْئَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ» البته حق تعالی آن گناهان را بیامرزد، و خیری نیست در بنده [ای] که شبانه روزی چهل گناه کبیره بکند». (۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در هر روز و شبی صد مرتبه توبه و استغفار می کردند با آن که گناهی از آن حضرت هرگز صادر نمی شد». (۲)

ص: ۲۰۳

۱- همان ۴۳۸، ح ۷.

۲- خصال، ص ۲۱۸، ح ۴۳، و امالی صدوق، ص ۱۵، ح ۲.

به سند معتبر از حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام منقول است که فرمود: «عجب دارم از کسی که او را خوفی از دشمنی یا غیر آن باشد، چرا پناه به این کلمه نمی برد که: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» زیرا حق تعالی می فرماید: آن جماعتی که این کلمه را گفتند، برگشتند با نعمتی عظیم از جانب خدا و فضل بسیار، و به ایشان نرسید بدی.

و عجب دارم از کسی که غمی او را عارض می شود؛ چرا پناه نمی برد به این کلمه که حضرت یونس علیه السلام در شکم ماهی گفت: «لا-إلهَ إلا-أنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» زیرا حق تعالی بعد از آن می فرماید: پس ما دعای یونس را مستجاب کردیم و او را از غم نجات دادیم، و چنان که او را نجات دادیم، همچنین نجات می دهیم مؤمنان را.

[و عجب دارم از کسی که دشمنان در مقام مکر او باشند، چرا پناه نمی برد به این آیه که: «أَفَوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» زیرا حق تعالی می فرماید که: چون مؤمن آل فرعون این کلمه را گفت، خدا او را حفظ کرد و نگاه داشت از بدی های آنچه مکر نسبت به او کرده بودند].^(۱)

ص: ۲۰۴

۱- داخل [] از نسخه اصلی اسقاط شده است.

و عجب دارم از کسی که اراده مال و متاع دنیا داشته باشد، چرا پناه نمی برد به این کلمه که: «مَاشَاءَ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» زیرا حق تعالی می فرماید: برادر مؤمن به برادر کافر گفت که چرا داخل باغ خود که شدی این کلمه را نگفتی؟ اگر مرا چنین می بینی که مال و فرزندم از تو کمتر است، پس شاید پروردگار من بهتر از بهشت تو، به من عطا فرماید، و «شاید» را، حق تعالی در مقام جزم اطلاق می کند» (۱).

و به سندهای معتبر از آن حضرت صلوات الله علیه منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمده شکایت نمود از وسوسه سینه و بسیاری قرض و احتیاج. حضرت فرمود که: مکرر این کلمات را بخوان:

«تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمِيدِ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلِعَدًّا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا».

بعد از اندک وقتی آن مرد به خدمت آن حضرت آمد و گفت: به برکت آن دعا، حق تعالی وسوسه سینه مرا بر طرف کرد، و قرض مرا مؤدّی ساخت، و روزی مرا فراخ گردانید» (۲).

و به سند صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: حضرت آدم علیه السلام به حق تعالی شکایت کرد از وسوسه خاطر و اندوه، جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: یا آدم! بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» چون آدم علیه السلام این کلمه را گفت وسوسه و اندوه از او بر طرف شد» (۳).

ص: ۲۰۵

۱- امالی صدوق، ص ۱۵، مجلس دوم، ح ۲.

۲- کافی، ج ۲، ص ۵۵۵، باب الدعاء للدين، ح ۳.

۳- امالی صدوق، ص ۴۳۶، مجلس ۸۱، ح ۵.

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که نعمتهای الهی بر او بسیار شود بگوید: **«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»** و کسی که فقر و احتیاج بر او زیادتی کند بسیار بگوید: **«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»** به درستی که این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت، و در آن شفای هفتاد و دو درد هست که کمتر آنها هم و اندوه است» (۱).

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در شب معراج حق تعالی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وحی فرمود که: «به تو عطا می کنم دو کلمه از خزینه های عرش خود: **«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا مَلْجَأَ مِثْلَكَ إِلَّا إِلَيْكَ»**» (۲).

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که: «هر که را اندوهی عارض شود بگوید: **«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»**» (۳).

و در حدیث دیگر منقول است که: «ابوذر رَحِمَهُ اللهُ گفت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مرا وصیت نمود که این کلمه را زیاد بگویم» (۴).

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز صد مرتبه **«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»** بگوید، حق تعالی از او هفتاد نوع از بلا دفع نماید که سهل تر آنها غم و اندوه باشد» (۵).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که دعا کند

ص: ۲۰۶

۱- همان، ص ۴۴۷، مجلس ۸۲، ح ۱۳.

۲- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱، در تفسیر سوره اسری، آیه اول.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶، باب ۳۱، ح ۱۷۱.

۴- خصال، ج ۲، ص ۳۴۵، باب السبعة ح ۱۲.

۵- ثواب الاعمال، ص ۱۹۵، ثواب من قال فی کل یوم لا... ح ۱.

و ختم کند دعای خود را به گفتن «مَاشَاءَ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» البته دعای او مستجاب شود». (۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هفتاد مرتبه بگوید «مَاشَاءَ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» حق تعالی بگرداند از او هفتاد نوع از انواع بلا که کمتر آنها آن باشد که دیوانه شود و به سبب دیوانگی هلاک بشود». (۲)

و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: «خدا را مَلْکِ هست موکَل به آسمان اول، اسماعیل نام دارد، چون بنده هفت نوبت می گوید: «يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» آن ملک می گوید: اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ صدای تو را شنید هر حاجتی که داری بطلب تا عطا کند». (۳)

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که ده مرتبه بگوید: «يَا اَللَّه» حق تعالی به او خطاب فرماید که: لَئِيكَ! چه حاجت داری و همچنین اگر ده مرتبه «يَا رَبِّ» بگوید، همین خطاب کنند او را». (۴)

همچنین به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که بگوید: «يَا رَبِّي اَللَّه» آن قدر که یک نفس او وفا کند، به او خطاب فرماید حق تعالی که: لَئِيكَ! حاجت خود را بگو». (۵)

و در حدیث دیگر فرمود: «بعضی از فرزندان پدرم بیمار شدند. پدرم بر او گذشت، فرمود: ده مرتبه بگو «يَا اَللَّه» که هیچ یک از مؤمنان ده مرتبه

ص: ۲۰۷

-
- ۱- همان، ص ۲۴، ثواب من دعا و ختم دعائه ...، ح ۱.
 - ۲- کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، باب من قال ما شاء الله ...، ح ۲.
 - ۳- دعوات راوندی، ص ۴۵، فصل فی الدعاء، ح ۱۰۹.
 - ۴- کافی، ج ۲، ص ۵۱۹ و ص ۵۲۰، باب من قال يا الله، ح ۱؛ و باب من قال رب، ح ۱.
 - ۵- محاسن، ص ۳۵، باب ۲۷، ح ۳۲.

این کلمه را نمی گوید مگر آن که پروردگار عالم می فرماید که: لَبَّيْكَ أَيُّ بِنْدَةٍ مِنْ! حاجت خود را سؤال کن». (۱)

و به سند معتبر از امام رضاعلیه السلام منقول است که فرمود: «پدرم را در خواب دیدم، فرمود که: هرگاه به شدتی و سختی گرفتار شوی بسیار بگو «یا رَوْفُ یا رَحِيمُ». (۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که به بعضی از اصحاب خود فرمود: «می خواهی به تو تعلیم کنم اسم اعظم الهی را، بخوان سوره حمد و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و آیةالکرسی و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» پس رو به قبله کن و هر حاجت که داری از خدا بطلب». (۳)

و به سند معتبر از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «اسم اکبر خدا «یا حَيُّ یا قَيُّوْمُ» است». (۴) و به روایت دیگر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که: «این دعا مشتمل است بر اسم اعظم:

«ياَ اللهُ ياَ اللهُ وَخَدَكَ وَخَدَكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ وَذُو الْأَسْمَاءِ الْعِظَامِ وَذُو الْعِزِّ الَّذِي لاَ يُرَامُ وَالْهُكْمُ إِلَهُ واحِدٌ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ». بعد از خواندن این دعا، هر حاجتی که داری بطلب». (۵)

و به سند معتبر از سگین بن عمار مروی است که گفت: «شبی در مکه

ص: ۲۰۸

۱- قرب الاسناد، ص ۱، ح ۲.

۲- مسند الامام الرضاعلیه السلام، ج ۲، ص ۶۶، ح ۸۶.

۳- مهج الدعوات، ص ۳۱۶، فی تعیین اسم الاعظم.

۴- همان، ص ۳۱۷، فی تعیین اسم الاعظم.

۵- همان، ص ۳۲۱، من الروایات فی اسم الله.

خوابیده بودم. شخصی به خواب من آمد و گفت: برخیز که شخصی خدا را در زیر میزاب به اسم اعظم «رَبُّ الْاَرْبَابُ» می خواند. بیدار شدم و به خواب رفتم؛ پس بار دیگر مرا صدا زد و همان سخن را گفت. بیدار شدم و باز به خواب رفتم؛ در مرتبه سوم مرا صدا زد که برخیز که موسی بن جعفر علیهما السلام خدا را به اسم اعظم می خواند در تحت میزاب، سکین می گوید که: برخاستم و غسل کردم، چون به نزد حجر آمدم، شخصی را دیدم که جامه خود را بر سر پیچیده و در سجده است؛ در پشت سر آن حضرت نشستم، این دعا را می خواندند «يَانُورُ يَا قُدُّوسُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ» سه مرتبه، «يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» سه مرتبه، «أَسْئَلُكَ بِإِلَهِ الْأَلَاءِ أَنْتَ» سه مرتبه، «أَسْئَلُكَ بِإِلَهِ الْأَلَاءِ أَنْتَ» سه مرتبه، «أَسْئَلُكَ بِأَسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْعَزِيزِ الْمُتَبِينِ» سه مرتبه؛ سکین گفت که آن حضرت مکرر این دعا را خواندند تا من حفظ کردم». (۱)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر مؤمنی که این کلمات را بخواند من ضامن اویم در دنیا و آخرت؛ اما در دنیا، پس ملائکه او را بشارت دهند در هنگام مردن؛ و اما در آخرت، پس حق تعالی به عدد هر کلمه خانه ای در بهشت به او کرامت فرماید، و دعا این است: «يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَيَا أَبْصَرَ الْبَصِيرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ»». (۲)

ص: ۲۰۹

۱- همان، ص ۳۲۱، من الروایات فی اسم اللّٰه.

۲- قرب الاسناد، ص ۲، ح ۵.

واین باب مشتمل است بر چند فصل

فصل اول: در تعقیب نماز صبح و شام است و اذکاری که در صبح و شام باید خواند

به سندهای معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «چون از نماز شام فارغ شوی از جای خود حرکت مکن تا صد مرتبه بگویی: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و همچنین صد مرتبه بگویند بعد از نماز صبح؛ به درستی که هر که در این دو وقت این را بخواند، حق تعالی از او دفع کند صد نوع از انواع بلا را که کمتر آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد». (۱)

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه این کلمات را بخواند بعد از نماز صبح، به اسم اعظم الهی نزدیکتر است از سیاهی چشم به سفیدی آن، به درستی که اسم اعظم در این کلمات داخل است». (۲)

ص: ۲۱۰

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۳۱، باب القول عند الاصبح و الامساء، ح ۲۹.

۲- مهج الدعوات، ص ۳۱۶، فی تعیین اسم الاعظم.

و به چندین سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که این کلمات را بعد از نماز صبح و شام هفت مرتبه بخواند، حق تعالی از او هفتاد نوع از بلا دفع کند که کمترش قولنج و پیسی و دیوانگی و خوره باشد، و اگر نامش در نامه اشقیاء باشد محو کنند و در نامه سعادت ثبت نمایند».^(۱) و در روایت دیگر سه مرتبه واقع شده است با همین ثواب.^(۲)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه بعد از نماز صبح بگوید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» در آن روز نبیند امری را که مکروه او باشد».^(۳)

و به سندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب ده مرتبه این تهلیل را بخواند که: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». کفاره گناهان او باشد در آن روز؛^(۴) و به روایت دیگر خدا را ملاقات نکند بنده به بهتر از عمل او، مگر کسی که عمل او را کرده باشد».^(۵)

و در روایت دیگر وارد شده است که: «سنت واجب است که این تهلیل را ده مرتبه بخوانند و ده مرتبه بگویند: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَخْضُرُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و فرمود که

ص: ۲۱۱

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۳۱، باب القول عند الاصبح ...، ح ۲۵ و ۲۶.

۲- همان، ح ۲۷.

۳- همان، ص ۵۳۰، ح ۲۴.

۴- همان، ص ۵۱۸، من قال لا اله الا الله، ح ۱.

۵- همان، ح ۲.

اگر این ذکر را در این وقت فراموش کنی قضا کن چنانکه نماز را قضا می کنی و احادیث در فضیلت این دو ذکر بسیار است»^(۱).

و به سند معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت طلوع صبح، ده مرتبه این تهلیل را بگوید که گذشت؛ و ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد؛ و سی و پنج مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و سی و پنج مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و سی و پنج نوبت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، او را در آن صبح از غافلان نویسند، و اگر همین اذکار را در شام بگوید، او را در آن شب از غافلان نویسند»^(۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت شام صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، چنان باشد که صد بنده آزاد کرده باشد»^(۳).

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آن، حق تعالی ثواب صد بنده آزاد کردن در نامه عملش بنویسد»^(۴).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که: در فرزند آدم سیصد و شصت رگ هست که صد و هشتاد رگ از آنها متحرک است و صد و هشتاد رگ دیگر ساکن، که اگر یکی از رگهای متحرک ساکن شود یا یکی از رگهای ساکن متحرک شود،

ص: ۲۱۲

۱- همان، ص ۵۳۲ و ص ۵۳۳، باب القول عند الاصبح، ح ۳۱ - ۳۳.

۲- همان، ص ۵۳۴، ح ۳۵.

۳- ثواب الاعمال، ص ۱۹۵، باب من کبر عند المساء.

۴- محاسن، ج ۱، ص ۳۶، باب ۲۸، ح ۳۳.

او را خواب نمی برد؛ بنا بر این حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در هر صبح و هر شام سیصد و شصت مرتبه می گفتند:
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ» (۱).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در صبح چهار مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، به تحقیق که شکر آن روز را ادا کرده است؛ و همچنین اگر در شام چهار مرتبه بگوید، شکر آن شب را ادا کرده است» (۲).

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بر شخصی گذشتند که باغ خود را درخت می کاشت، حضرت ایستادند و فرمودند که می خواهی تو را دلالت کنم بر درخت کشتنی، که اصلش ثابت تر و میوه اش زود رس تر و نیکوتر و باقی تر باشد؟ گفت: بلی. فرمود: در هر صبح و شام بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» تا آن که حق تعالی به عدد هر تسبیحی ده درخت در بهشت به تو کرامت فرماید از انواع میوه ها» (۳).

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «در صبح این دعا را بخوان:

«أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسَيِّئَتِهِ وَ دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ أَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلِيٌّ وَ الْأَوْصِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

ص: ۲۱۳

۱- کافی ج ۲، ص ۵۰۳ باب التحميد و التمجيد، ح ۴.

۲- عده الداعی، ص ۲۶۰، فی اقسام الذکر.

۳- امالی صدوق، ص ۱۶۹، مجلس ۳۶، ح ۱۶.

عَلَيْهِمْ وَارْغَبْ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (۱).

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که در صبح و شام سه نوبت بگوید:

«رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِالْقُرْآنِ بَلَاغًا وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ أَئِمَّةً».

البته بر حق تعالی لازم است که در روز قیامت او را راضی گرداند» (۲).

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر بنده که قبل از طلوع آفتاب این دعا بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا لِشَرِيكَ لَهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

ملکی مبادرت نماید و این دعا را در میان بال خود بگیرد و به آسمان برد، و چون به آسمان اول درآید ملائکه به او گویند که چه چیز داری؟ در جواب گوید که: شخصی از مؤمنان به این کلمات تکلم نموده؛ و کلمات را بر ایشان بخواند، ملائکه گویند که: خدا رحم کند آن کسی را که این کلمات را خوانده است و گناهان او را بیامرزد؛ پس به هر آسمان که گذرد ملائکه از او سؤال کنند، و چون جواب گوید همین دعا کنند؛ و آن ملک این کلمات را ببرد و در دیوان کنوز که اعمال خالص مؤمنان در آنجا مثبت است، ثبت نماید» (۳).

و به سند عالی از ابو حمزه ثمالی منقول است که: «از حضرت امام

ص: ۲۱۴

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۲۲، باب القول عند الاصبح ...، ح ۴.

۲- همان، ص ۵۲۵، ذیل ح ۱۲.

۳- همان، ص ۵۲۶، ح ۱۴.

محمد باقر علیه السلام سؤال نمود از تفسیر آنچه حق تعالی در شأن حضرت ابراهیم علیه السلام فرموده که حقوق الهی و اوامر او را وافی و تمام ادا نمود، حضرت فرمود که چون صبح می کرد سه مرتبه می گفت:

«أَصْبَحْتُ وَرَبِّي مَحْمُوداً أَصْبَحْتُ لِأَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً وَلَا أَدْعُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهاً وَلَا آتِخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً».

و همچنین در شام سه مرتبه می فرمود. و اگر در شام خوانند به جای «أَصْبَحْتُ» در هر دو جا «أَمْسَيْتُ» می باید گفت. (۱)

و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «چون حضرت نوح علیه السلام در هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را می خواندند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا».

به این سبب حق تعالی او را عبد شکور فرمود؛ یعنی بنده بسیار شکر کننده. و اگر در شام خواند چنین بگوید: «أَنَّه مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ» (۲).

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «هر که در صبح انگشتر عقیق در دست راست خود داشته باشد، و پیش از آن که به احدی نظر کند نگین عقیق را به کف دست خود بگرداند و به آن نگین نظر کند، و سوره «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بخواند، پس این دعا [را] بخواند که:

«آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَأَمَنْتُ

ص: ۲۱۵

۱- همان، ص ۵۳۵، ح ۳۸.

۲- همان، قریب به مضمون، و تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۷.

بِسْرِ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَالِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ».

حق تعالی او را در آن روز از شرّ جمیع بلاهای آسمان و زمین حفظ نماید».(۱)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار بگوید، خدا او را بیامرزد اگر چه هفتاد هزار گناه کرده باشد».(۲)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت شام سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ» هیچ خیری در آن شب از وی فوت نشود، و جمیع شرور و بدی های آن شب از او رفع شود؛ و همچنین اگر در صبح سه مرتبه بخواند، هیچ خیری در آن روز از وی فوت نشود، و جمیع شرور آن روز از او دور شود».(۳)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز شام سه مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ» حق تعالی به او خیر بسیار کرامت فرماید».(۴)

و به سند صحیح منقول است از حضرت صادق علیه السلام که: «حضرت رسالت پناه، محمد صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که: چون به معراج رفتن ملائکه مرا دعایی تعلیم نمودند که هر صبح و شام می خوانم:

ص: ۲۱۶

۱- الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۵۲.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۹۸، ثواب من استغفر سبعین مره، ح ۱.

۳- همان، ص ۱۹۹، ثواب من قال حین یمسی، ح ۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۵۴۵، الدعای ادبار الصلوه، ح ۲.

«اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَذَنْبِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِمَغْفِرَتِكَ وَذُلِّي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَفَقْرِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ وَوَجْهِي الْبَالِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى. (۱)»

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «شبهه هذلی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: یا رسول الله! من پیر شده ام، و قوتم ضعیف شده است، و از اعمالی که عادت کرده بودم - از نماز و روزه و حج و جهاد - باز مانده ام، پس مرا کلامی تعلیم فرما که حق تعالی مرا به آن نفع دهد، و سبک کن بر من، یا رسول الله!

حضرت فرمود که: اعاده کن این سخن را تا آن که سه مرتبه این کلام را اعاده نمود، حضرت فرمود: بر دور تو هیچ درختی و کلوخی نماند مگر آن که گریست به سبب ترحم بر تو، پس چون نماز صبح بکنی ده مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، به درستی که حق تعالی تو را عافیت می دهد به سبب این ذکر از کوری و دیوانگی و خوره و فقر و ضعف و پیری.

گفت: یا رسول الله! این برای دنیاست از برای آخرت چه چیز باید خواند؟

فرمود: بعد از هر نماز بگو:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ.»

بعد از آن فرمود که: اگر کسی این دعا را عمداً ترک نکند تا از دنیا برود،

ص: ۲۱۷

در قیامت هشت در بهشت را برای او بگشایند که از هر دری که خواهد داخل شود». (۱)

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز بیست و پنج نوبت بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ» حق تعالی به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد تا روز قیامت، حسنه در نامه عمل او بنویسد، و گناه از او محو کند، و درجه از برای او بلند گرداند». (۲)

و به سند معتبر از هلقام منقول است که: «به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام عرض نمود که: دعایی تعلیم من نما که جامع مطالب دنیا و آخرت باشد، حضرت فرمود که: بعد از صبح تا طلوع آفتاب بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ»، هلقام گفت: که من بد حال تر و پریشان تر از جمیع اهل بیت خود بودم، و به برکت این دعا امروز حالم از همه بهتر است». (۳)

شیخ طوسی علیه الرحمه و الرضوان، در تعقیب نماز صبح فرموده که: «صد نوبت بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، و صد نوبت بگوید: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ»، و صد مرتبه «أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَأَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ»، و صد نوبت «أَسْأَلُ اللَّهَ الْحُورَ الْعِينِ»، و صد نوبت سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند و صد مرتبه بگوید: «صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، و صد نوبت بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ص: ۲۱۸

۱- امالی صدوق، ص ۵۴، مجلس ۱۳، ح ۵.

۲- ثواب الاعمال، ص ۱۹۴، ثواب الدعاء للمؤمنین، ح ۳.

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۵۰، الدُّعَا فِي ادْبَارِ الصَّلَاةِ، ح ۱۲.

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، و ده نوبت آیه الکرسی، و ده نوبت سوره «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، و ده نوبت این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ مَحَبَّتِي وَضَمِّنِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رِزْقِي وَالْقِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِ أَعْيَادِكَ مِنِّي وَأَنْشُرْ رَحْمَتِكَ لِي
وَأَتِمِّمْ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَاجْعَلْهَا مَوْصُولَهُ بِكَرَامَتِكَ إِيَّايَ وَأَوْزِعْنِي شُكْرَكَ وَأَوْجِبْ لِي الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا
تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ» (۱)

ص: ۲۱۹

۱- مصباح المتهجد، ۲۰۸، تعقیب صلوه الصبح، طبع مؤسسه فقه الشیعه.

فصل دوم: در اذکار و ادعیه‌ای که در عقب هر نماز باید خواند

بدان که بهترین تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها است: سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، و سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و سی و سه مرتبه «شَیْخَانِ اللَّهُ»، چنان که به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «عبادت کرده نمی شود خدا به تحمیدی که بهتر باشد از تسبیح فاطمه علیها السلام؛ و اگر از آن چیزی بهتر می بود حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آن را به فاطمه علیها السلام عطا می فرمود».^(۱)

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را در عقب هر نماز هر که هر روز بخواند، محبوب تر است نزد من از این که هزار رکعت نماز در هر روز بکند».^(۲)

و در حدیث دیگر فرمود که: «هر که تسبیح فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، گناهانش آمرزیده شود».^(۳)

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «روزی حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم به اصحاب خود فرمود: آنچه دارید از جامها و ظرفها، اگر جمع

ص: ۲۲۰

۱- کافی، ۳، ص ۳۴۳، باب التعقیب بعد الصلوه، ح ۱۴.

۲- ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۹۶، ثواب تسبیح فاطمه علیها السلام ح ۳.

۳- محاسن برقی، ج ۱، ص ۳۶، باب ۲۹، ح ۳۴.

کنید و بر روی هم گذارید به آسمان می رسد؟

گفتند: نه، یا رسول الله.

فرمود: می خواهید که شما را دلالت کنم بر عملی که اصلش بر زمین است و شاخش در آسمان؟

گفتند: بلی، یا رسول الله!

فرمود: هر یک از شما که از نماز واجب خود فارغ شود، سی نوبت بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، به درستی که اصل این کلمات در زمین است و شاخش در آسمان، و دفع می کند سوختن و غرق شدن و خانه خراب شدن و به چاه افتادن و مرگهای بد را از خواننده خود، و اینهاست باقیات صالحات».(۱)

و به سند معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که چهل مرتبه این تسبیحات اربع را بعد از هر نماز فریضه بخواند، پیش از آن که پای خود را از قبله بگرداند، هر حاجتی که از خدا سؤال کند به او عطا فرماید».(۲)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که: «هر که بعد از نماز فریضه پیش از آن که پاهای خود را از حالت تشهد تغییر دهد، سه مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»، حق تعالی گناهان او را بیامرزد، اگر چه مثل کف دریاها باشد».(۳)

ص: ۲۲۱

۱- ثواب الاعمال، ص ۲۶، ثواب من قال سبحان ا...، ح ۳.

۲- امالی صدوق ص ۱۵۴، مجلس ۳۴، ح ۱۱.

۳- کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، باب ثواب من قال استغفرا...، ح ۱.

و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که فرمود: «کمتر چیزی که مجزی است از دعا بعد از نماز فریضه، این است که بگویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ» (۱).

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «محمد بن ابراهیم به خدمت حضرت امام موسی علیه السلام نوشت که می خواهم که دعایی تعلیم من فرمایی که بعد از نماز بخوانم، و حق تعالی به سبب آن خیر دنیا و آخرت را برای من جمع نماید، حضرت فرمود بگو:

«أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الأَوْجَاعِ كُلِّهَا» (۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز واجب سنی مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، بر بدنش گناهی نماند مگر آن که بریزد» (۳).

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که خواهد که چون از دنیا برود از گناهان پاک باشد مانند طلای بی غش، و مظلمه احدی نزد او نباشد که از او طلب نماید، باید که بعد از نمازهای پنجگانه دوازده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند، پس دست خود را به جانب آسمان بگشاید و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمُخْزُونِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ وَ

ص: ۲۲۲

۱- معانی الاخبار، ص ۳۹۴، نوادر المعانی، ح ۴۶. طبع جامعه.

۲- کافی ج ۳، ص ۳۴۶، باب التعقیب بعد الصلوه، ح ۲۸.

۳- امالی صدوق ص ۲۲۴، مجلس ۴۶، ح ۶.

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَهَّابَ الْعَطَايَا وَيَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي وَيَا فَكَّاكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوْلَاهُ فَلَا حَافًا وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَ آخِرَهُ صَلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ».

بعد از آن فرمود که: این از دعا‌های مخفی است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم تعلیم من نمود، و امر فرمود که تعلیم حضرت امام حسن و حضرت امام حسین - صلوات الله علیهما - نمایم» (۱).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم فتح مکه نمودند، نماز ظهر را نزد حجر الاسود با اصحاب خود ادا نمودند؛ و چون سلام گفتند، سه مرتبه دست برداشتند و سه مرتبه الله اکبر گفتند، پس این دعا خواندند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

پس رو به اصحاب خود کردند و فرمودند که ترک نکنید این سه تکبیر و این دعا را، بعد از هر نماز واجب؛ به درستی که هر که بعد از سلام نماز این را بخواند به تحقیق که ادا کرده است آنچه بر او واجب است از شکر حق تعالی و تقویت اسلام و اهل اسلام» (۲).

ص: ۲۲۳

۱- معانی الاخبار، ص ۱۴۰، باب المخیبات، ح ۱.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۶۰، باب ۷۸، ح ۱.

و به سند صحیح منقول است از احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی که به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: چگونه صلوات و سلام بعد از نماز واجب بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم می باید فرستاد؟ حضرت فرمود که بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَيْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (۱)

و موافق احادیث معتبره می باید بعد از هر نماز بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِدْنَا مِنَ النَّارِ وَأَرْزُقْنَا الْجَنَّةَ وَزَوِّجْنَا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ» (۲)

و به سند معتبر منقول است که: «حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از جای نماز خود بر نمی خاستند تا چهار ملعون و چهار ملعونه را لعنت نمی کردند پس باید که بعد از هر نماز بگوید: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْحَبْتَرَ وَ الزَّرِيقَ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ فَلَانَهُ وَ فَلَانَةَ وَ هِنْدَ وَ أُمَّ الْحَكَمِ» و بعضی از تعقیبات در باب فضایل سور و آیات قرآنی مذکور شد به همین اکتفا می نمایم» (۳)

ص: ۲۲۴

۱- قرب الاسناد، ص ۳۸۲، ح ۱۳۴۴، احادیث متفرقه.

۲- کافی، ج ۳، ص ۳۴۴، باب التعقب، ح ۲۲ و خصال، ج ۲، ص ۲۹ حدیث اربعماه.

۳- همان، ص ۳۴۲، ح ۱۰.

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بعد از نماز ظهر این دعا می خواندند:

لا-إله إلا-الله العظيم الحليم لا-إله إلا-الله رب العرش الكريم وَ الْحَمِيدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ
عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ اللَّهُمَّ لا- تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَ لا سُقْمًا إِلَّا
شَفَيْتَهُ وَ لا- عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَ لا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ وَ لا خَوْفًا إِلَّا أَمِنْتَهُ وَ لا سُوءًا إِلَّا صَيَّرْتَهُ وَ لا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا وَلِي فِيهَا صِيْلًاخ إِلَّا
قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».(۱)

ص: ۲۲۵

به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار بکند، حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد، و اگر هفتصد گناه نداشته باشد باقی را از گناهان پدرش بیامرزد، و اگر پدرش آن قدر گناه نداشته باشد از گناهان مادرش، و اگر نه از گناهان برادرش، و اگر نه از گناهان خواهرش، و همچنین باقی خویشان هر که به او نزدیک تر باشد».(۱)

و در حدیث دیگر هفتاد و هفت مرتبه استغفار وارد شده است. و ثواب عظیم برای ده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بعد از نماز عصر خواندن، گذشت.(۲)

و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که هر روز بعد از نماز عصر یک مرتبه بگوید:

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَظِيمَةً ذَلِيلٌ خَاضِعٌ فَقِيرٌ بَائِسٌ مِسْكِينٌ مُسْتَكِينٌ مُسْتَجِيرٌ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوَةً وَلَا نُشُورًا».

حق تعالی امر فرماید که: صحیفه گناهان او را بدرند هر چند گناه بسیار در آن باشد».(۳)

ص: ۲۲۶

۱- امالی صدوق، ص ۲۱۱، مجلس ۴۴، ح ۸.

۲- امالی طوسی، ص ۵۰۸، مجلس ۱۸، ح ۱۷، ح مسلسل ۱۱۱۰.

۳- فلاح السائل، ص ۲۰۱، و مصباح المتهجد، ص ۶۶.

فصل پنجم: در بیان تعقیب مخصوص نماز خفتن است

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که:

«هر که بعد از نماز خفتن هفت نوبت سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بخواند در ضمان الهی باشد تا صبح»^(۱).

و شیخ طوسی رحمه الله علیه نقل کرده است که: «مستحب است بعد از نماز خفتن سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» هر یک را ده مرتبه و تسبیحات اربع را ده مرتبه «وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» ده مرتبه»^(۲).

ص: ۲۲۷

۱- فلاح السائل، ص ۲۵۷.

۲- مصباح المتعجل، ص ۹۷ و ۹۸، بلد الامین، ۳۱.

بدان که از جمله سنتهای مؤکد بعد از هر نماز، سجده شکر است و فضایل این سجده در احادیث بسیار است.

حتی آن که به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «دو سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی، نماز خود را به آن تمام می کنی، و خداوند خود را خوشنود میگردانی، و ملائکه را به عجب می آوری. به درستی که بنده ای که نماز می کند و بعد سجده شکر بجا می آورد، حق تعالی حجاب از میان بنده و ملائکه بر می دارد، و می فرماید که: ای ملائکه! نظر کنید به بنده من که فرض مرا ادا کرد، و عهد مرا تمام کرد، و بعد از آن شکر نعمت مرا به جا می آورد، ای ملائکه! چه ثواب او را نزد من هست؟

ملائکه می گویند که: پروردگارا! رحمت خود را شامل حال او گردان.

باز می فرماید: دیگر چه چیز به او عطا کنم؟

می گویند: پروردگارا! بهشت خود را به او عطا کن.

باز می فرماید که: دیگر چه چیز به او کرامت فرمایم؟

می گویند که: امور او را کفایت کن؛ و همچنین حق تعالی سؤال می نماید، و ملائکه جواب می گویند تا آن که هیچ چیز نمی ماند که علم

ملائکه به آن احاطه کند مگر آن که او را می گویند.

باز چون حق تعالی سؤال نماید، ایشان می گویند که: پروردگارا! علم ما به زیاده از این احاطه نکرده است.

پس حق تعالی فرماید که: من شکر او می کنم چنان که او شکر من کرد، و روی فضل و احسان خود به سوی او می دارم، و او را در مراتب قرب و معرفت خود کامل می گردانم»^(۱).

به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقول است که: «چون حق سبحانه و تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب فرمود: ای موسی! می دانی که چرا تو را از میان بندگان خود برگزیدم و کلیم خود گردانیدم؟ گفت: نه ای پروردگار من!

خطاب رسید که من چون نظر کردم نفس تو را نزد بندگی خود از همه کس ذلیل تر یافتم، هر گاه که از نماز فارغ می شوی دو طرف روی خود را بر خاک می گذاری، پس حضرت موسی علیه السلام به سجده درآمد و پهلوهای روی خود را از روی تذلل بر خاک مالید نزد پروردگار خود، حق تعالی به او وحی نمود که سر بردار ای موسی! و دست خود را بر موضع سجود به مال و بر رو و بدن بمال که باعث ایمنی تو می شود از هر بلایی و دردی و آفتی»^(۲).

بدان که اقل سجده شکر آن است که سر به سجده گذارد و سه مرتبه بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ» چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است^(۳).

ص: ۲۲۹

۱- مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۳۸، فی سجده الشکر، ح ۴. ح مسلسل ۲۰۸۶.

۲- همان، ح ۴، ح مسلسل ۲۰۸۴.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۱، باب ۳۷، ح ۲۷.

همچنین از آن حضرت منقول است که: «صد مرتبه «عَفْواً» بگویند، یا صد مرتبه «شُكْرًا» (۱) و اگر در سجده اول صد مرتبه «عَفْواً» یا «الْعَفْوُ الْعَفْوُ» بگویند، بعد از آن جانب راستِ رو را بر زمین گذارد و هر دعا و هر ذکر که داند بخواند، مثل «یا اَللّهُ یا رَبّاهُ یا سَيِّداهُ» و همچنین پهلوی چپ رو را بر زمین گذارد چنین دعا یا ذکر بخواند، بار دیگر پیشانی را بر زمین گذارد و صد مرتبه «شُكْرًا شُكْرًا» بگویند خوب است.

و در این سجده بر خلاف سجده های نماز، سنّت است که دستها را بر زمین بخواباند، و سینه و شکم را به زمین برساند.

و همچنین مستحب است که حاجات خود را و برادران مؤمن خود را طلب نماید، و در تضرّع و زاری و مناجات تقصیر ننماید، و بسیار طول بدهد.

چنان که در احادیث معتبره وارد شده است که: «بنده در هیچ حالت قرب او به خدا زیاده نیست از حالتی که در سجود گریان باشد» (۲).

و ائمه صلوات الله عليهم سجده های بسیار طولانی بجا می آورده اند، به خصوص امام موسی کاظم علیه السلام که بعد از نماز صبح به سجده می رفته اند، و روز که بلند می شده است سر از سجده بر می داشته اند؛ و اگر در حالی بوده اند که مشغول هدایت خلق نمی توانسته اند شد مثل اکثر حالات، در سجده بوده اند.

و همچنین کبار اصحاب ایشان این طریقه را داشته اند؛ حتی آن که نقل کرده اند که بعضی از ایشان آن قدر طول می داده اند سجده را که مرغ در پشت ایشان آشیانه می گذاشت، و دعاها را از اهل بیت صلوات

ص: ۲۳۰

۱- همان، ص ۲۸۰، ح ۲۳.

۲- کامل الزیارة، ص ۱۴۶، ذیل ح ۴.

اللَّهُ عليهم بسیار منقول است و این کتاب گنجایش ذکر آنها ندارد.

و بهترین آنها آن است که کلینی به سند حسن روایت کرده است که: «عبدالله بن جنذب از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سؤال نمود از دعایی که در سجده شکر بخواند، حضرت فرمود: چون به سجده می روی بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِحُكِّكَ شَهِيداً وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَائَكَ وَرُسُلِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ اللَّهُ رَبِّي وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَمُحَمَّدًا نَبِيِّي وَعَلِيًّا وَالْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحُجَّجَةَ بْنَ الْحَسَنِ أُمَّتِي بِهِمْ اتَّوَلَى وَمِنْ أَعْيَادِهِمْ اتَّبِرُوا اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ دَمِ الْمَظْلُومِ» سه مرتبه [در روایت کافی این فقره هست.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ بِأَيْوَانِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لِتُظْفِرَنَّهُمْ بَعْدُوكَ وَعَدُوَّهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» سه مرتبه و بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ بِأَيْوَانِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَعْدَائِكَ لِتَهْلِكَنَّهُمْ وَلِتُخْزِيَنَّهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ» سه مرتبه.

بعد از آن پهلوی راست رو را بر زمین می گذاری و می گویی:

«يَا كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَيْدَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْمَارِضُ بِمَا رَحِبْتُ وَيَا بَارِيَّ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَكُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَتِيًّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ».

ص: ۲۳۱

پس جانب چپ را بر زمین می گذاری و می گویی: «يَا مُدِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَعِزَّتْكَ بِلِغِ مَجْهُودِي» سه مرتبه پس می گویی: «يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ» سه مرتبه . پس بار دیگر سر را بسجده می گذاری و صد مرتبه می گویی «شُكْرًا شُكْرًا».

سپس می گویی: «يَا سَمِيعَ الصَّوْتِ يَا سَابِقَ الْفَوْتِ يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعِيدَ الْمَوْتِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعَلِ بِي كَذَا وَكَذَا».(۱)

و در روایت دیگر وارد شده است که: «حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در سجده اول هزار مرتبه «الْعَفْوُ الْعَفْوُ» فرمودند».(۲) در کافی در ضمن حدیث راوی می گوید: بعد از نماز ظهر حضرت به سجده رفتند و بعد از گریه و دعا در سجده، شمارش کردم هزار مرتبه «العفو» گفتند.

و در حدیث دیگر وارد شده است که: «آن حضرت در سجود این دعا می خواندند:

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفِئُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يُبْلَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطَشَانُهَا لَا يُزْوِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَشْلُوبُهَا لَا يُكْسِي».(۳)

و در حدیث دیگر مروی است که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده این دعا می خواندند:

«ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ».(۴)

ص: ۲۳۲

۱- کافی، ج ۳، ص ۳۲۵، باب السجود و التسييح، ح ۱۷.

۲- همان، ص ۳۲۶، ضمن ح ۱۹ و بحار الانوار ج ۸۶، ص ۲۰۹، ح ۲۴.

۳- کافی، ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۲۲.

۴- همان، ص ۳۲۷، ح ۲۱. در کافی به جای کلمه «أُنْسِي» کلمه «آنِسْنِي» دارد.

فصل هفتم: در بیان اذکاری است که در هنگام خواب باید خواند

بدان که مستحب است که در هنگام خوابیدن با وضو باشد و به جانب راست رو به قبله، سوره ها و آیات که در باب فضایل قرآن مذکور شده بخواند، و بهترین اذکار در این وقت، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

چنانچه به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که: «چون آدمی شب در جای خواب خود می خوابد، ملک بزرگواری و شیطان متمردی بسوی او مبادرت می نمایند؛ پس ملک به او می گوید که: روز خود را ختم کن به خیر، و شب خود را افتتاح کن به خیر. و شیطان به او می گوید که: روز خود را ختم کن به گناه، و شب خود را افتتاح کن به گناه.

پس اگر طاعت ملک کرد، و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را در وقت خواب خواند، ملک آن شیطان را می زند و از او دور می کند، و او را محافظت و نگاهبانی می کند تا بیدار شود؛ پس باز شیطان می آید و او را امر می کند که ختم شب و افتتاح روز به گناه بکند، و ملک او را به خیر امر می کند؛ پس اگر اطاعت ملک کرد و تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها خواند، آن ملک شیطان را از او دور می کند، و حق تعالی عبادت تمام آن

شب را در نامه عملش می نویسد» (۱).

و به سند معتبر از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقول است که فرمود: «ما اهل بیت را، در هنگام خوابیدن، ده خصلت می باشد: با طهارت می باشیم و به دست راست می خوابیم، و (دست را در زیر رو می گذاریم)، و تسبیح فاطمه علیها السلام می خوانیم، و رو به قبله می خوابیم، و سوره حمد و آیه الکرسی و آیه «شهد الله» را می خوانیم، پس هر که چنین کند بهره خود را از ثواب در آن شب برده است» (۲).

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، حق تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را تا صبح حفظ نمایند از شر شیطان رجیم» (۳).

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در وقتی که به رختخواب می رود یازده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، گناهان او آمرزیده شود، و او را شفیع کنند در همسایگان خود؛ و اگر صد مرتبه بخواند، گناهان آینده او تا پنجاه سال آمرزیده می شود» (۴).

و در حدیث دیگر فرمود: «اگر کسی در خواب ترسد در وقت خواب سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و آیه الکرسی بخواند» (۵).

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که در وقت خواب سه نوبت بگوید:

ص: ۲۳۴

۱- فلاح السائل، ص ۲۷۹.

۲- همان، ص ۲۷۹ و ۲۸۰، بحار الانوار ج ۷۶ ص ۲۱۰ ح ۲۳.

۳- فلاح السائل، ص ۲۸۱، این قسمت در روایت بحار نیامده است.

۴- همان، ص ۲۷۵.

۵- مکارم الاخلاق، طبرسی، ج ۲، ص ۴۳، فیما یفعل عند النوم، ح ۶.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

از گناهان بیرون آید، مانند روزی که از مادر متولد شده بود».(۱)

و در حدیث دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در هنگام خواب آیهاالکرسی می خواندند و بعد از آن می فرمودند که:

«بِسْمِ اللَّهِ اَمَّنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللَّهُمَّ اَحْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَ فِي يَفَظْتِي».(۲)

و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «کسی که خواهد در میان شب بیدار شود، در وقت خواب این دعا بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تُنَسِّئِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤَمِّنِي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِئْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

فرمود که چون این دعا را بخواند، حق تعالی دو ملک بسوی او بفرستد که او را بیدار کنند، پس اگر بیدار شود فبها(۳) و اگر بیدار نشود حق تعالی ایشان را امر فرماید که از برای او استغفار نمایند، و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد، و اگر بیدار شود هر حاجتی که از حق تعالی بطلبد به او عطا فرماید».(۴)

ص: ۲۳۵

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۳۵، الدعاء عند النوم. ح ۱.

۲- همان، ص ۵۳۶، ح ۳.

۳- فبها: بسیار خوب، لغت نامه دهخدا ص ۱۴۹۵۶ چاپ دانشگاه تهران.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۲۸۸.

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «چون این کس در شب از پهلو به پهلو گردد سنت است که بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».(۱)

سید بن طاوس «علیه الرحمه» به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: «کسی که خواهد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب به بیند، بعد از نماز خفتن غسل کند، و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد یک مرتبه و صد مرتبه آیهالکرسی بخواند، و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و بر جامه پاکی بخوابد که حلال و حرام بر روی آن جامه وطنی نکرده باشد، و دست راست خود را بر زیر گونه راست خود بگذارد، و صد مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». و صد مرتبه بگوید «ما شاء الله» و به خواب رود آن حضرت را در خواب می بیند».(۲)

و سید مذکور نقل کرده است که: «اگر خواهد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب ببیند، در وقت خواب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَإِيَادِيهِ بِاسِطَةٍ لَا تَنْقُضِي أَسْئَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا لَقِيَ كَفَى أَنْ تُرِيَنِي مَوْلَايَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَنَامِي».(۳)

و به سند دیگر روایت کرده است: «کسی که خواهد که میت خود را در خواب ببیند با طهارت بخوابد، و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند، پس این دعا [را] بخواند:

ص: ۲۳۶

۱- فلاح السائل، ۲۸۸.

۲- همان، ص ۲۸۵.

۳- همان، ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ، وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَتْ الْأَشْيَاءُ وَالْإِيكَ تَعُودُ، فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَاهُ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ. فَاسْتِئْذِنِي بِإِلَهِ الْأَنْتِ وَأَسْتِئْذِنُكَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيَحَقُّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَيَحَقُّ عَلَيَّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَيَحَقُّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَيَحَقُّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ السَّلَامَ، أَنْ تُصَلِّيَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرِينِي مَيْتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هِيَ وَعَلَيْهَا

[فيها] (۱).

چنین گوید مؤلف این کتاب که: به برکت اهل بیت رسالت علیهم السلام، اذکار و ادعیه و اوراد و اعمال و عبادات، آن قدر هست که از عهده صد هزار یک آن به در نمی توان آمد، پس چه حاجت است به مرتکب شدن اعمال بدعت که از مشایخ اهل سنت به جمعی از جاهلان و بیخردان به میراث رسیده. و آنچه این فقیر در این کتاب بر سبیل اجمال از هزار، یک و از بسیار، اندکی آورده ام، اگر کسی به اینها عمل نماید، تمام وقت آن را فرا می گیرد. و به اجمال طریقه اهل بیت رسالت علیهم السلام مضبوط و معلوم است، و کسی که راه متابعت ایشان را خواهد واضح و ظاهر است؛ و اول چیزی که از اعمال، ایشان مبالغه بسیار در آن نموده اند، و بر همه اعمال ترجیح دارد، نماز پنجاه و یک رکعت است، که هفده رکعت آن نماز پنجگانه است. و باقی هشت رکعت نافله پیشین است که پیش از نماز ظهر می باید کرد. و هشت رکعت نافله پسین است که پیش از فریضه عصر می باید کرد. و چهار رکعت

ص: ۲۳۷

۱- همان، ص ۲۸۶.

نافله شام است که بعد از نماز شام می باید کرد. و دو رکعت نماز و تیره است که بعد از نماز خفتن نشسته می کنند و به یک رکعت حساب می شود. و هشت رکعت نماز شب با دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر که بعد از نصف شب می باید کرد. و دو رکعت نافله صبح است که پیش از نماز صبح می باید کرد.

و این نافله ها را هر دو رکعت به یک سلام می باید کرد. اینها در فضیلت و تأکید تالی مرتبه واجبات اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم همیشه بر اینها مداومت می نموده اند، و اگر ترک شود مانند واجبات قضا می باید کرد.

دیگر از جمله سنن آن حضرت روزه هر ماه سه روز است، یعنی پنجشنبه اول ماه، و چهارشنبه اول از دهه میان ماه، و پنجشنبه آخر؛ و تمام ماه مبارک شعبان که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در این ماه روزه بودند تا از دنیا مفارقت نمودند. و این سه روز نیز اگر ترک شود قضا می باید کرد.

دیگر از اعمال مؤکد که فضایل نامتناهی در آن وارد شده است نماز جعفر طیار است، و این چهار رکعت است به دو سلام، و مستحب است که در رکعت اول سوره حمد و «اذا زلزلت» بخواند، و در رکعت دوم سوره حمد و سوره عادیات، و در رکعت سوم سوره حمد و «اذا جاء نضیر الله»، و در رکعت چهارم سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ»؛ و اگر در هر رکعتی سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند خوب است؛ بعد از سوره در هر رکعتی پانزده مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و در هر رکوعی، و در هر سر برداشتن از رکوع، و در هر سجودی، و در هر سر برداشتن از سجود، ده مرتبه بگوید. و سنت است که در سجده آخر بعد از تسبیحات این دعا بخواند:

«سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْوَقَارُ. سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَتَّبِعِي التَّسْبِيحَ إِلَّا لَهُ. سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمِيَهُ. سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ. سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ. سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ. سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّلْوَلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ» بعد از آن حاجات خود را از حق تعالی بطلبد، چون از نماز فارغ شود تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند.

و در احادیث وارد شده است که هر که این نماز را بکند، گناهان او آمرزیده شود اگر چه به قدر کف دریاها و ریگ بیابان گناه داشته باشد. و دوازده هزار حسنه از برای او بنویسند که هر حسنه بزرگتر از کوه احد باشد. (۱) و این نماز را در همه وقت می توان کرد و به جای نافله شب و روز می توان کرد.

و در حدیث است که: هر شب یا هر روز بکن. و اگر نتوانی، هر هفته یک مرتبه بکن. و اگر نتوانی، ماهی یک مرتبه بکن، و اگر نتوانی، سالی یک مرتبه بکن. و در شب و روز جمعه، فضیلت این نماز، زیاده از سایر ایام است.

و در حدیث معتبر وارد شده است که: اگر کسی را حاجتی ضروری باشد اصل نماز را بکند بی تسبیحات، و تسبیحات را در راه بخواند. و اگر آن دعا نداند و نخواند ثواب نماز را دارد. و اگر کسی را دعاها و آداب دیگر که در کتب دعا ثبت است (۲) بخواند، بهتر است. (۳)

ص: ۲۳۹

۱- فقیه، ج ۱، ص ۵۵۲ و ۵۵۳، ح ۱۵۳۳ و ۱۵۳۶.

۲- نوادر راوندی، ص ۲۹، الهدایه للصدوق، ص ۳۶، فقه الرضا، ص ۱۵۵. و احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۸۷.

۳- کافی، ج ۳، ص ۴۶۶، باب صلوه التسبیح، ح ۲.

دیگر، نماز حضرت امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - است. و آن چهار رکعت است به دو سلام. و در هر رکعتی، بعد از حمد، پنجاه مرتبه «قل هو الله احد» می باید خواند. و احادیث معتبره، وارد شده است که: هر که نماز را بکند، چون فارغ شود، میان او و خدا گناهی نمانده باشد.

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد شصت مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند، چون فارغ شود گناهان او آمرزیده شده باشد».^(۱)

دیگر نمازها و دعاها و اعمال بسیار است، و از کتب مبسوطه علما، طلب می باید نمود. و به اینجا ختم می کنم این رساله را.

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالشُّكْرُ لَهُ

وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَمُخَالَفِيهِمْ أَجْمَعِينَ

ص: ۲۴۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

